

# صنعت و کار آفرینی

نشریه خبری، آموزشی و تحلیلی  
ویژه نامه نوروز ۱۳۹۷

۹۲



از هر تماس یک فرصت بسازید.










نرم افزار تماس پرداز اوج



با قابلیت اتصال به تمامی مراکز تلفن (سانترال و Voip)، مشتری را در لحظه تماس، شناسایی و در مسیر درست راهنمایی می کند. از ویژگی های این نرم افزار می توان به مقرون به صرفه بودن و کاربری آسان آن اشاره کرد. در واقع این نرم افزار همه ی آنچه که برای تقویت و نظارت بر سیستم خدمات مشتریان و تجزیه و تحلیل تماس های تلفنی نیاز دارید را به شما ارائه میدهد.

این برنامه برای تیم شما ساخته شده و همه کاربران می توانند یک تجربه استثنائی، یکپارچه و آسان را داشته باشند و شما به عنوان مدیر سازمان نظارت کاملی بر عملکرد پرسنل و وضعیت مشتریانتان خواهید داشت.

برخی از مهمترین امکانات تماس پرداز اوج :

شناسایی مخاطب در لحظه تماس	
بایگانی فایل و مستندات در پرونده	
امکان یادآوری پیگیری مشتریان	
چت سازمانی	
پرونده جامع مخاطبین	
امکان یادداشت بر روی تماس ها	
جستجوی پیشرفته	
دسته بندی مشتریان	
گزارش جامع از :	

- تماس های ورودی و خروجی سازمان به تفکیک داخلی ها
- مشاهده جزئیات تماس ها
- هزینه تماس های خروجی
- جزئیات پرونده مشتریان ( نحوه آشنائی ، زمینه فعالیت و ... )



0  
Missed Call



تماس پرداز اوج

www.owj.ir

مشهد - مجتمع کامپیوتر تک - طبقه ۴

سازمان فروش

۰۵۱ - ۳۱۷۷۷

برگی دیگر از افتخارات گروه صنعتی زنیط

# تامین محصولات تخصصی روانساز صنایع کشور

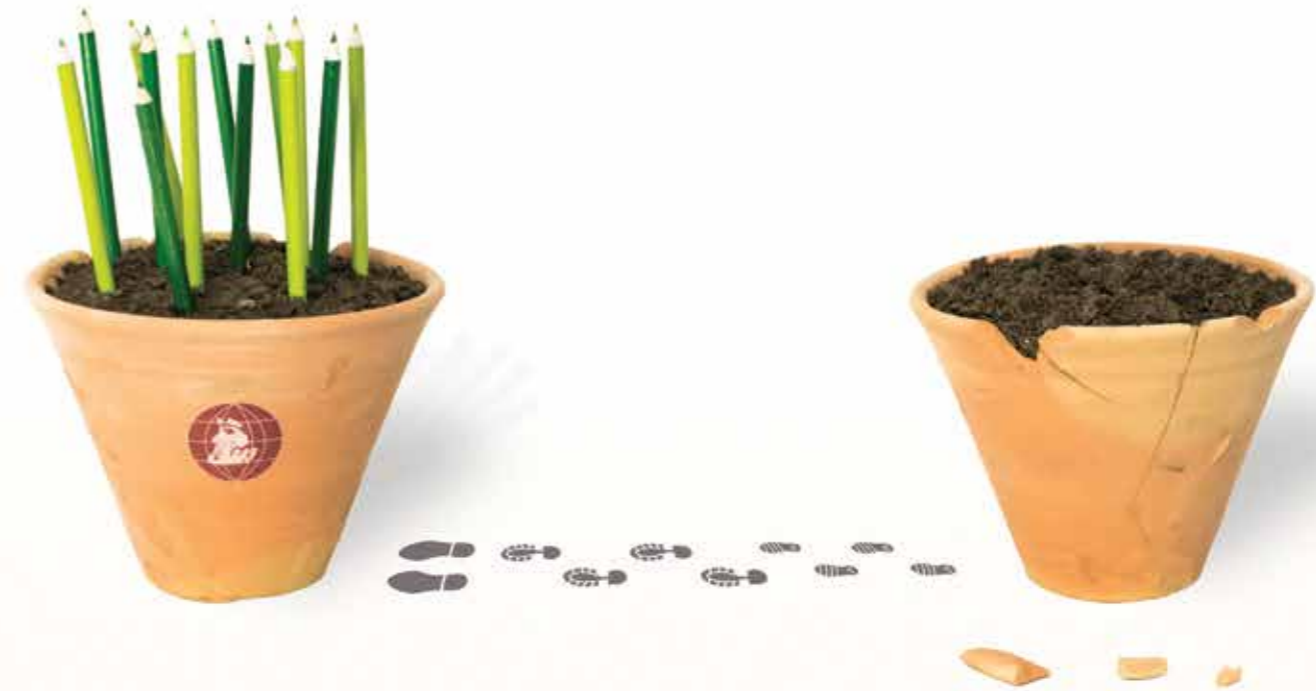


دفتر مرکزی: مشهد- بلوار وکیل آباد- بین وکیل آباد ۲۳ و ۲۵ - پلاک ۴۸۷ صندوق پستی: ۹۱۷۷۵-۱۱۹۹  
تلفن: ۳۶۰۴۸۱۱۴ - ۳۶۰۵۵۱۴۴ - ۳۶۰۴۹۲۵۹ - ۳۶۰۴۴۴۲۲ (۰۵۱) فکس: ۳۶۰۴۹۲۵۸ (۰۵۱)  
تلفن دفتر تهران: ۶۶۵۲۴۹۴۶ (۰۲۱) تلفکس: ۶۶۵۰۹۶۶۰ (۰۲۱) [www.zenitoil.com](http://www.zenitoil.com)



# بنیاد کودک

شوق آموزش، شور زندگی



برای همه چیز قبل و بعدی هست؛  
برای طبیعت، قبل از بهار و بعد از بهار و برای گل‌دان‌ها؛ قبل از گل دادن و بعد از گل دادن.  
فرصت‌های کوچکی هستند که با خودشان خوشبختی‌های بزرگ حمل می‌کنند، مثل همین برگ‌های کاغذی که اکنون در دست شماست. خوشا بحال آنها که بهارند برای زندگی‌های خزان‌زده و نقشی هرچند کوچک در دلگرمی بخشیدن به دیگرانسان‌ها دارند. هر روز باید به آنها "نو" بودن را تبریک گفت.

## هر روزتان مبارک و هر فصلتان بهار

بنیاد کودک نمایندگی مشهد

آدرس: مشهد، بلوار لاسطین، لاسطین ۲۳، پلاک ۲۹  
تلفن: ۰۵۱-۳۸۳۲۰۱۸۶-۷  
رایانامه: mashhad@childf.org  
تلگرام: child\_foundation\_mashhad  
دفتر مرکزی: ۰۲۱-۲۲۵۱۰  
سایت: childf.com  
اینستاگرام: child\_foundation



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



**ماهنامه صنعت و کارآفرینی**  
**نشریه خبری و آموزشی و تحلیلی**

ویژه نامه نوروز ۹۷ / شماره ۹۲ - دی، بهمن و اسفند ۱۳۹۶ / قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: احمد اثنی عشری  
هیات تحریریه: امیر مهدی مرادی / اشرف بهنام پور / فرامرز عسکری  
شورای سیاستگذاری: رضا حمیدی - عبدالمجید یزدانبخش - فرامرز مرادی - جلیل افشارنژاد  
علی شریعتی مقدم - محمد علی چمنیان - مهدی نعیمی پور - بیژن زاهدی فرد  
مدیر روابط عمومی: فرامرز عسکری  
طراحی جلد و صفحه آرایی: بهار  
ویراستاری: فرامرز عسکری  
انتخاب عکس: فرامرز عسکری - وحید محبی فرد  
ناشر: انجمن مدیران صنایع شعبه خراسان

نشانی دفتر ماهنامه:  
مشهد- بلوار شهید منتظری - نبش شهید منتظری ۷  
مجتمع سایکو و قطعه سازان - طبقه ۲ انجمن مدیران صنایع شعبه خراسان  
تلفن: ۱۴ - ۲۸۴۴۴۲۱۱ (۰۵۱) / فاکس: ۲۸۴۴۴۲۱۷ (۰۵۱)  
وب سایت انجمن مدیران صنایع خراسان:  
[www.imakh.ir](http://www.imakh.ir) Email: [info@imakh.ir](mailto:info@imakh.ir)  
نشریه صنعت و کارآفرینی آماده دریافت مقالات ترجمه و گزارش‌های متخصصین و همکاران گرامی می‌باشد  
• مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده‌گان است  
• هیات تحریریه در انتخاب و ویرایش مقالات آزاد است  
• استفاده از مطالب نشریه با ذکر مأخذ بلامانع است

**فهرست**

- ۶ پیام تبریک رییس هیات رییسه انجمن مدیران صنایع خراسان
- ۷ سخن نخست (نگاه به درون، ضرورت بنگاه های اقتصادی)
- ۸ یادداشت دبیر اجرایی انجمن مدیران صنایع خراسان (فصلی نوبانلسی نو)
- ۹ فرامرز مرادی ( آنچه بر صنعت در سال ۹۶ گذشت و بایددها و نیایددها در سال ۹۷ )
- ۱۰ عبدالمجید یزدانبخش (پایش صنعت در گذشته و چشم انداز صنعت در آینده)
- ۱۱ بخش صنعتی جذاب
- ۱۲ اقتصاد زیرزمینی با اقتصاد رسمی چه می کند؟
- ۱۴ انقلاب صنعتی چهارم برای هند به چه معناست؟
- ۱۸ پایان عصر نفت
- ۱۹ بیکاری تکنولوژیک
- ۲۰ تاثیر عمیق نسل جدید کار آفرین های چینی، تأثیری بر صنایع و مصرف کنندگان در تمامی دنیا
- ۲۲ تردید مرکز پژوهش ها برای اشتغال سال آینده!
- ۲۳ تکنولوژی، شغل های خوب را حذف نمی کند
- ۲۴ توریسم صنعت، راهی برای کمک به رونق اقتصاد
- ۲۵ جایگاه صنایع خلاق در اقتصاد کشورها
- ۲۶ چرا رویاهای بسیاری از کارآفرینان می میرند؟
- ۲۸ چگونه می توان اقتصاد یک کشور را اندازه گرفت؟
- ۳۰ رنج اقتصاد ایران
- ۳۲ سبک چینی حمایت از تولید
- ۳۵ انسان ها بر فراز ابرهای مجازی
- ۳۶ بنگاه های کوچک و متوسط در سنگاپور به سمت نوآوری سوق داده می شوند
- ۳۷ کارآفرینی اجباری و فرصت محور و عوامل موثر بر آن
- ۴۰ کسب و کارهای نوین ، سرآغاز رشد اقتصادی ایران
- ۴۲ مدیر عامل بزرگترین شرکت های سال ۲۰۱۷ چرا برکنار شدند
- ۴۳ ملی کردن ها اثر مثبت نداشت
- ۴۶ نقطه جدایی خودروسازی کره از ایران



Ram Plast Shargh Co.  
**رام پلاست شرق**



تولید کننده لوله های پلی اتیلن با بالاترین کیفیت  
مطابق با استانداردهای بین المللی  
مجهز به تکنولوژی کوئیک سوئیچ Quick Switch  
برای اولین بار در خاورمیانه  
دارای آزمایشگاه همکار (آکرو دیتیه)



[www.ramplastco.com](http://www.ramplastco.com)      [info@ramplastco.com](mailto:info@ramplastco.com)

دفتر مرکزی: مشهد، چهارراه خیام، بانک کشاورزی  
مجتمع خلیج فارس، طبقه دوم، شرکت رام پلاست  
تلفن دفتر مرکزی: ۰۵۱ - ۳۷ ۶۴ ۰۰ ۲۴  
فکس: ۰۵۱ - ۳۷ ۶۴ ۸۶ ۷۳

کارخانه: کیلومتر ۲۷ جاده قوچان، روبروی روستای کورده  
شهرک فناوری های پرتز، بلوار صنعت، صنعت ۱  
تلفن: ۰۵۱ - ۳۲ ۴۰ ۰۵ ۶۷  
فکس: داخلی ۱۰۷

فروشگاه: بلوار قرنی، چهارراه ابوطالب  
تلفن: ۰۵۱ - ۳۷ ۲۶ ۸۳ ۲۷  
فکس: ۰۵۱ - ۳۷ ۲۳ ۴۲ ۹۹



## نگاه به درون ، ضرورت بنگاه های اقتصادی

تمام شده به اضافه سود مورد انتظار، اشتباه فاحش قیمت گذاری است، باید بدانیم قیمت ها را بازار تعیین می کند.

۵ - تولید کالا با مشخصه های دور از سلیقه مشتری: سلیقه مشتری الزاماً همان سلیقه تولید کننده نیست. امروزه واحدهای طراحی و مهندسی و مدیریت تجربه مشتری در بنگاه ها، لحظه ای سلیقه مشتری را پایش می کنند و تلاش دارند خواسته ها و انتظارات ناگفته مشتری را کشف و در راستای مشعوف سازی آنها اقدام کنند.

۶ - بهره وری ناکافی: بهره وری نسبت بین ستانده به داده است. عارضه یابی سازمان ها نیازمند محاسبات بهره وری از جنبه های سرمایه نیروی انسانی، تکنولوژی، سیستم ها و فرایندها و... است. تا از این طریق کاستی ها و ناکارآمدی های بنگاه شناخته شده و برای رفع آن اقدام سریع به عمل آید. بهبود شاخص های بهره وری تاثیر انکار ناپذیری بر توفیق کسب و کارها دارد.

۷ - دانش مدیریت: مدیریت صرفاً اتکا به تجارب گذشته نیست، دانشی است که باید آن را فرا گرفت و توسعه داد. بسیاری از مدیران کسب و کارها، همان دانش روز آغاز کسب و کار خود را برای مدیریت بنگاه اقتصادی کافی می دانند، غافل از آنکه شیوه های مدیریت در بخش های مختلف کسب و کار آنچنان تغییر یافته و متحول شده که باور آن دشوار است. کارآفرینان عزیز مطمئن باشند در اختیار نداشتن و عدم به کار گیری دانش روز، هزینه ای جبران ناپذیر به کسب و کارهای آنها تحمیل خواهد نمود. مدل های تعالی سازمانی که با نگاه همه جانبه، بنگاه ها را ارزیابی می کند، کمک خوبی در این عرصه می باشد.

در خاتمه قصد ندارم به تشریح سایر عوامل که در توفیق کسب و کارها اهمیت دارند به طور کامل بپردازم، در این فرصت اندک فقط قصد بنده انتقال این مطلب است که مدیران برای توفیق در کسب و کار خود باید امیدواری به دولت و بانک ها نداشته و با نگاه به درون در بقا و توسعه فعالیت های اقتصادی کسب و کار خود عمل کنند.

سالی سرشار از توفیق و کامروایی برای کارآفرینان پر تلاش و یاران انجمنی خود آرزو دارم.

احمد اثنی عشری

مدیر مسئول

سال ۱۳۹۶ هم برای کارآفرینان با بیم و امید همراه بود و آنان با دشواری مسیر بقای واحد اقتصادی خود را پشت سر گذاردند. از توفیق برجام انتظار می رفت با توجه به سیاست های مداراجویانه و دور از جهان ستیزی که کشورمان آغاز کرده بود، اوضاع اقتصادی کشور بهبود یافته و کسب و کارها رونق گیرد.

متأسفانه انتخاب آقای ترامپ به عنوان رییس جمهور آمریکا و خصومت های جاه طلبانه و غیر منطقی وی با مردم و کشورمان، نگذاشت حفظ این توفیق کام کارآفرینان کشور را شیرین کند. نقش اربابی و قلدری آمریکا در جهان باعث شده بسیاری از کشورها حتی چین و اروپا و تا حدودی روسیه و تمامی کشورهایی که با آنها مرادلات اقتصادی داریم، نظر به اهمیت ترجیحی مرادلات بازرگانی خود با آمریکا، حمایت عملی و جانبداری مناسب را از کشورمان نداشته باشند. لذا آثار روانی و عینی تحریم ها کماکان یکی از چالش های بزرگ صنعتی کشورمان بوده. سیاست های انقباضی بانک ها، بالا بودن نرخ سود بانکی، وضع مالیات های سنگین و غیر اصولی، شفاف نبودن سیاست های پولی و ارزی کشور، ورود کالاها قاچاق، فساد شدید اداری در بدنه سازمان ها و نهاد های حاکمیتی، ده ها هزار دستور العمل و بخشنامه خارج از رده که نقش سرعت گیر را در مسیر توسعه صنعتی ایفا می کند و نظایر آنها باعث شده از بُعد عوامل محیطی صنعت نه تنها رشد مناسب نداشته باشد بلکه در موارد متعددی با رشد منفی نیز مواجه گردد. هر چند تحلیل عوامل محیطی می تواند از دلایل ناکامی بنگاه های اقتصادی باشد، اما ضرورت دارد کارآفرینان عزیز ما نگاهی هم به درون بنگاه خود داشته باشند و بدانند شیوه های سنتی مدیریت دیگر ساز و کار مناسبی برای مدیریت بنگاه های اقتصادی نیست. انواع ناکامی های کارآفرینان از نگاه درون عبارتند از:

۱ - نقدینگی ناکافی که انتظار دارند صرفاً از طریق بانک ها تامین شود، حال آنکه از طریق مشارکت با اشخاص ثالث و فروش سهام تامین نقدینگی مقدور می باشد.

۲ - نبود چشم انداز و استراتژی: شرکت های موفق دارای چشم انداز بوده و اهداف کلان و استراتژی خود را تعیین نموده و مسیر توسعه و تحقق چشم انداز و اهداف را تعیین می نمایند.

۳ - عدم شناخت مشتری: سلايق مشتری لحظه ای تغییر می کند؛ نگاه سنتی به مشتری و انتظار وفاداری از او در دنیای پر از رقابت، امری مختومه است. مشتری هر روز انتخاب های برتر و جدیدتری را پیش رو دارد، لذا تقویت واحدهای ترویج و بازاریابی با نگاه جدید ضرورت قطعی برای توفیق در کسب و کارها می باشد.

۴ - مدیریت هزینه و قیمت گذاری: نرخ گذاری کالا و خدمات بر مبنای قیمت



زکوی یار می آید نسیم باد نوروزی

از این باد ارمدد خواهی چراغ دل برافروزی

بهار، زایش دوباره طبیعت و تجلی جمال الهی از راه رسید. بزم زیبای نو شدن و تجدید حیات دوباره طبیعت در مطلع بهار که دست توانمند صنعتگر فرزانه، آفرینش زیباترین تحول را در طبیعت رقم می زند و شمیم روح بخش گلپای نوروزی را در جان هستی می پراکند، بهترین الهام بخش ما است تا با عزمی راسخ و پرتوان و با امید به نیک اندیشی های دولت تدبیر و امید، بار دیگر بتوانیم زمستان صنعت را تبدیل به بهاری شکوهمند نماییم که وطن عزیزمان در این زمان سخت بدان نیازمند است.

خرسندم که در این ایام فرخنده، تبریکات خود را همراه با آرزوی بهترین تدابیر و نکوترین تحول در احوال روزگارتان تقدیم حضور شما همسنگران خود در جبهه تولید نمایم.

امید که در راه اهداف مشترکمان که همانا تعالی اقتصاد میهن عزیز و رفاه بیشتر هموطنان است، همواره سربلند و پر افتخار گام برداریم.

رضا حمیدی

رییس هیئت رییسه انجمن مدیران صنایع خراسان



امیر مهدی مرادی  
دبیر اجرایی انجمن مدیران صنایع خراسان

همواره فصل بهار نماد نو شدن و تغییر و تحول در زندگی است و براساس آموزه های دینی ایرانیان در آغاز سال از خداوند متعال با ذکر «حول حالنا» طلب تغییر حال خود به وضعیتی بهتر را دارند.

پس از گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی، کم کم بوی نو شدن مدیران کشور و تغییر فصل چه در حوزه بخش دولتی و چه بخش خصوصی به مشام می رسد. مدیران جوانی که با انگیزه تحول سکان کشور را در دست داشتند، پس از گذشت ۴۰ سال بعضاً خود به عنوان عاملی سخت در مقابل تغییر شرایط ایستادگی می کنند و سکان را به مدیران بعد از خود تحویل نمی دهند.

سیر تحول صنعتی و پیشرفت دانش در دنیا به گونه ای بوده است که حتی در جوامع پیشرفته مدیران بزرگ دنیا در صورت عدم امکان تطابق با دانش روز، به سرعت نحوه استفاده از نیروها و مدیران جوان را آموخته اند و دریافته اند که می بایست با حداقل های دانش و تکنولوژی آشنایی لازم را پیدا کنند.

در کشورهای توسعه یافته شاهد حضور مدیران جوان در سطوح بالای مدیریت سیاسی و اقتصادی هستیم و هرجا نیاز به انرژی و تلاش بیشتری است، نقش نیروهای جوان پررنگ تر است.

نیروهای پرتجربه نیز هرگز جوانان را رها نکرده اند و بعنوان نیروی فکری باتجربه، دانش و معلومات خود را با نیروهای جوان به اشتراک می گذارند. تفاوت نگرش مدیران در کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه عدم تقابل و رقابت منفی میان نیروی جوان و نیروهای باتجربه است.

نیک به خاطر دارم در سال ۱۳۸۳ زمانی که با شرکت بین المللی نردینا همکاری داشتیم، برای فروش پاکت های دوی پک به همراه نماینده شرکت که از آلمان به ایران سفر کرده بود به ملاقات جناب آقای مهندس قاسمیان در شرکت کنسرو و سردخانه رضوی رفتیم، در مسیر برگشت مدیر آلمانی از من پرسید: مهندس قاسمیان را چطور ارزیابی می کنی؟ در پاسخ گفتم: به نظر من ایشان فرد بسیار زبرکی هستند البته سایر مدیران عقیده دارند ایشان برای این پست کمی جوان می باشند سن ایشان را از من سوال کرد؛ گفتم: ایشان ۴۰ سال دارند. با تعجب به من نگاه کرد و پرسید: به نظر شما برای آنکه یک مدیر، از تجربه، دانش و توان کار لازم برخوردار باشد، باید چه سنی داشته باشد؟ در فکر فرو رفتیم، درست می گفت؛ مهندس قاسمیان بهترین گزینه برای آن شرکت بودند در اوج دانش، تجربه و توان کاری. عملکرد ایشان نیز بعداً نشان داد حاصل ضرب آگاهی، تجربه و قدرت توان کاری بسیار اهمیت دارد.

شخصاً، رخت اساسی در بسیاری از حوزه های دولتی را حاصل حضور مدیرانی در راس فعالیت ها می دانم که صرفاً در انتظار بازنشستگی هستند و یا به دلیل آنکه به هیچ عنوان حاضر به تحویل پست خود نیستند، انگیزه را برای فعالیت در مجموعه خود از بین برده اند. اگرچه ارتقای پرسنل براساس سنوات فعالیت می تواند به عنوان یک رویکرد مورد نظر باشد، لکن استفاده از ظرفیت نخبگان و نیز تشویق جوانان به

## فصلی نو با نسلی نو

فعالیت بیشتر با بهره مندی از تجارب افراد باتجربه در اغلب موارد مغفول مانده است. در فرصتی که در ملاقات با جناب آقای دکتر نجفی (شهردار حال حاضر تهران) در بازدید سنوات قبل ایشان در اتاق مشهد فراهم شد، خدمت ایشان عرض کردم بزرگترین اشتباه نسل انقلاب عدم پرورش مدیران برای دوران پس از خود بوده است. در آن زمان به دولت اول جناب آقای روحانی اشاره کردم که در ظاهر بهترین های موجود در ایران هستند، اما به دلیل کهلوت همچون تیم پیشکسوتان رتال مادرید می باشند که از بازده لازم برخوردار نیستند.

به ایشان تاکید کردم بسیاری از جوانانی که در آغاز انقلاب سکندار امور اساسی بودند همچون خود حضرتعالی که تحصیلکرده MIT هستید، در دانشگاه های معتبر تحصیل کرده بودند و اگر تجربه نداشتند، از سطح دانش قابل قبولی برخوردار بودند و انگیزه و شور حاصل از انقلاب به ایشان توان مضاعف برای فعالیت می داد، اما این نسل پس از آنکه در جوانی سکان را بر دست گرفتند، اجازه رشد به نسل بعدی ندادند و اصولاً با جانشین پروری بیگانه بودند و امروز جوانان ما نه از دانش روز بهره مند هستند و نه اعتماد به نفس لازم را برای پذیرش مسئولیت دارند. ایشان نیز بر دغدغه اینجانب صحه گذاشتند و فرمودند: اکنون برنامه شناسایی نخبگان در دانشگاه ها را در دست داریم تا با شناسایی و اعزام ایشان به دانشگاه های تراز اول دنیا نسل مدیران آتی کشور را آماده کنیم. به ایشان گفتم فرمایش حضرتعالی یعنی در خوشبینانه ترین حالت مدیران نخبه، برای ۱۵ سال دیگر آماده ورود به مدیریت کشور خواهند بود و این یعنی حداقل یک نسل را کاملاً تلف کرده ایم... در ملاقاتی که سال ها قبل، پس از بهار عربی با دکتر جزایری مشاور اجتماعی سازمان ملل در اتاق مشهد داشتیم، ایشان فرمودند: حدود ۳ سال قبل از بروز نارضایتی ها در لیبی، مطالعه ای را از طرف سازمان ملل در لیبی انجام و نتایج آن را در اختیار قذافی و دولت مردان لیبی قرار دادیم. مطالعات به صورت کاملاً روشن نشان می داد که نارضایتی پنهان در قشر جوان وجود دارد و نسل جوان از اینکه به بازی گرفته نمی شوند بسیار آزرده خاطر است. دولت مردان از این گزارش برآشفتند و گفتند ما بهترین امکانات و شرایط رفاهی را برای جوانان بوجود آورده ایم و روند توسعه در دوران اخیر برای حوزه جوانان بی نظیر بوده است، در پاسخ دکتر جزایری به آنها گفته بودند آنچه شما ساخته اید کاخی از طلا است که از نظر شما زیباست، جوانان کاخ طلا نمی خواهند آنها نیاز دارند که به بازی گرفته شوند و در تصمیم گیری ها نقش داشته باشند و نظرات آنها نیز شنیده شود. متأسفانه در لیبی گوش شنوایی وجود نداشت.

از حوزه مدیریت دولتی که بگذریم در حوزه صنعت و فعالان اقتصادی نیز وضعیت کم و بیش بر همین منوال است. صنعتگرانی که از اوایل انقلاب با شور و هیجان فعالیت های خود را آغاز نمودند، اغلب فرزندانای دارند که یا حاضر به پذیرش مسئولیت نیستند و یا تاکنون به آنها مسئولیتی برای اداره امور داده نشده و اکنون نیز جسارت لازم برای پذیرش مسئولیت را ندارند. اگرچه معدود کارآفرینانی نیز وجود دارند که به اصل جانشین پروری توجه ویژه داشته اند و فرزندان آنها به عنوان جانشینان خلف ایشان به خوبی ایفای نقش می کنند.

نسخه عمومی برای بقای فعالیت های اقتصادی تغییر رویکرد مدیریت مالکان و سهامداران شرکت برای تحویل نقش مدیریتی به مدیران کارآمد غیر سهامدار و حضور ایشان به عنوان سرمایه گذار خواهد بود.

البته فرایند صنعتی شدن در کل دنیا از این مرحله عبور می کند و رمز به وجود آمدن شرکت های بین المللی و فراملیتی نیز همین تغییر نگرش است.

پس از گذشت ۴ دهه از انقلاب امیدواریم در سال آتی تفکر مدیران سنتی در خصوص آنکه جوانان باید خود کار را تحویل بگیرند و نباید انتظار داشته باشند تا مسئولیتی به ایشان بدهیم تغییر کند و شاهد نقش آفرینی بیشتر جوانان در عرصه های تولید و اشتغال و کارآفرینی باشیم و امیدواریم پیشکسوتان و بزرگان دولت و صنعت با تغییر رویکرد به یاری جوانان بپردازند و با انتقال تجارب و تفویض مسئولیت فضا را برای حضور ایشان بیش از پیش فراهم آورند.

## آنچه بر صنعت در سال ۹۶ گذشت و بایدها و نبایدها در سال ۹۷

قبل از هر چیز لازم است به عواملی که در وضعیت صنعت تاثیر گذارند اشاره ای شود و سپس مشخص گردد که با توجه به این عوامل، اوضاع و احوال صنعت در سال ۹۶ چگونه بوده و برای سال های بعد چه اقداماتی باید صورت پذیرد.

عوامل تاثیرگذار در وضعیت صنعت عبارتند از: مزیت نسبی صنعت در مناطق مختلف کشور، عمر صنایع موجود، توسعه و نوسازی صنایع، نیروی انسانی شاغل در صنعت (بازدهی و راندمان آنها)، مشکلات بانکی در تامین نقدینگی و سرمایه در گردش مورد نیاز و سرمایه گذاری های داخلی و خارجی، بدهی ها و مطالبات صنایع، کیفیت محصول و قدرت رقابتی صنایع، فضای کسب و کار، ادارات و سازمان های ناظر بر امور صنایع، تحریم ها، قاچاق کالا به کشور، نوسانات ارزی و نرخ تسهیلات و سپرده ها و... با عنایت به موارد ذکر شده فوق، در می یابیم که صنعت کشور در شرایط چندان مساعدی قرار ندارد و چشم انداز آن نیز بسیار تیره و تار است. زیرا استقرار صنایع در نقاط مختلف کشور براساس مزیت های نسبی منطقه ای صورت نگرفته و رعایت نزدیکی به منابع تامین مواد اولیه، دسترسی کافی به آب و سوخت و انرژی مورد نیاز و بازار مصرف داخلی و خارجی در آن پیش بینی نشده است و در واقع براساس یک استراتژی مدون بر مبنای آمایش سرزمین احداث نگردیده اند. علاوه بر آن غالب واحدهای صنعتی موجود در کشور کهنه و فرسوده بوده و برای نوسازی و توسعه آنها و به روز رسانی تولیداتشان اقدامات موثری در سال های گذشته و سال ۹۶ صورت نگرفته است. صنایع کشور ما نیاز شدید به نو شدن و به روز شدن دارد تا با کیفیت مطلوب قادر به رقابت با تولیدات خارجی و وارداتی باشد. نوسازی صنایع و بهره گیری مطلوب از آن به عواملی چون سرمایه گذاری داخلی و خارجی و تامین سرمایه در گردش مناسب شدیداً وابسته است. سرمایه گذاری های داخلی و تامین نقدینگی به همکاری و همیاری بانک ها و موسسه مالی و اعتباری دولتی و خصوصی بستگی داشته و نیازمند به فضای کسب و کار مناسب همراه با امنیت عمومی می باشد. یعنی لازم است محیطی عاری از فساد، تبعیض، رانت، بهره بانکی مناسب و اطمینان کافی از حفظ سرمایه و تامین امنیت اقتصادی و اجتماعی سرمایه گذار فراهم شود و برای سرمایه گذاری های خارجی در کشور نیز علاوه بر موارد فوق لازم است روابط با کشورهای مختلف، روابطی حسنه و به دور از تنش باشد و برای سرمایه گذار نیز انجام سرمایه گذاری توجیه اقتصادی داشته و سودآور باشد. در این زمینه نیز دولت نقش اساسی را ایفا خواهد نمود و وجود نیروی انسانی متخصص و فعال با کارایی و راندمان بالا نیز می تواند بسیار تاثیر گذار باشد.

ضمن اینکه نقش تحریم ها و نوسانات ارزی و قاچاق کالا و سیاست های اعمالی توسط ادارات و سازمان ها و نهادهای ناظر را نباید نادیده گرفت.

حال با عنایت به موارد فوق باید عرض شود که متأسفانه اغلب صنایع ما در سال ۹۶ بسیار رنجور و بیمار بوده و همواره با نرخ بالایی تسهیلات و عدم امکان تامین نقدینگی و فشار همه جانبه ادارات ناظر به خصوص دارایی، تامین اجتماعی، محیط زیست، شهرداری ها، بانک ها و... برای پرداخت مطالبات آنها دست و پنجه نرم می کردند و بدین صورت علاوه بر اینکه نتوانسته اند به وضعیت نابسامان خود سروسامانی دهند بلکه ناچار به کاهش تولید، کاهش نیروی انسانی شاغل و عدم امکان فروش محصولات تولیدی خود مواجه شده و بدهی های قبلی آنها نیز افزایش یافته و مطالباتشان هم اغلب لاوصول مانده است. در چنین شرایطی ارتقاء کیفیت محصولات نیز محقق نشده و صادرات آنها نیز قابلیت رقابت با رقبای خارجی را پیدا نکرده اند. قاچاق کالا نیز بر تولید واحدهای صنعتی کشور تاثیر بسیار نامطلوب برجای گذاشته و اقدامات مقامات کشور متأسفانه نتوانسته است این فاجعه اسفبار را ریشه کن نماید. نوسانات ارزی و افزایش ناگهانی آن از یک سو موجب کاهش ارزش ریال شده و قدرت خرید مردم را به همراه خود کاهش داده است و از طرف دیگر قیمت تمام شده محصولات تولیدی را به دلیل تامین بخش مهمی از مواد اولیه و ماشین آلات و قطعات صنعتی از خارج، افزایش داده و سبب رقابت ناپذیری تولیدات داخلی با مشابه خارجی شده است. از آنجائیکه متأسفانه در نیمه دوم سال ۹۶ این نوسانات چشمگیر بوده لذا می توان آثار مخرب آن بر صنعت داخلی و کاهش تقاضا برای



فرامرز مرادی  
عضو هیات رئیسه انجمن مدیران صنایع خراسان

آنها را به خوبی رویت نمود که جا دارد بانک مرکزی تدابیر لازم برای این منظور اندیشیده و وضعیت را به گونه ای مدیریت نماید که نوسانات ارزی به صورت تدریجی و متناسب با تورم سالانه باشد ضمن اینکه موضوع رکود اقتصادی همواره می بایست مد نظر قرار گیرد.

اینک باید دید چنین شرایطی را چگونه می توان از وضع نامطلوب فعلی به وضع عادی یا مطلوب تبدیل نمود و در سال های آتی چه تصمیماتی باید اتخاذ کرد.

آنچه مسلم است هم بخش دولتی و هم بخش خصوصی می بایست در خود، خانه تکانی جدی بعمل آورند. لازم است دولت در سیاست های بانکی تجدید نظر نموده و به گونه ای عمل نماید که امکان تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی از منابع بانکی مقدور شود یعنی اولاً بدهی های دولت به بانک ها و بدهی بخش خصوصی به آنها هر چه زودتر مسترد شود و ثانیاً سرمایه بانک به تقویت گردد و بانک ها صرفاً به کار بانک داری بپردازند نه تجارت و... و نحوه وصول مطالبات از طریق تسطیص مناسب بدهی ها عملی شود و با کاهش بهره بانکی اخذ تسهیلات از بانک ها را امکان پذیر نماید دولت می بایست مقررات صادرات و واردات را در جهت تقویت صادرات و محدودیت در واردات بویژه کالاهای غیر ضروری تجدید نظر نموده و با جدیت بیشتر امر قاچاق کالا به کشور را متوقف و راه را برای رونق تولید داخلی هموار سازد. مدیریت نوسانات ارزی و جلوگیری از افزایش یا کاهش بی رویه ارز از دیگر مسئولیت های مهم دولت بویژه بانک مرکزی است که نتیجه آن می تواند امنیت اقتصادی برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی را فراهم نماید. لازم است دولت برای سرمایه گذاران خارجی و یا ایرانیان مقیم خارج مشوق های در خور توجه در نظر گیرد و ضمانت های کافی بر حفظ سرمایه و سوددهی آنها مد نظر قرار دهد. فراهم نمودن امکانات زیربنایی بویژه امکانات بندری بهتر، خطوط ریلی بیشتر، امکانات مخابراتی مناسب تر و قوانین و مقررات گمرکی سهل تر می تواند ما را به اهداف مورد نظر نزدیک تر نماید، اما وظایف بخش خصوصی در این زمینه نیز کم نخواهد بود.

در درجه نخست نوسازی و توسعه واحدهای کهنه و فرسوده و سپس افزایش کیفیت محصولات تولیدی جهت رقابت با رقبای خارجی و آنگاه با کاهش قیمت تمام شده از طریق افزایش حجم تولید با کیفیت و راندمان بالای نیروی انسانی و ماشین آلات صنعت موجب تشویق خریداران داخلی و خارجی را برای محصولات خود فراهم سازند. بخش خصوصی می بایست در خارج از کشور از رقابت با خودی ها جدا خودداری و در کنار هم برای صدور محصولات داخلی تلاش نمایند.

امید است شرایط به گونه ای رقم بخورد که هم دولت توان ایجاد دگرگونی های لازم در زمینه های مختلف اقتصادی را پیدا کند و هم بخش خصوصی بتواند با تلاش و چندان نشان دهد که توان مقابله با مشکلات را داشته و از تهدیدها فرصت های ذیقمتی را به ارمان خواهد آورد.



عبدالله یزدان بخش

عضو هیات رئیسه انجمن مدیران صنایع خراسان  
و قائم مقام و رییس هیات مدیره گروه صنعتی پارت لاستیک

## پایش صنعت در گذشته و چشم انداز صنعت در آینده

نمی توانست سرعت لازم را برای رسیدن به اهداف و رشد لازم اقتصادی به دست آورد.

واژه صنعت به معنی ساختن و آفریدن و آفرینش پویا، مداوم و همیشگی است. صنعت به عنوان یکی از حلقه های حیاتی اقتصاد، نقش بسزایی در توسعه و پیشرفت کشورها ایفا می کند؛ اهمی که می توان با برنامه ریزی دقیق و موثر برای آن از مزیت و فرصت های بی شماری که در اختیار قرار می دهد، بهره گرفت و گام های استواری برای تقویت بنیه های اقتصادی کشور برداشت. با توجه به وضعیت اقتصادی و صنعتی موجود در سال های جاری ایران با سهم پایین صنعت از اقتصاد در حدود ۱۲ درصد نسبت به کشورهای چین و کره جنوبی با سهم صنعت در حدود ۳۰ درصد، کشوری صنعتی محسوب نمیگردد.

علت عدم توسعه و رشد اقتصادی را میتوان به سرمایه گذاری کم خارجی و داخلی، عدم توجه به بخش تحقیق و توسعه، عدم رفع موانع و قوانین مخل توسعه های صنعتی، تحریم های مختلف، کمبود نقدینگی، عدم امنیت سرمایه گذاری، سود تسهیلات بالا، پایین بودن راندمان و بهرهوری اشاره کرد. مشکلات عنوان شده موارد مهمی است که امروز فاصله ما با کشورهای پیشرفته و حتی در حال توسعه را زیاد نموده و در عین حال با تمامی مشکلات موجود، در صنایع خودرو سازی، نساجی، ساختمان، راه و پل سازی و دیگر صنایع که وابستگی زیادی به دانش خارجی نداشته ایم، موفقیت های خوبی به دست آورده ایم.

ولی در صنایع همچون گردشگری و توریست بسیار صدمه خورده ایم. که این موضوع می توانست وابستگی ما را به نفت به حداقل برساند. رکود سرسام آور صنایع در سال های گذشته و رشد سرمایه گذاری اندک به دلیل تحریم ها، دو مورد مهمی دیگری که رشد اقتصادی کشور را با چالش مواجه کرده بود؛ به گونه ای که بخش صنعت و معدن برای رسیدن به رشد ۷ یا ۸ درصدی موفق نبود.

بیش از ۲۹۵ هزار واحد صنعتی و تولیدی در سطح کشور مشغول به کار هستند که تعداد واحدهای صنعتی و تولیدی استان بیش از ۱۷۷ هزار

واحد است و نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰ هزار کارگر در استان وجود دارد که ۴۹ حدوداً درصد در بخش توزیع، ۱۷ درصد در بخش تولیدی و ۳۴ درصد در بخش خدماتی مشغول به کار هستند. ۶ درصد واحدهای صنعتی کشور در استان خراسان رضوی واقع شده است و استان در این زمینه رتبه ۴ کشوری و ۷ درصد اشتغالزایی کشور متعلق به استان است که رتبه سوم کشوری و همچنین ۴ درصد سرمایه گذاری کشور مربوط به خراسان رضوی است که از این بابت نیز استان رتبه ۵ کشوری، را دارد. بر اساس آمار فوق که در شرایط خشکسالی بحرانی است اگر به این استان توجه خاص بشود می تواند برخی از مشکلات اشتغال و صنعت را جبران کند.

در سال های پایانی دولت یازدهم بالاخره صنعتی ها طعم رشد را چشیدند و بخش صنعت رشد شش درصدی را تجربه کرد، و با توجه به آمار های صنعتی و تولیدی در ایران و استان باید دید که چارچوب برنامه های چهار سال آینده بخش صنعت و معدن چه خواهد بود؟ تصمیم سازان و متولیان برای ایجاد حداقل ۴۵۰ هزار شغل تا پایان سال ۹۷ با توجه به اینکه سالانه به آمار کارجویان فارغ التحصیل هم اضافه می شود چه میخواهند انجام دهند؟ و چگونه پاسخگوی مطالبات خانواده های این بخش مهم و جویای کار خواهند بود؟ در سال جدید باید مدیران صنعت از نظر دانش مدیریتی، دانش و اطلاعات فنی، دانش حقوقی،

دانش قوانین مالیاتی و سرمایه گذاری، دانش فن آوری های نو و ریسک پذیری متناسب و... آگاه بوده و صنعت و کسب و کار خود را به سوی بهروری بیشتر، کیفیت بهتر و رقابت پذیری هدایت و رهبری کند. به هرصورت ایران است و سرزمین نیاکان و قدمت چشمگیر جهانی آن؛ ماییم و نیروهای متخصص، باهوش و توانمند، جویای کار و فعالیت که باید موانع تولید رفع و با زیرساخت ها، آینده و امید آنها را پاسخگو باشیم.

کارآفرینان می بایست رسالت خود را که ایجاد کار و فعالیت، امید برای جوانان و مخصوصاً فارغ التحصیلان و خانواده ایشان است را با درایت و عشق به خدمت دست به دست پیش ببرند.

### خویش را باور کن

هیچکس جز تو نخواهد آمد

هیچکس بر در این خانه نخواهد کوید

شعله ی روشن این خانه تو باید باشی

هیچکس چون تو نخواهد تابید

باز هم منتظری؟!

هیچکس بر در این خانه نخواهد کوید

و نمی گوید برخیز که صبح است،

بهار آمده است

صنعت و نیروهای متخصص و آنچه که سرمایه ملی است، نیاز به مدیریت، تلاش بی وقفه، صبوری و درایت دارد؛ که امیدوارم این سرمایه ها با آنچه آموخته ایم، با کارآفرینی هدفمند و اشتغال زایی در برنامه های پیشروی اقتصادی، کشور ما را از تاخیرات و عقب ماندگی های رشد و توسعه صنعتی نجات دهد و بستری صنعتی بدون وابستگی به نفت و امید پرور برای زندگی که شایسته مردم این مرز و بوم است به ارمغان آورد. در پایان ضمن افتخار به دلیل سال ها خدمتی که از دهه ۶۰ تا به حال داشته ام و خدمتی بی منت به توسعه، رشد، آموزش و کار آفرینی را دنبال نموده ام. باید بگویم ماییم و ایران عزیز و پهناور با قدمتی ۲۵۰۰ ساله که به یادگار، دست به دست تحویل گرفته ایم و باید به گونه ای شایسته تحویل دهیم.



## بخش جذاب صنعتی

**ایران با داشتن حدود ۸۰ میلیون جمعیت، وجود مرزهای خاکی با کشورهای ترکیه، جمهوری آذربایجان، ازمنستان، افغانستان، پاکستان، عراق و مرز آبی با کشورهای عمان، قطر، کویت، امارات، بحرین و عربستان و همچنین دسترسی به دریای آزاد از موقعیت ویژه‌ای در مرکز خاورمیانه برخوردار است. ایران قوی‌ترین قدرت منطقه است که نقش کلیدی در تامین امنیت تنگه هرمز - دومین تنگه بین‌المللی و شلوغ دنیا - بازی می‌کند. روزانه حدود ۱۶/۵ میلیون بشکه نفت از این تنگه عبور می‌کند که این میزان معادل حدود ۴۰ درصد از نفت حمل شده به وسیله کشتی‌های نفتکش دنیا و ۲۵ درصد کل عرضه جهانی نفت است.**

**در این مقاله سعی در معرفی اختصاری ۱۰ جاذبه سرمایه‌گذاری ایران را داریم:**

### ۱ - نفت

با توجه به انعقاد توافق‌نامه هسته‌ای بین ایران و اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ در تاریخ ۱۴ جولای ۲۰۱۵ و عمل کردن ایران به تعهدات خویش و همچنین رسیدن میزان تولید نفت خام به حدود روزانه ۳/۸ میلیون بشکه، ایران توانسته ۸۰ درصد سهم خود را از بازار که در دوران تحریم از دست داده بود، پس بگیرد. برنامه‌ریزی برای جذب بیش از ۶۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی برای پروژه‌های اولویت‌دار و بازیابی موقعیت ایران به‌عنوان دومین تولیدکننده نفت عضو اوپک بعد از عربستان، صنعت نفت را به یکی از پرجاذبه‌ترین موضوعات سرمایه‌گذاری در کشور تبدیل کرده است. علاوه بر منطقه اقتصادی پارس جنوبی، دریای خزر از پتانسیل‌های بالایی برای سرمایه‌گذاری برخوردار است و طبق برآورد اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده آمریکا، ذخایر نفتی دریای خزر حدود ۲۰ تا ۴۰ میلیارد بشکه است. سرمایه‌گذاری در این زمینه از اولویت‌ها و مورد حمایت وزارت نفت است. ایران قصد دارد تولید نفت خام خود را تا سال ۲۰۲۱ به روزانه ۵/۷ میلیون بشکه برساند که از این میزان ۲۵ درصد به خریدارهای اروپایی تعلق می‌گیرد. تحقق این هدف نیازمند حدوداً ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است که طبق برنامه وزارت نفت ۷۰ درصد آن باید از سرمایه‌گذاری خارجی تامین شود.

### ۲ - گاز

ذخایر گاز ایران یکی از بهترین و سودآورترین فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاری است. یکی از نمونه‌های سرمایه‌گذاری در این حوزه، مربوط به قرارداد ۵ میلیارد دلاری بین ایران و شرکت توتال در توسعه میدان گازی پارس جنوبی است. مساحت این میدان ۹۷۰۰ کیلومتر مربع و ذخیره گاز آن ۱۴ تریلیون متر مکعب به همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعان گازی است که این میزان، ۸ درصد کل گاز دنیا است. سود شرکت توتال از سرمایه‌گذاری در فاز جنوبی از قرارداد پارس جنوبی ۱۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود. حوزه دریای خزر نیز بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری در این زمینه است. چرا که طبق اعلام اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده آمریکا حجم ذخایر گازی دریای خزر حدود ۳۰ تریلیون فوت مکعب است. وزیر نفت از سرمایه‌گذاران خارجی جهت مشارکت در حوزه اکتشافات نفت و گاز در دریای خزر نیز دعوت کرده است.

### ۳ - پتروشیمی

سهم ایران در تولید محصولات پتروشیمی در دنیا ۲/۵۴ درصد و در خاورمیانه ۲۳/۶۴ درصد است که این نشان‌دهنده آمادگی بالا برای فاینانس پروژه‌های پتروشیمی است. ظرفیت اسمی این صنعت با ۵۰ سال قدمت ۶۰ میلیون تن در سال است. در حال حاضر ۷۰ طرح در زمینه پتروشیمی با قابلیت جذب سرمایه‌گذاری بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار وجود دارد و حدود ۵ هزار



مهندس احمد ایمان دوست عضو ارشد اتاق بازرگانی، صنایع و معادن لندن

میلیارد ریال معادل ۱۳۱ میلیون دلار پروژه آماده واگذاری به سرمایه‌گذاران است.

### ۴ - انرژی بادی

از آنجا که در سال ۲۰۱۵ انرژی تولید شده توسط باد حدود ۵/۵ درصد کل انرژی‌های الکتریکی جهان بوده است، بنابراین احداث نیروگاه‌های بادی - بادی فرصت مناسبی برای سرمایه‌گذاران خارجی محسوب می‌شود. حدود ۸۰ کشور دنیا به دنبال افزایش ظرفیت خود در زمینه توسعه توربین‌های بادی یا تکنولوژی‌های تجدیدپذیر هستند. ایران نیز با داشتن مناطق بادخیز و بستر مناسب، تمایل زیادی برای بهره‌برداری از توربین‌های بادی دارد. طبق اطلس بادی تهیه شده از ۶۰ ایستگاه در مناطق مختلف کشور ظرفیت سایت‌های بادی حدود ۶۰ هزار مگاوات و میزان انرژی قابل استحصال کشور از نظر اقتصادی بالغ بر ۱۸ هزار مگاوات تخمین زده می‌شود. با توجه به هزینه حدوداً ۴ میلیون دلاری برای احداث نیروگاه ۲ مگاواتی و همچنین اقدام دولت به خرید تضمینی برق نیروگاه‌های بادی به مدت ۲۰ سال، در مجموع حداقل برای هر کیلووات انرژی ۲ دلار سرمایه‌مورد نیاز است. همچنین بازگشت سرمایه طی ۵ تا ۷ سال اتفاق خواهد افتاد. اخیراً مقامات ایران و بریتانیا قرارداد ساخت یک نیروگاه بزرگ خورشیدی به ظرفیت ۶۰۰ مگاوات را نهایی کرده‌اند. میزان سرمایه‌گذاری خارجی روی این پروژه ۶۰۰ میلیون یورو است و در اوایل سال ۲۰۱۸ به بهره‌برداری خواهد رسید.

### ۵ - انرژی خورشیدی

ایران با دارا بودن بیش از ۳۰۰ روز آفتابی و متوسط تابش ۲۸۰۰ ساعت در سال، یکی از بهترین کشورهای جهان برای تولید و استفاده از انرژی خورشیدی به حساب می‌آید. امروزه کشور قادر به تولید ۲۱۰ مگاوات پنل خورشیدی است و در سال جاری ۳/۶ میلیارد دلار تقاضای سرمایه‌گذاری خارجی در این خصوص وجود داشته است. از جمله کشورهایی که تاکنون در

این زمینه در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند می‌توان به آلمان، یونان و سوئیس اشاره کرد. همچنین جدیدترین نیروگاه ۲۷ میلیون دلاری با ظرفیت ۲۰ مگاوات امسال در ایران با مشارکت یک شرکت سوئیس افتتاح شده است. بر اساس معاهده پاریس تا پایان سال ۲۰۳۰ ایران موظف به تولید حدود ۷۵۰۰ مگاوات برق با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر شده است. تا کنون نزدیک به ۳۰۰ مگاوات از انواع نیروگاه‌های تجدیدپذیر بادی و خورشیدی در کشور اجرا و سالانه بیش از ۳۰۰ میلیون کیلووات ساعت برق از اینگونه نیروگاه‌ها تولید و به شبکه کشور توزیع می‌شود. وزارت نیرو نیز به‌صورت ۲۰ ساله خرید برق تولیدشده از نیروگاه‌های بادی و خورشیدی را تضمین خواهد کرد.

### ۶ - توسعه فرودگاه‌ها و تجهیزات صنعت هوایمی

ایران با وجود داشتن ۵۴ فرودگاه مسافری آماده خدمات، شامل ۲۰ فرودگاه داخلی، ۲۵ فرودگاه مرز هوایی و ۹ فرودگاه بین‌المللی با حدود ۱۶ میلیون متر مربع فضای ترمینالی، باند و سطوح پروازی، همچنان پارکینگ لازم برای توقف ۵۰۰ هواپیما را در اختیار ندارد و این نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی و همکاری فاینانس است. در حال حاضر شرکت ایران ایر قرارداد خرید ۱۰۰ فروند هواپیمای ایرباس را به قیمت حدود ۱۰ میلیارد دلار امضا کرده است. همچنین قرارداد خرید ۲۰ فروند هواپیمای ATR ۷۲ نفره را با شرکت ATR از زیر مجموعه ایرباس منعقد کرده است. به دنبال سفری که معاون مدیر عامل بوئینگ به ایران داشته، پس از ۴۸ سال، قرارداد خرید ۸۰ فروند بوئینگ به ارزش ۸۰ میلیارد دلار منعقد شد. همچنین ۱۵ فروند بوئینگ ۷۷۷ی آر ۳۰۰، با ۳۵۰ صندلی و ۱۵ فروند هواپیمای پهن بیکر ۷۷۷ با بیش از ۳۵۰ صندلی خریداری شده تا میزان ظرفیت به ۱۱ هزار و ۱۰۰ صندلی افزایش پیدا کند. برای تمامی این هواپیماها تجهیزات کمکی روی باند و داخل آشپانه نیز مورد نیاز است.

### ۷ - صنعت حمل و نقل ریلی

ایران از ۱۵۰۰ سال گذشته تا کنون از لحاظ ژئوپلیتیک دارای موقعیت ویژه‌ای بوده است. در جهان کریدورهایی تعریف شده که ایران کریدور شرق به غرب و شمال به جنوب است. چین را به اروپا و هند را به شمال وصل می‌کند. از آنجا که دولت ایران مایل به افزایش ظرفیت حمل مسافر با ناوگان ریلی از ۲۵ میلیون به ۴۵ میلیون مسافر است، سرمایه‌گذاری در این بخش ضروری به نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال حجم قرارداد عملیات برقی شدن پروژه راه‌آهن تهران - مشهد (با مسافت حدود ۹۰۰ کیلومتر) معادل ۱/۷ میلیارد دلار است.

### ۸ - توسعه بخش معدن

ایران به دلیل فراوانی انرژی، نرخ پایین بهره مالکانه، هزینه پایین دستمزد دسترسی به آب‌های بین‌المللی و خطوط راه آهن و تعرفه مناسب سیستم حمل و نقل یکی از کم‌هزینه‌ترین کشورها برای تولیدات معدن و صنایع

معدنی است. اجرای برنامه وسیع توسعه بخش معدنی و صنایع معدنی از جمله مس، روی، فولاد، آلومینیوم، اکتشاف و امور زیربنایی نیاز به سرمایه ۴۰ میلیارد دلاری دارد. هم‌اکنون طرح جامعی برای افزایش فعالیت‌های اکتشافی در محدوده ۲۵۰ هزار کیلومتر مربع تنظیم و ۵۰ درصد آن محقق شده است. همچنین برای تولیدات محصولات معدنی مانند تیتانیوم، کک نفتی، زغال‌سنگ و محصولات راهبردی همچون عناصر نادر خاکی نیز برنامه‌های توسعه‌ای در دست است. به‌صورت جزئی‌تر برنامه‌هایی برای ظرفیت‌سازی آلومینیوم و مس تا سال ۲۰۲۵ وجود دارد و قرار است تا پایان این سال تولید مس به ۴۵۰ هزار تن و آلومینیوم به ۱/۵ میلیون تن برسد که نیل به این هدف نیازمند ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. نکته قابل توجه این است که تمام مراحل سرمایه‌گذاری خارجی تحت حمایت دولت مبنی بر تضمین اصل سرمایه و همچنین خارج کردن اصل سرمایه و سود آن از کشور است.

### ۹ - مدیریت پسماند

با توجه به اینکه در سال ۲۰۱۷ بسیاری از کشورها برای تولید برق اقدام به واردات زباله کرده‌اند بنابراین حوزه مدیریت پسماند ظرفیت قابل توجهی برای سرمایه‌گذاری دارد. اولین دستگاه زباله‌سوز در سال ۱۸۷۴ در کشور انگلستان توسط دو شرکت MANLOVE و ALLIOTT تولید شده است. در ایران روزانه حداقل ۵۰ هزار تن زباله تولید می‌شود که ۸ هزار تن از این میزان مربوط به شهر تهران است. تنها ۷ درصد از زباله‌های تولید شده تفکیک می‌شود. تاکنون تنها برای ۵۰۰ تن، معادل ۶/۲۵ درصد از این حجم زباله به منظور تولید برق، کارخانه تاسیس شده است.

### ۱۰ - سرمایه‌گذاری در بخش درمان

ژاپن به ازای هر هزار نفر حداقل ۱۳/۴ تخت بیمارستانی دارد. این میزان در کره جنوبی حدوداً ۹/۵۶ و در آلمان حدوداً ۸/۲۷ است. هم‌اکنون ۹۵ هزار تخت بیمارستانی در کشور داریم که با احتساب این میزان به ازای هر هزار نفر ۱/۷ تخت موجود است. براساس برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور در صورتی که بخواهیم این میزان را به ۲/۶ تخت به ازای هر هزار نفر برسانیم به حدود بیش از ۱۰۰ هزار تخت بیمارستانی نیازمندیم. در حال حاضر برای ساخت ۲۴ بیمارستان با کشورهای هم‌چون کره جنوبی، ژاپن و ایتالیا مذاکره شده است. با توجه به بودجه‌های جاری بخش درمان در کشور، سالانه فقط امکان ایجاد ۱۶۰۰ تخت بیمارستانی در کشور موجود است. بنابراین سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش ضروری به نظر می‌رسد. همچنین تعرفه‌های بیمارستان‌های خصوصی در ایران حداقل ۴ برابر تعرفه‌های بیمارستان‌های دولتی است. برای ایجاد هر تخت بیمارستانی در ایران فقط حدود ۱۰۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری لازم است.







## مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران بررسی کرد اقتصاد زیرزمینی با اقتصاد رسمی چه می‌کند؟

در این گزارش تلاش شده است تا ضمن جمع‌آوری تعاریف متنوع و گسترده موجود از مبحث اقتصاد زیرزمینی، تصویر جامعی از این مفهوم برای خواننده ارائه شود.

### «اقتصاد زیرزمینی چیست؟»

اقتصاد زیرزمینی به تمام فعالیت‌هایی گفته می‌شود که به عللی در حساب‌های ملی ثبت نمی‌شوند. تنوع بالای این فعالیت‌ها، ارائه یک تعریف جامع برای اقتصاد زیرزمینی را دشوار ساخته است. به کارگیری واژه‌های بسیار متنوع مانند اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد سایه، اقتصاد موازی، اقتصاد غیررسمی و اقتصاد ثبت نشده با تعاریف یکسان یا دارای هم‌پوشانی زیاد، از جمله نشانه‌های این نابسامانی است.

بانک جهانی، اقتصاد زیرزمینی را شامل تمامی فعالیت‌های تولیدی (کالا و خدمات) تعریف می‌کند که ممکن است هم از جنبه اقتصادی مولد بوده و هم کاملاً قانونی باشند، اما به دلایلی مانند فرار از مالیات، اجتناب از مواجهه با استانداردهای خاص بازار کار (مانند حداقل دستمزد یا استانداردهای ایمنی) و یا اجتناب از درگیر شدن با بوروکراسی اداری، عمداً از مقامات عمومی پنهان می‌شوند.

فعالیت‌های زیرزمینی به ۴ گروه دسته‌بندی می‌شود:

۱- **اقتصاد غیرقانونی:** شامل درآمدهای ناشی از فعالیت‌های ناقض قوانین مرتبط با برخی از احکام حقوق تجارت؛ مانند تجارت مواد مخدر و یا پول شویی.

۲- **اقتصاد گزارش نشده:** شامل آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که طبق قانون می‌بایست به سازمان امور مالیاتی گزارش شود و نشده

است؛ مانند فرارهای مالیاتی.

۳- **اقتصاد ثبت نشده:** شامل آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که ضوابط و مقررات مرتبط با ارائه گزارش به مراکز آمار دولتی را رعایت نمی‌کنند. اقتصاد ثبت نشده معادل همان درآمد ثبت نشده است؛ یعنی درآمدی که می‌بایست در نظام‌های حسابداری ملی ثبت شود، اما معمولاً این اتفاق نمی‌افتد؛ مانند فعالیت‌های تولیدی خانوار.

۴- **اقتصاد غیررسمی:** شامل آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که از صرف برخی هزینه‌ها طفره می‌روند و در نتیجه خود را از منافع و حقوق مندرج در قوانین و قواعد رسمی محروم می‌سازند. مانند فعالیت‌های غیررسمی در صنایع غذایی.

### «دیدگاه‌های رایج درباره اقتصاد زیرزمینی»

درباره اقتصاد زیرزمینی دو دیدگاه رایج وجود دارد که یکی معتقد به نقش عواملی از قبیل بار مالیاتی و تأمین اجتماعی به عنوان عوامل اصلی ایجاد اقتصاد زیرزمینی است و دیگری بر نقش عوامل نهادی تأکید داشته و اقتصاد زیرزمینی را در بستر نقصان‌های نهادی بررسی می‌کند.

در دیدگاه اول تصریح می‌شود که عوامل اقتصادی، به منظور فرار از بار مالیاتی و پرداخت‌های مربوط به تأمین اجتماعی (به عنوان نوعی مالیات مستقیم)، از اقتصاد رسمی خارج می‌شوند. لذا هر چه بار مالیاتی بیشتر باشد (نرخ‌های مالیاتی بالاتر و سیستم مالیاتی پیچیده‌تر باشد)، سهم اقتصاد زیرزمینی افزایش می‌یابد؛ چرا که نگاه‌ها به منظور فرار از پرداخت مالیات و افزایش سودآوری، ترجیح می‌دهند که در بخش غیررسمی فعالیت کنند.

البته به این نگاه انتقاداتی هم وارد شده است. برای مثال در صورتی که افزایش درآمد مالیاتی به دلیل افزایش کارایی و بازدهی سیستم مالیاتی باشد، حجم اقتصاد زیرزمینی می‌تواند کاهش هم داشته باشد.

دیدگاه دوم اما تصویری جامع‌تر و کامل‌تر از عوامل ایجاد اقتصاد زیرزمینی ارائه می‌دهد. از نقطه‌نظر این دیدگاه، وجود نقصان‌های نهادی نظیر ناامنی حقوق مالکیت، فساد، قوانین و مقررات پیچیده، غیرشفاف و ناکارآمد، عدم حاکمیت قانون و مواردی از این دست، باعث بالارفتن هزینه‌های مبادله می‌شوند و این علامت را به فعالان اقتصادی می‌دهند که فعالیت‌های شفاف در چنین چارچوب نهادی ناکارآمدی، پر هزینه خواهد بود. هزینه‌های مبادله نامتعارف، از مصادیق بارز ناکارآمدی چارچوب نهادی است که مشارکت‌های رسمی اقتصادی و سیاسی را محدود می‌کند.

عوامل نهادی اثرگذار بر افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی

عوامل نهادی مختلفی که بر ایجاد و گسترش اقتصاد زیرزمینی اثرگذار هستند عبارتند از:

### «فساد»

فساد از جمله نقصان‌های نهادی است که توسط بسیاری از متفکرین از اصلی‌ترین دلایل وجود اقتصاد زیرزمینی معرفی شده است. در یک دولت ناکارآمد که درگیر فساد گسترده است، اعتماد شهروندان به حاکمیت به شدت کاهش می‌یابد و بنابراین اشتیاق افراد برای همکاری در فعالیت‌های رسمی کم می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهند که افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی دولت، فضا را برای فساد مالی و اداری و ارتشاء محدود می‌کند.

### «حقوق مالکیت»

زمانی که فعالان اقتصادی از امنیت حقوق مالکیت خود به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادها، اطمینان نداشته باشند و تعرض به حقوق مالکیت فکری و معنوی یک تهدید جدی برای آنها محسوب شود، انگیزه‌های برای فعالیت‌های شفاف و رسمی ایجاد نمی‌شود. بر خلاف کشورهایی که سیستم‌های حقوق مالکیت در آنها پیشرفته و امن است و سرمایه در فعالیت‌های بهره‌ور و تولیدی به کار گرفته می‌شود، در کشورهای فقیر، به سختی می‌توان حقوق مالکیت شفاف را برقرار نمود و از مزایای آن بهره‌مند شد. ایجاد نهادهای برقرار کننده و محافظت کننده از حقوق مالکیت، کلید بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه در بخش رسمی اقتصاد است. اهمیت این نهادها در کشورهای در حال توسعه به مراتب بیشتر است؛ چرا که بخش غیررسمی در این کشورها حجم بیشتری دارد و لذا پتانسیل رشد بالقوه در آنها بیشتر است.

### «بار مقرراتی»

بار سنگین قوانین و مقررات، عدم شفافیت و پیچیدگی نامتعارف ساختار قانونی، آزادی افراد و دامنه فعالیت نگاه‌ها را محدود می‌کند و بر عملکرد بازار اثر منفی می‌گذارد. قوانین ناکارآمد دشواری‌هایی را برای توزیع مجدد منابع، انباشت سرمایه، رقابت و نوآوری در اقتصاد رسمی ایجاد می‌کنند.

همچنین نظارت ناکافی بر اجرای قانون و عدم ترغیب صحیح افراد به رعایت آن، گرایش به فعالیت در فضایی خارج از سیستم قانونی و حرکت به سمت اقتصاد زیرزمینی را تقویت می‌کند. اگر چه یک سطح مشخص از قوانین برای کاهش نااطمینانی و تضمین حقوق مالکیت لازم است، اما قوانین بیش از حد، هزینه‌ها و موانع سرمایه‌گذاری، استخدام و یا عملکرد مناسب در اقتصاد رسمی را افزایش می‌دهد. کشورهایی که ساختار نهادی با کیفیت‌تری دارند، سعی در ایجاد یک محیط قانونی هوشمندانه‌تر برای بهبود شرایط کسب و کارها دارند، نه این که تنها به چند گروه محدود منفعت برسانند. این کشورها مقررات را به صورت حداقل، شفاف و منصفانه تنظیم

می‌کنند که به کاهش اقتصاد زیرزمینی می‌انجامد.

### «کیفیت خدمات بخش عمومی»

دولت‌ها نقش پررنگی را در جامعه بازی می‌کنند؛ نظیر تنظیم قوانین و مقررات، ایجاد امنیت، تأمین خدمات عمومی، ایجاد زیرساخت‌ها و مواردی از این دست. از اینرو این امکان وجود دارد که رفاه عمومی در نتیجه صلاحیت‌های دولتی افزایش و یا کاهش یابد. اما تأمین بهتر کالاهای عمومی توسط دولت مشخصاً منجر به افزایش حجم اقتصاد رسمی می‌شود.

رابطه بین اقتصاد زیرزمینی و کیفیت خدمات بخش عمومی، یک رابطه دو طرفه است. به این مفهوم که رشد اقتصاد زیرزمینی نیز می‌تواند منجر به کاهش درآمد دولت، در نتیجه کاهش کیفیت کالاهای عمومی و کاهش کارایی مدیریت عمومی شود. بنابراین انگیزه افراد و بنگاه‌ها برای انتقال به اقتصاد زیرزمینی بیشتر افزایش می‌یابد و مجدداً، کاهش درآمد مالیاتی دولت، افت کیفی و کمی خدمات عمومی را به همراه خواهد داشت.

### «پاسخ‌گویی دولت و حق مشارکت مردم»

اگر شهروندان بدانند که ترجیحات آنان توسط نهادهای سیاسی به خوبی نمایندگی شده و خدمات دولتی به طور مناسبی به آن‌ها ارائه می‌شود، اعتماد آن‌ها به دولت و نیز تمایل ایشان برای مشارکت در اقتصاد رسمی افزایش می‌یابد. همچنین قوانینی هم که از طریق مشارکت بالای شهروندان تصویب می‌گردد، بیشتر تبعیت می‌شود و تمایل برای اجرای آنها بیشتر است. مشارکت مردم در اقتصاد رسمی، به جلوگیری از سوء استفاده برخی از سیاستمداران از قدرت، کمک کرده و به شهروندان فرصت می‌دهد که خواسته‌های خود را اعلام نمایند.

### «دموکراسی»

در یک سیستم فدرال، رقابت میان حوزه‌های قدرت و نیز پویایی افراد به مثابه مانعی برای سیاستمداران عمل می‌کند؛ چرا که در چنین سیستمی، انتخاب‌ها به سمتی خواهند رفت که سیاست‌های اتخاذ شده به ترجیحات اکثریت رای دهندگان نزدیک‌تر باشد. یکی از دغدغه‌های اصلی نهادهای دموکراتیک ایجاد یک اجماع عمومی در بین مالیات‌دهندگان و تأمین خواسته‌های آنان است. یک سیستم دموکرات کارآمد، علاقه‌مند به فراهم کردن آن چیزی است که مردم می‌خواهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد هر چه یک کشور عناصر دموکراتیک مستقیم بیشتری داشته باشد، اعتماد افراد و بنگاه‌ها به نهادهای رسمی بیشتر بوده و حجم اقتصاد زیرزمینی در آن کشور کوچک‌تر است.

تأثیر اقتصاد زیرزمینی بر اقتصاد رسمی چگونه است؟

تأثیر اقتصاد زیرزمینی بر سیاست عمومی، چندوجهی و به صورت بالقوه بسیار مهم است. کانال‌های اثرگذاری این پدیده بر اقتصاد رسمی که در نهایت سبب کاهش رفاه کل جامعه می‌شود، عبارتند از:

### «فرار مالیاتی»

اقتصاد زیرزمینی سبب کاهش درآمدهای دولت و در نتیجه کاهش کیفیت و کمیت خدمات عمومی ارائه شده توسط دولت و افزایش فشار مالیاتی بر مالیات‌دهندگان به منظور جبران درآمدهای از دست رفته می‌شود. نرخ بالاتر مالیات، خود سبب گرایش بیشتر به سمت بازار غیرقانونی و ایجاد یک تسلسل باطل می‌شود.

### «اخلال در رقابت»

از آن‌جا که فعالان اقتصاد زیرزمینی متحمل برخی از هزینه‌ها نمی‌شوند و به دنبال دور زدن برخی از موانع هستند، بطور مثال فرار مالیاتی دارند و از رعایت برخی مقررات مانند مقررات بازار کار، بهداشت، بیمه و

استانداردهای محیط کار سرباز می‌زنند؛ لذا در برابر تولیدکنندگان اقتصاد رسمی، در زمینی هم‌سطح به رقابت نمی‌پردازند. به عبارت دیگر، فعالان بازار غیررسمی به دلایل مذکور سبب ایجاد اختلال در رقابت در سطح بازار می‌شوند.

### « خنثی نمودن اثر سیاست‌های دولت

فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی معمولاً نامنظم، پراکنده و غیرقانونی است و به همین دلیل در گزارش حساب‌های ملی محاسبه نمی‌شود. این عدم جامعیت حساب‌های ملی موجب سیاست‌گذاری بر پایه اطلاعات غلط می‌شود. اثر سوء این موضوع را می‌توان در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی در قالب بودجه سالانه و برنامه‌های بلندمدت اقتصادی دید.

### « کاهش بهره‌وری

کسب و کارهای زیرزمینی به دلیل گریز از حیطه نظارت دولتی اغلب پنهانی و کوچک‌مقیاس هستند. در نتیجه تعداد زیادی از این کسب و کارها از صرفه‌های ناشی از مقیاس بهره‌مند نمی‌شوند. علاوه بر آن ممکن است سرمایه‌گذاری کمتر و حضور نیروی کار بی‌کیفیت در چنین بنگاه‌هایی، پتانسیل استفاده از فناوری‌های نوین به عنوان یکی از عوامل افزایش بهره‌وری را در آنها کاهش دهد. همچنین فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی به دلیل ماهیت غیررسمی خود، از برخی حمایت‌های قانونی و تسهیلات اعتباری بی‌بهره می‌شوند. نتیجه آنکه فضای حاکم بر کسب و کار این بنگاه‌ها الزاماً مساعد نیست و در نتیجه بهره‌وری را متأثر می‌سازد.

### « نهادینه شدن توسعه‌نیافتگی

حجم بالای فعالیت‌های غیررسمی اقتصادی، یکی از ویژگی‌های کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه است. نبود ساختارهای نهادی کارآمد و رسمی در این کشورها موجب بالا رفتن هزینه‌های مبادله و در نتیجه تشویق صاحبان کسب و کار به دور زدن قوانین و ساختارهای نهادی رسمی و حرکت به سمت بازار غیررسمی می‌شود. قانون‌گریزی موجود در فعالیت‌های غیررسمی منجر به اختلال جدی در نظم قانونی می‌شود و نبود حاکمیت قانون منجر به عدم حفاظت از حقوق مالکیت می‌شود. چنین ساختاری فعالان اقتصادی را به سمت مبادلات شخصی که مشخصه کشورهای توسعه نیافته است سوق داده و در نتیجه سبب استمرار توسعه نیافتگی می‌شود.

### « بررسی اقتصاد زیرزمینی در ایران

وجود تفاوت میان آمارهای درآمد و هزینه خانوارها، میزان و ارزش پرونده‌های قاچاق کالا، عمیق‌تر شدن فاصله طبقاتی، ناکارآمدی سیاست‌های دولت و عواملی از این دست در اقتصاد ایران، نشان‌دهنده وقوع بخشی از فعالیت‌های اقتصادی در بخش زیرزمینی است. اغلب بررسی‌های انجام شده در ایران به اثرات منفی اقتصاد زیرزمینی و نیز افزایشی بودن حجم آن صحنه می‌گذارند. در مورد حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران تا کنون مطالعات متعددی صورت گرفته است. در مطالعات بین‌المللی حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران برای سال ۲۰۰۷ معادل ۱۷.۳ درصد و برای سال ۲۰۰۹ معادل ۱۶.۹۵ درصد از تولید ناخالص داخلی تخمین زده شده است. مطالعات داخلی نیز طی چند دهه اخیر به برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی پرداخته‌اند. بر اساس اولین مطالعه تجربی صورت گرفته، اندازه اقتصاد زیرزمینی در سال ۱۳۶۵ حدود ۸ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است. پس از آن مطالعه دیگری نشان داد که طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۷، بر اساس سری‌های زمانی مختلف، حجم اقتصاد زیرزمینی بین ۱۸ تا ۳۶ درصد اقتصاد رسمی در نوسان بوده است. دوره ۱۳۴۷-۷۷ نیز در بررسی دیگری مد نظر قرار گرفته و نتیجه‌گیری شده که نسبت اقتصاد زیرزمینی به تولید ناخالص داخلی از حدود ۸ درصد در سال ۱۳۴۷ به بیش از ۲۲ درصد در سال ۱۳۷۷ بالغ شده است. همچنین در تحقیق دیگری که برای دوره ۱۳۵۰-۸۰ صورت گرفته، حجم اقتصاد زیرزمینی از حدود ۱۰ درصد در ابتدای دوره، به ۲۲ درصد در سال ۱۳۸۰ بالغ شده است. طولانی‌ترین دوره بررسی شده جهت اندازه‌گیری حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران، یک دوره ۴۰ ساله از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۲ را در بر می‌گیرد. طبق این بررسی، حجم اقتصاد زیرزمینی از ۷ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۳ به ۳۸.۵ درصد در سال ۱۳۹۲ بالغ شده است. پیش‌بینی‌ها نیز حاکی از ادامه روند افزایشی در دوره برنامه ششم (۱۳۹۵-۹۹) است.

اما علت اصلی ایجاد اقتصاد زیرزمینی با توجه به شرایط خاص حاکم بر اقتصاد ایران چیست؟ نگاهی به وضعیت نهادی در کشور گویای آن است که چارچوب نهادی موجود از کارآمدی لازم برای فعالان اقتصادی برخوردار نیست و یکی از دلایل گسترده شدن اقتصاد زیرزمینی به نابسامانی نهادی در کشور برمی‌گردد. بررسی وضعیت ایران در گزارش‌های بین‌المللی که محیط نهادی کشورها را پایش می‌کنند، نشان‌دهنده نیاز جدی کشور به بازنگری و اصلاح زیرساخت‌های نهادی است. یکی از این گزارش‌ها، گزارش سالیانه رقابت‌پذیری است که هر ساله توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود و با بررسی رکن نهادها (به عنوان یکی از ارکان شاخص رقابت‌پذیری) - در بررسی وضعیت نهادی کشورها می‌پردازد. بر اساس آخرین گزارش رقابت‌پذیری در سال ۲۰۱۷-۱۸، وضعیت نهادی ایران در رکن نهادها، نابسامان ارزیابی شده است.

جدول (۱): بررسی وضعیت نهادی کشور بر اساس گزارش رقابت‌پذیری ۲۰۱۷-۱۸

شاخص‌های مربوط به رکن نهادها	نمره از 7 تا 1	رتبه در بین کشور
حقوق مالکیت	3.8	137
حمایت از حقوق مالکیت فکری	3.5	107
انحراف در منابع عمومی	3.5	68
اعتماد عمومی به سیاستمداران	3.4	49
پرداخت‌های غیرمستعارف و رشوه	3.6	83
استقلال قوه قضائیه	3.6	81
هدررفت منابع توسط دولت	3.7	45
نقش روابط در تصمیم‌گیری‌های مقامات دولتی	3.6	46
کارایی چارچوب حقوقی در حل و فصل دعاوی	3.5	76
شفافیت در سیاست‌های دولت	3.5	105

Source: The Global Competitiveness Report ۲۰۱۷-۱۸

شاخص ادراک فساد (CPI) که درجه فساد موجود در میان مقامات اداری و سیاستمداران را نشان می‌دهد و توسط سازمان شفافیت بین‌الملل برای کشورها محاسبه می‌شود نیز همواره نمره ایران را نامناسب ارزیابی کرده است. در سال ۲۰۱۶ نمره ایران از ۱۰۰ (بهترین وضعیت)، ۲۹ بوده و از بین ۱۷۶ کشور، رتبه ۱۳۱ را کسب نموده است.

شاخص حقوق مالکیت بین‌المللی هم که توسط اتحادیه حقوق مالکیت تهیه می‌شود و با تمرکز بر محیط حقوقی و سیاسی، حقوق مالکیت فیزیکی و حقوق مالکیت فکری، میزان حمایت کشورها را از حقوق مالکیت بررسی می‌کند، وضعیت ایران را در حمایت از حقوق مالکیت رضایت‌بخش اعلام نمی‌کند. در سال ۲۰۱۷ نمره ایران ۴.۵ از ۱۰ (بهترین وضعیت) بوده است که حاکی از ضعف کشور در این حوزه است.

شاخص‌های حکمرانی بانک جهانی در سال ۲۰۱۷، با تمرکز بر عواملی نظیر حق اظهار نظر (شهروندان) و پاسخگویی (دولت)، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، اثرگذاری دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، وضعیت نامساعد کشور را در این زمینه‌ها نشان می‌دهد. مروری بر

شاخص‌های فوق از اولین سال محاسبه تاکنون، همواره نشان از وضعیت نامناسب کشور داشته است که متعاقباً اثرات خود را بر محیط اقتصادی و فعالیت در بخش رسمی و غیر رسمی نیز نشان می‌دهد.

شاخص انجام کسب‌وکار بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ نیز وضعیت محیط کسب‌وکار کشور را که بستری برای انجام فعالیت‌های اقتصادی رسمی به شمار می‌رود، مناسب ارزیابی نمی‌کند. ایران با نمره ۵۶.۴۸ از ۱۰۰ (بهترین وضعیت)، در جایگاه ۱۲۴ ام در بین ۱۹۰ کشور قرار دارد. علاوه بر نقش نقصان‌های نهادی ذکر شده در اقتصاد زیرزمینی در ایران، عوامل دیگری از جمله بار مالیاتی، بیکاری و تحریم‌های اقتصادی نیز بر گسترش این پدیده نقش دارند.

ضعف‌های نهادی از قبیل فساد فراگیر، عدم امنیت حقوق مالکیت، بار مقرراتی بالا، کیفیت نامناسب خدمات بخش عمومی و عدم پاسخ‌گویی دولت و ناکارآمدی سیستم مالیاتی، سبب تشدید عواقب وجود اقتصاد زیرزمینی در کشور می‌مانند ایران خواهد شد. لذا شناسایی، بررسی و اصلاح نهادهای حاکم بر کشور، باید در دستور کار دولت قرار گیرد.



## انقلاب صنعتی چهارم برای هند به چه معناست؟

برای هند، انقلاب صنعتی چهارم، فرصت فوق العاده ای برای مراحل مختلف توسعه و تبدیل شدن به یک اقتصاد پیشرفته محسوب می شود.

انقلاب صنعتی چهارم در هند در حال پیشرفت است، اما هنوز بسیاری از مردم آن درک نکرده اند. کارآفرینان، مدیرعامل ها، بنیانگذاران و استارت آپ ها به سرعت در حال منطبق شدن با فناوری های هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، پرینتر های سه بعدی، ربات های پیشرفته و علوم اعصاب هستند. چشم انداز صنعت هند این است که به قلب پیشرفت جهان تبدیل شود.

متن زیر برگرفته از انقلاب ملی (Kranti Nation)، هند و انقلاب صنعتی چهارم توسط پرانجال شارما انتخاب شده است.

در زبان سانسکریت، کرانتی به معنی انقلاب است که عمدتاً به مبارزه هندی ها در برابر اشغال انگلیسی ها مربوط می شود. اما این کلمه در سطح خیلی مردمی تعریف می شود.

حالا هم یک کرانتی جدید در حال رخ دادن است. اما این کرانتی، معنای بزرگتری دارد. در حال حاضر هند در صنعت سرمایه گذاری در پژوهش و دانش و در مورد چگونگی رشد بهتر این فناوری های جدید سردمدار است.

برای هند، انقلاب صنعتی چهارم، فرصت فوق العاده ای برای مراحل مختلف توسعه و تبدیل شدن به یک اقتصاد پیشرفته محسوب می شود. انقلاب چهارم صنعتی یک سطح است. فناوری های مورد استفاده در هند مانند همان فناوری هایی است که در جهان توسعه یافته استفاده می شود. ربات ها، هوش مصنوعی، همه فناوری های مورد استفاده غرب هستند که آماده اند تا در هند هم انقلابی به پا کنند.

کمپانی های مختلف، خودشان را با عناصر مختلف انقلاب صنعتی به شیوه های مختلف منطبق می کنند؛ برخی محتاط و برخی به صورت دقیق. برخی از آن به صورت آزمایشی انجام می شود، برخی دیگر به طور کامل و دقیق، فرایند های هوش مصنوعی را دنبال می کنند. البته بسیاری از شرکت ها هنوز هم منتظرند و تماشا می کنند. برخی دیگر هم از غیرفعال بودن خسته شده اند، اما نمی دانند باید از کجا شروع کنند و یا چگونه فناوری های جدید را مورد استفاده قرار دهند.

این ماجرا باعث می شود که هند نگران شود. چرا که وابستگی بیش از حد به اتوماسیون باعث می شود، ایجاد شغل کم شود. اتوماسیون و رباتیک در تولیدات صنعتی، مناسب کشورهایی است که نرخ رشد جمعیت کمتری دارند. اما کشوری مانند هند، هر سال ۱۲ تا ۱۳ میلیون نفر را راهی بازار کار می کند.

ترس طبیعی از دست دادن شغل ناشی از اتوماسیون و رباتیک در هند وجود دارد. فرایندهای تکراری به طور فزاینده ای خودکار می شوند. در حال حاضر بانک های هند از چت بات (برنامه کامپیوتری طراحی شده برای شبیه سازی گفتگو با انسان ها به ویژه در اینترنت) و حتی ربات های انسانی استفاده می کنند. هرچه قدر ربات ها پیچیده تر شوند، بیشتر جایگزین انسان ها در مشاغل مختلف خواهند شد. پیش بینی های مختلفی برای کاهش شغل به دلیل عواملی مانند اتوماسیون و ترکیب در بازار وجود دارد. گزارش PeopleStrong می گوید، از هر چهار شغل، یک شغل در هند به دلیل اتوماسیون از بین می رود.

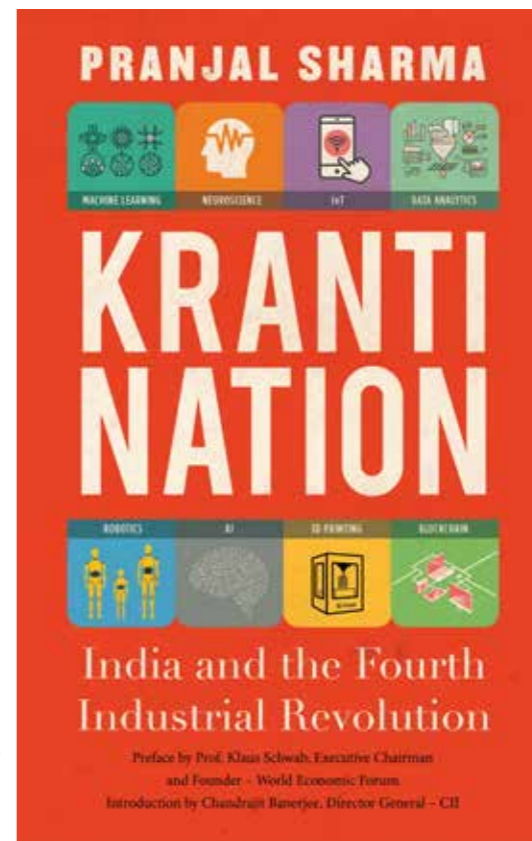
شرکت های هندی به روش ها مختلف با منطبق شدن با فناوری بقای خود را تضمین می کنند. کسانی که سریعتر و بهتر عمل کنند، قطعاً در موقعیتی بهتر قرار می گیرند و می توانند با شرکت کنندگان جهانی رقابت کنند. هزینه بقای آنها، مشاغل از دست رفته است. اما مشاغل می توانند با مهارت آموزی دوباره و ایجاد فرصت های جدید مقابله کنند.

استفاده از تجزیه و تحلیل داده ها، بهره وری در بخش هایی مانند کشاورزی را ممکن است که قبلاً وجود نداشت. برای مثال نرم افزار کارگیل، در هند به هزاران معامله گر اجازه می دهد که با تلفن همراه، از داده های قیمت گذاری استفاده کنند. کل زنجیره ارزش از مزرعه تا سفره می تواند معیشت صدها هزار نفر را فراهم کند که ممکن است مهارت های رسمی نداشته باشند اما آماده اشتراک گذاری اطلاعات خود از طریق تلفن همراه باشند.

یک گزارش تحقیقاتی می گوید هند در حال حاضر، چهارمین اقتصاد بزرگ نرم افزار و برنامه است. تیم کوک، مدیرعامل اپل، ژوئن ۲۰۱۷ در دیدار با ناراندرا مودی، نخست وزیر هند گفت: نرم افزار و برنامه ها در هند شغل های زیادی ایجاد کرده اند. بیش از ۷۵۰ هزار شغل در اینجا می تواند به IOS اپل وصل شوند. توسعه دهندگان هندی ۱۰۰ هزار برنامه ایجاد کرده اند که ۵۷ درصد بیش از سال ۲۰۱۶ است.

بخش های جدید صنعت ایجاد می شود. این پتانسیل برای ایجاد کار میلیون ها نفر است. در حال حاضر یک انجمن صنعتی برای تولید و ارتقا استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در هند وجود دارد.

هند به یک تلاش مشترک نیاز دارد. او باید یک چرخه بلندمدت ایجاد کند که مهارت حرفه ای را آموزش دهد. هند می تواند با ایالات متحده، آلمان و اتحادیه اروپا همکاری کند. دولت مرکزی می تواند یک پلت فرم مشترک بین وزارتخانه ها، دولت و نهادهای صنعتی برای ایجاد یک ماموریت برای به دست آوردن هرچه بیشتر از فناوری انقلاب صنعتی چهارم تدارک ببیند.



## پایان عصر نفت

سال ۱۹۱۷، زمانی که فورد اولین خودروی نقلیه سریع و ارزان قیمت خود را فروخت، نقطه اوج بود. الان هم وسایل نقلیه الکتریکی می تواند نقطه اوجی مشابه باشند. چندین شرکت شروع به ارائه مدل هایی در حدود قیمت ۳۵ هزار دلار کرده اند، تقریباً میانگین قیمت خودروهای جدید در ایالات متحده است. با هزینه های بسیار پایین تر نگهداری و سوخت، سخت است منکر این شد که وسایل نقلیه الکتریکی می توانند در آینده نه چندان دور جایگزین وسایل نقلیه موتوری شوند. در این فرایند دیگر سوالاتی درباره چگونگی مطرح نمی شود، بلکه زمان مهم است.

مطالعات صندوق بین المللی پول پیش بینی می کند که خودروهای الکتریکی می توانند ۹۰ درصد از سهام خودرو را در اقتصادهای پیشرفته و بیش از نیمی از اقتصادهای نوظهور تا سال ۲۰۴۰ را تشکیل دهند. در دیگر کشورها هم این جابه جایی وسیع وسایل نقلیه موتوری پیش بینی می شود اما احتمالاً با سرعت های پایین تر.

سهم نفت در بازار برای تولید برق و گرمایشی در حال حاضر کمتر از ۲۰ درصد در سطح جهان است. این امر می تواند به علت ظهور فناوری های جدید دیگر کاهش یابد: انرژی های تجدیدپذیر.

انرژی های تجدیدپذیر هم در دهه گذشته شاهد رشدی انقلابی بوده اند. هزینه تولید برق از انرژی خورشیدی از سال ۲۰۰۸، ۸۰ درصد و از انرژی باد ۶۰ درصد کاهش یافته است.

انرژی خورشیدی و بادی در حال حاضر در ۳۰ کشور دنیا به رقابت گذاشته شده است و مجمع جهانی اقتصادی پیش بینی می کند که در چند سال آینده حتی از زغال سنگ و گاز طبیعی در بیش از ۶۰ درصد جهان ارزان تر باشد. حتی بدون پیشرفت های تکنولوژی، نفوذ انرژی تجدید پذیر به دلیل اینکه سرمایه گذاری های روی آن انجام می شود، افزایش پیدا می کند.

اگر تغییرات اقلیمی تشدید شود، دگرگونی بازار جهانی نفت می تواند سریعتر هم رخ دهد. بنابراین حتی اگر فناوری های جدید مثل تولید برق مبتنی بر هیدروژن و ... رشد چندانی نداشته باشد، اما دگرگونی وضعیت بازار نفت مسلم است. بنابراین شاید پیش بینی قیمت نفت برای هفته و ماه آینده سخت باشد، اما نفت حتماً تا سال ۲۰۴۰ ارزان تر از قیمت فعلی آن خواهد بود. آن زمان دیگر قیمت هر بشکه ۵۰ دلار هم حتی غیرممکن خواهد بود.

با این چشم انداز، جای تعجبی نیست که تولیدکنندگان نفت و خودروسازان خود را برای پایان عصر نفت آماده کنند. بسیاری از شرکت های خودرویی به شدت روی فناوری های جدید وسایل نقلیه الکتریکی سرمایه گذاری کرده اند. شرکت ولوو اخیراً اعلام کرده است که تمام مدل آن تا سال ۲۰۱۹ یک نمونه موتور الکتریکی خواهند داشت.

به همین ترتیب، بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت که به درآمد نفت به منظور تامین هزینه های دولتی و ایجاد اشتغال متکی هستند، باید روی پیشران هایی غیرنفتی برای آماده کردن اقتصاد خود کار کنند.

انقلابی در جریان است که می تواند بازار نفت را در دهه های آینده کاملاً دگرگون کند.

زمانی که قیمت نفت در سال ۲۰۱۴ ناگهان به بیش از ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسید، مطالعه صندوق بین المللی پول نشان داد که عوامل جانبی عرضه مانند ظهور شیل و فناوری های جدید نیروی کلیدی برای نگرانی قیمت کمتر نفت هستند.

مطالعات اخیر نشان می دهد که دیگر فناوری های جدید، مانند خودروهای الکتریکی و انرژی برق خورشیدی، می تواند عمیق ترین تأثیرات را بر بازار نفت و تقاضای بلندمدت آن بگذارد. همان طور که شیخ زکی یمانی، وزیر سابق نفت عربستان سعودی گفت: عصر سنگ، به دلیل فقدان سنگ پایان نیافت. حالا هم عصر نفت به پایان می رسد، اما نه به دلیل کمبود نفت.

صدها سال پیش، زغال سنگ، ۸۰ درصد مصرف انرژی ایالات متحده را شامل می شد. در عرض ۲۰ سال، این سهم به نصف کاهش یافت و در مدت ۴۰ سال به یک پنجم رسید و نفت جایگزین آن و منبع اصلی انرژی جهان شد.

اگرچه زغال سنگ از نفت ارزان تر بود، اما ماده خوبی برای وسایل نقلیه موتوری نبود، حالا هم خودروها ۴۵ درصد از نفت جهان را مصرف می کنند.

با افزایش وسایل نقلیه الکتریکی و انرژی های تجدیدپذیر، ممکن است جهان در آستانه انقلابی در حمل و نقل و نفت باشد که می تواند بازار نفت را به نحوی دگرگون کند که زغال سنگ یک قرن پیش دگرگون کرد. به این ترتیب نفت هم می تواند سهم خود را در کاهش تقاضای انرژی در دهه های آتی را ببیند.



## « بیکاری تکنولوژیک

بسیاری از مشاغل، در صنایعی هستند که پیشرفت‌های تکنولوژیک، تا همین الان هم منجر به کاهش تقاضای نیروی کار برای آن صنایع شده است. اکنون، انتظار می‌رود کارگرانی که در همین صنایع باقی ماندند و نحوه استفاده از ابزارهای مکانیکی را فرا گرفتند، مجدداً کار خود را به ماشین‌ها و دستگاه‌های جدید و نرم‌افزارهایی دهند که ماشین‌های قدیمی را کنترل می‌کنند.

بسیاری از مشاغل، در صنایعی هستند که پیشرفت‌های تکنولوژیک، تا همین الان هم منجر به کاهش تقاضای نیروی کار برای آن صنایع شده است. اکنون، انتظار می‌رود کارگرانی که در همین صنایع باقی ماندند و نحوه استفاده از ابزارهای مکانیکی را فرا گرفتند، مجدداً کار خود را به ماشین‌ها و دستگاه‌های جدید و نرم‌افزارهایی دهند که ماشین‌های قدیمی را کنترل می‌کنند. به عبارتی در گذشته انسان‌ها تولید می‌کردند، امروزه انسان‌ها ماشین‌ها را به منظور تولید کنترل و مدیریت می‌کنند و در آینده، ماشین‌های جدید، ماشین‌های قدیمی را برای تولید کنترل و مدیریت خواهند کرد. برای مثال افرادی که کارشان سرکشی به دستگاه‌های طبقه‌بندی نامه‌هاست، در آینده شغل‌شان را به دلیل وارد عرصه شدن ماشین‌های اتوماتیک جدیدی که مدیران را از استخدام افرادی برای سرکشی دستگاه‌های طبقه‌بندی نامه‌ها بی‌نیاز می‌کند، از دست خواهند داد. به علاوه، بعضی از جدیدترین کسب‌وکارهای جهان، شامل نیمه‌رساناها و کامپیوترها تا همین امروز هم منجر به از بین رفتن بخش‌هایی از مشاغل به خاطر پیشرفت‌های جدیدی که باعث آن هستند، شده‌اند. مولفه‌ها و اجزای نیمه‌رساناها که امروزه در کسب‌وکارهای نوپا استفاده می‌شوند، آنقدر کوچک هستند که انسان‌ها توانایی پردازش آنها را ندارند و این کار باید به وسیله ابزارهای تکنولوژیک صورت گیرد. همچنین فرآیند به‌روزرسانی نرم‌افزارهای کامپیوتری، هم در ادارات و هم در کارخانه‌ها، می‌تواند به صورت اتوماتیک یا از یک پایگاه مرکزی صورت گیرد و دیگر نیازی به تکنسین‌ها برای این کارها نخواهد بود. البته باید توجه داشت که نه‌تنها تکنولوژی منجر به از بین رفتن مشاغل سنتی و کسب‌وکارهای قدیمی می‌شود، بلکه تغییر در ترجیحات شخصی و عملکردهای تجاری نیز روی زندگی افراد تأثیرگذار است. به عنوان مثال، امروزه تعداد کمتری از مردم از ساعت‌های مچی یا از دوربین‌هایی که نیاز به تعویض نوار فیلم دارند استفاده می‌کنند. بنابراین بسیاری از افرادی که شغل‌شان تعمیر ساعت و دوربین‌های عکاسی و فیلمبرداری قدیمی است، به دلیل کاهش تقاضا برای مهارتی که دارند، کارشان را از دست خواهند داد. در بعضی از موارد، این صنایع اساساً در حال مردن هستند، به طوری که ۳۰ تا ۴۰ درصد از نیروی کارشان را در فرآیند تقابلی کسب‌وکارهای سنتی و نوپا، از دست خواهند داد. در ادامه، هشت شغل یا کسب‌وکاری را که طبق داده‌های «اداره آمار نیروی کار» و پردازش‌های آماری وال‌استریت، به عنوان مشاغل نابودشونده توسط تکنولوژی و اتوماسیون طی ۱۰ سال (از سال

۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸) معرفی شده‌اند، بررسی خواهیم کرد. - **تعمیرکنندگان ساعت.** افرادی که در این حرفه اشتغال دارند، ساعت‌های جیبی، دیواری و رومیزی را تعمیر می‌کنند و حتی می‌سازند. در سال ۲۰۰۸، تنها ۳۲۰۰ ساعت‌ساز در سراسر ایالات متحده آمریکا وجود داشته است. انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۱۸ این تعداد به ۴۰۰ نفر کاهش یابد. یعنی ۱۳ درصد کاهش در اشتغال در حرفه ساعت‌سازی و تعمیر ساعت. با توجه به گزارش دورنمای پیشه‌ها در آمریکا، اشتغال در حرفه تعمیر ساعت به سرعت کاهش خواهد یافت. زیرا هزینه‌های بالای تعمیر ساعت این انگیزه را در مصرف‌کنندگان به وجود می‌آورد که به جای تعمیر ساعت‌های خود، یک ساعت جدید خریداری کنند. در واقع کسب‌وکار ساعت‌سازی با پیشرفت تکنولوژی و روی کار آمدن روبات‌ها، بسیار کم‌هزینه‌تر از آنچه قبلاً بود، شده است. همین امر، کسب‌وکار سنتی تعمیر ساعت را از پای خواهد آورد.

- **اشتغال در نصب کاغذ دیواری.** کسانی که در این حرفه مشغول به فعالیت هستند، اساساً کاغذ دیواری خانه‌ها را تعمیر می‌کنند یا در ابتدا آنها را می‌چسبانند. همچنین افرادی که شغلشان، چسباندن کاغذ دیواری است، در حوزه بیلوردها و تابلوهای شهری نیز فعالیت می‌کنند. در سال ۲۰۰۸، تعداد ۷۴۰۰ نفر به چسباندن کاغذ دیواری اشتغال داشتند و انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۱۸ این تعداد به ۶۳۰۰ نفر برسد. به عبارتی ۱۳ درصد کاهش در نیروی کاری که از طریق این کسب‌وکار گذران زندگی می‌کنند. همانند نقاشان (نقاشان

ساختمان)، افرادی که شغلشان با کاغذ دیواری گره خورده است نیز خودشان کسب‌وکار خودشان را مدیریت می‌کنند و معمولاً بعد از گذراندن اولین دوره شاگردی یا کارآموزی با یک متخصص، مستقل می‌شوند. از آنجا که بسیاری از خانه‌داران امروزه به استفاده از مواد ارزان‌تر و جایگزین کاغذ دیواری روی آورده‌اند (مانند نقاشی ساختمان)، در آینده‌ای نه‌چندان دور، بیکاری بلندمدت در حوزه شغل‌های مرتبط به چسباندن کاغذ دیواری، به وجود خواهد آمد و کسب‌وکارهای دیگری جای این حرفه را خواهند گرفت.

- **تعمیرکنندگان دوربین عکاسی.** مادامی که دوربین‌های دیجیتال صنعت عکاسی را به طور کلی تحت حاکمیت خود درمی‌آورند و استفاده از فیلم عکاسی به تاریخ می‌پیوندد، اشتغال تعمیرکنندگان دوربین‌های عکاسی در خطر خواهد بود. در سال ۲۰۰۸ حدود ۴۶۰۰ نفر در ایالات متحده به این حرفه اشتغال داشتند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۸، حدود ۱۵ درصد کاهش داشته باشد. زیرا با پیشرفت تکنولوژی و پا گرفتن کسب‌وکارهای جدید در حوزه ساخت، فروش و توزیع دوربین‌های عکاسی و همچنین شفاف شدن اطلاعات مربوط به کیفیت و قیمت لوازم دیجیتال و تکنولوژیک، مصرف‌کنندگان دوربین‌های عکاسی ترجیح خواهند داد به جای پرداخت هزینه‌های بالای تعمیر دوربین‌های خود، دوربین جدیدی خریداری کنند. همچنین از آنجا که مدل‌های جدید دوربین‌های عکاسی روزبه‌روز روانه بازار می‌شوند و طراحی دوربین به یک حرفه مجزا تبدیل شده است، دیگر تعمیر دوربین‌های عکاسی قدیمی فایده‌ای نخواهد داشت. گسترش کسب‌وکارهای فروش اینترنتی نیز، به دلیل ضمانت‌هایی که برای تعویض و تعمیر دوربین‌هایی که می‌فروشند در نظر دارند، دست تعمیرکاران سنتی را از بازار تعمیر محدود دوربین‌هایی که نیاز دارند تعمیر شوند یا قطعاتشان تعویض شود، قطع می‌کند.

- **اپراتورهای کامپیوتر.** افرادی که در این حوزه اشتغال دارند، در طیف وسیعی از کسب‌وکارها و در ادارات و کارخانه‌ها مشغول به فعالیت هستند. اپراتورهای کامپیوتر مسوولیت برطرف کردن مشکلات کامپیوتری معمولی را در کسب‌وکارها بر عهده دارند. وظایفی همچون به‌روزرسانی نرم‌افزارها و حفاظت سیستم‌ها از خطر ویروس از جمله وظایفی هستند که بر دوش اپراتورهای کامپیوتر قرار دارند. ممکن است عجیب باشد که شغلی که با کامپیوتر در ارتباط است، در جهان کامپیوتری نیز با خطر روبه‌رو است. اما بدون شک، این شغل نیز در خطر است و در آینده‌ای نه‌چندان دور، دیگر نیازی به اپراتورهای کامپیوتر

نخواهد بود. گزارش‌های مربوطه و شواهد روزمره نشان می‌دهند که پیشرفت تکنولوژی و گسترش کسب‌وکارها در حوزه برنامه‌نویسی و مدیریت از راه دور سیستم‌ها، کسب‌وکارها را از بسیاری از اپراتورهای کامپیوتر، بی‌نیاز می‌سازند. به عبارتی کسب‌وکارهای نوپا و استارت‌آپ‌های اینترنتی، با هزینه‌ای بسیار کمتر، دقیق‌تر و سریع‌تر، کار همین اپراتورها را انجام می‌دهند. آنها با توسعه نرم‌افزارهایی که به طور خودکار سیستم‌های کامپیوتری شرکت‌ها و کارخانه‌ها را به‌روزرسانی می‌کنند، از یک طرف سیستم تولید را کارا تر می‌سازند و از طرف دیگر، هزینه‌های تولید را پایین می‌آورند. در سال ۲۰۰۸ حدود ۱۱۰ هزار نفر در آمریکا به عنوان اپراتور کامپیوتر فعالیت داشتند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۸ اشتغال در این حرفه، بیش از ۱۸ درصد کاهش یابد. همچنین هم‌زمان با نابودی این شغل، طراحی نرم‌افزار به عنوان یکی از پررشدترین مشاغل، فرصت‌های کاری بسیار زیادی را فراهم خواهد کرد.

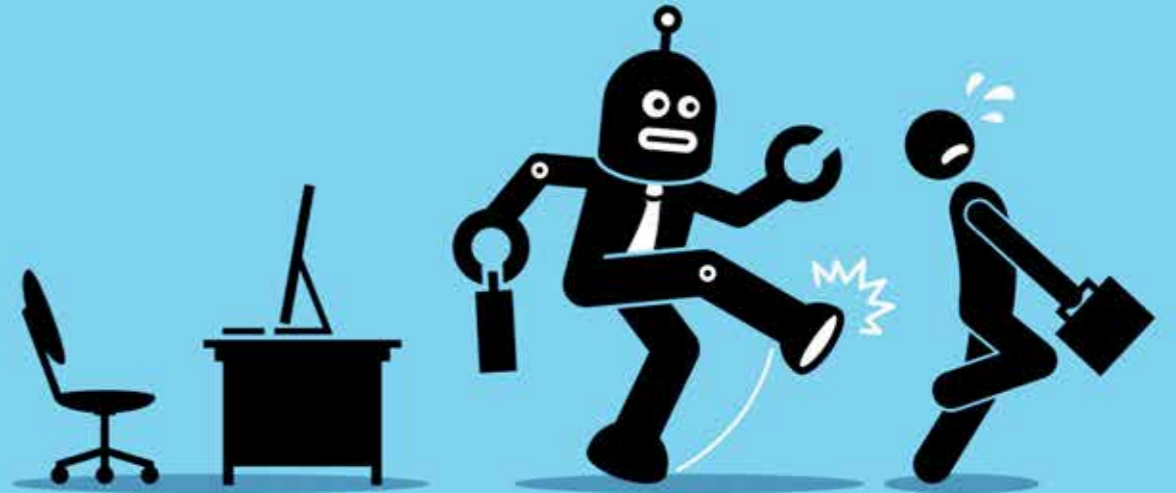
- **چاپ فیزیکی.** شاید هیچ صنعتی نباشد که به اندازه صنعت چاپ، طی دهه گذشته نشانه‌های افول را از خود نشان داده باشد. افرادی که در صنعت چاپ فیزیکی فعالیت می‌کنند، مسوول تهیه مواد چاپ و پرینت فیزیکی مطالب هستند. عمده اشتغال در صنعت چاپ فیزیکی، در روزنامه‌ها و مجلات است. به علاوه، بسیاری از شاغلان صنعت چاپ، به این دلیل که مردم عادی نیز در حال یادگیری چگونگی استفاده از دستگاه‌های چاپ هستند، کار خود را از دست داده و می‌دهند. اما از همه مهم‌تر، این گسترش فرآیند چاپ الکترونیکی به واسطه رشد سایت‌های اینترنتی و ابزارهای کامپیوتری است که مردم جهان را اندک‌اندک از روزنامه‌ها و مجلات کاغذی بی‌نیاز می‌سازد و همین امر، بیشترین تأثیر را در کاهش اشتغال این صنعت دارد. زیرا استفاده از فایل‌های الکترونیکی و سایت‌های مختلف برای خواندن مطالب و مشاهده تصاویر مختلف، ارزان‌تر و آسان‌تر و سریع‌تر است. در سال ۲۰۰۸ حدود ۲۶ هزار نفر در ایالات متحده در صنعت چاپ فیزیکی فعالیت می‌کردند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۸ بیش از ۲۲ درصد از نیروی کاری فعال در این صنعت، کار خود را از دست دهند.

- **اپراتورهای ماشین‌های مته‌زنی و نقب‌زنی.** میلیون‌ها شغل در کارخانه‌ها طی چند دهه گذشته به واسطه رشد تکنولوژی از بین رفته است. انتظار می‌رود که هیچ

شغل کارخانه‌محوری به اندازه اشتغال در حوزه ماشین‌های مته‌زنی و نقب‌زنی طی دهه آینده کاهش نداشته باشد. اپراتورهای این دستگاه‌ها معمولاً زمان کاری خود را صرف سرهم‌بندی قطعات در خطوط تولید کرده و فرآیند عملکرد این دستگاه‌ها را کنترل می‌کنند. با توجه به گزارش‌ها و شواهد، بسیاری از کارخانه‌ها در حال به خدمت درآوردن تکنولوژی جدیدی هستند که آنها را از اپراتورهای مذکور بی‌نیاز می‌سازد. روبات‌ها و ابزارهای تکنولوژیک گسترده، هم کیفیت تولیدات کارخانه‌ای را بالا برده‌اند و هم هزینه‌های تولید را کاهش داده‌اند. اما به کارگیری این ابزارها نیازمند افزایش اشتغال در زمینه برنامه‌نویسی کامپیوتری است. در سال ۲۰۰۸ تعداد ۳۳ هزار نفر در ایالات متحده در این صنعت مشغول به کار بودند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۸، ۲۶ درصد از نیروی کار این صنعت، شغل خود را از دست دهند.

- **خدمات پست و نامه‌رسانی.** بدون شک، اینترنت بیشتر از هر کسب‌وکار دیگری به کسب‌وکار نامه‌رسانی و پست آسیب رسانده است. کاهش بسیار زیاد در پست نامه باعث شده است که هزاران نفر در این کسب‌وکار، شغل خود را از دست بدهند. زیرا از طریق سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی، امکان برقراری ارتباط به سادگی و کاملاً ارزان فراهم شده است و پهنادهای نیز پست بسته‌های حاوی کالا را از وجود نیروی کار فیزیکی برای این منظور، بی‌نیاز کرده‌اند. در سال ۲۰۰۸ حدود ۱۷۹ هزار نفر در ایالات متحده در ادارات و شرکت‌های پست و نامه‌رسانی مشغول به کار بودند. اما انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۸، بیش از ۳۰ درصد از این افراد بیکار شوند.

- **پردازشگرهای نیمه‌رساناها.** صنعت نوپای نیمه‌رساناها در حال از دست دادن بسیاری از نیروی کار خود است. به طوری که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۸، از ۳۱ هزار شغل موجود در این صنعت در ایالات متحده، بیش از ۱۰ هزار شغل از بین برود. دلیل آن هم چیزی نیست جز پیشرفت تکنولوژی و توسعه کسب‌وکارهای نوپایی که در این حوزه اقدام به فعالیت کرده‌اند. تکنولوژی‌های جدید باعث شده است قطعات چیپ‌های الکترونیکی به‌شدت کوچک ساخته شوند و تحت این شرایط، انسان‌ها توانایی پردازش نحوه عملکرد و تعمیر این چیپ‌ها را نخواهند داشت و این کار به وسیله روبات‌ها صورت خواهد گرفت.





## تردید مرکز پژوهش‌ها برای اشتغال سال آینده!

صندوق توسعه ملی و تسهیلات بانکی در جهت حمایت از طرح‌های تولید، اشتغال و آموزش و کمک به کارورزی جوانان دانش‌آموخته دانشگاهی پرداخت کند. اینکه آیا اساساً افزایش قیمت حامل‌های انرژی و اختصاص آن برای ایجاد اشتغال از منطق نظری و پشتوانه تجربه موفق در کشور برخوردار بوده است یا خیر نخستین سوالی است که باید به آن پاسخ داده شود. موضوع بعدی سناریوهای مختلف افزایش قیمت حامل‌های انرژی برای کسب منابع است. هر یک از سناریوها آثار اقتصادی و رفاهی گوناگونی در جامعه به جای خواهد گذاشت.

به علاوه در این رابطه ابهامات دیگری نیز وجود دارد که لازم است نسبت به رفع آنها اقدام شود. از جمله اینکه مشخص نیست که این منابع صرف برنامه‌های اشتغال‌زایی جاری دولت مثل برنامه اشتغال فراگیر خواهد شد یا برنامه‌های جدیدی برای اشتغال‌زایی به اجرا در خواهد آمد؟ شاخص ایجاد اشتغال اصولاً چیست؟ و چه مرجعی و براساس چه شاخصی این برنامه دولت را ارزیابی خواهد کرد؟

این مرکز پژوهشی به نمایندگان مجلس پیشنهاد می‌کند نسبت به بررسی محورهای مهم لایحه بودجه اقدام لازم را در دستور قرار دهد. صلاحیت تصویب نمایندگان با ملاحظه مساله تفکیک قوا و تقسیم کار بین دولت و مجلس معنا و مفهوم پیدا می‌کند. با این وجود تجربه نشان می‌دهد که ورود در جزئیات، باعث به هم ریختن بودجه در سطح کلان می‌شود و اجرای آن را برای دولت مشکل می‌کند. در نتیجه باعث می‌شود که آنچه در عمل به اجرا می‌رسد بسیار متفاوت از بودجه مصوب باشد. در نتیجه مرکز پژوهش‌ها از نمایندگان مجلس می‌خواهد ضمن پذیرش کلیات لایحه رایبه شده، اولویت‌ها و راهبردهای خود را به دولت اعلام کنند. دولت نیز براساس راهبردهای اعلام شده بودجه را بازنویسی کند.

است. به نظر می‌رسد در این راستا بررسی تجربه اجرای سیاست بنگاه‌های زودبازده در سال ۱۳۸۵ خالی از فایده نباشد. برآیند آمار و ارقام و اطلاعات به دست آمده در رابطه با تجربه مذکور حکایت از این دارد که سیاست اشتغال‌زایی دولت وقت در قالب گسترش طرح‌های زودبازده با موفقیت همراه نبود و میزان انحراف طرح فوق از اهداف اشتغال‌زایی بیش از ۶۰ درصد بوده است. به علاوه تا پایان سال ۱۳۹۰ تقریباً ۳۰ درصد از منابع و تسهیلات پرداخت شده به طرح‌های زودبازده بدون عملکرد بوده یا منحرف شده است. بر طبق قانون برنامه ششم توسعه بر استقلال مصارف صندوق توسعه ملی از تکالیف بودجه‌ای و قوانین عادی تاکید شده است. در نتیجه هرگونه تعیین تکلیف برای صندوق در قوانین عادی خلاف سیاست‌های کلی نظام است. با این حال در جز یک بند الف تبصره ۱۸ لایحه بودجه صندوق توسعه ملی ملزم به سپرده‌گذاری ۱۵ هزار میلیارد تومانی از منابع ارز آن صندوق در بانک‌های عامل برای اعطای تسهیلات به طرح‌های تولید و اشتغال شده است.

از سوی دیگر مشخص نیست چرا سازمان برنامه در تهیه آیین‌نامه محور قرار گرفته است و از نقش شورای عالی اشتغال به عنوان نهاد قانونی و سیاست‌گذاری در امر بازار کار و اشتغال و ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی که هدایت برنامه‌های اشتغال دولت را بر عهده دارد، غفلت شده است. مرکز پژوهش‌های مجلس در همین رابطه توصیه می‌کند: «بر اساس مفاد تبصره «۱۸» لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ به دولت اجازه داده خواهد شد تا برای اجرای برنامه اشتغال گسترده و مولد و اشتغال حمایتی، بتواند از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سال آینده نسبت به قیمت این حامل‌ها در ابتدای سال ۱۳۹۶ منابعی به دست آورد و این منابع را تا سقف ۱۷ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان به شکل وجوه اداره شده یا یارانه سود و ترکیب با منابع

مرکز پژوهش‌های مجلس در نخستین گزارشی که در رابطه با لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ نوشته، نسبت به سیاست اشتغالی دولت و برنامه‌های آن در لایحه بودجه ابراز تردید کرده است چرا که این مرکز باور ندارد با افزایش قیمت حامل‌های انرژی و اختصاص درآمدهای حاصل از این بخش به اشتغال‌زایی، لزوماً اشتغال افزایش یابد. این مرکز در بررسی‌های خود پیش‌بینی می‌کند اجرای این طرح نهایتاً حدود ۴۰۰ هزار نفر از میزان اشتغال در ایران بکاهد که به نوعی نتیجه‌ای معکوس برای یک جراحی اقتصادی محسوب می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی گفت: «ایجاد اشتغال با منابع ناشی از افزایش قیمت‌های حامل‌های انرژی می‌تواند رفتار متناقض در ایجاد اشتغال به حساب آید. برخی محاسبات نشان می‌دهد که افزایش قیمت حامل‌های انرژی موجب کاهش ۰/۷۵ تا یک درصدی رشد اقتصادی شود که این امر می‌تواند به ۳۶۰ تا ۴۸۰ هزار نفری اشتغال منتهی شود.» «بررسی در بخش دیگر این گزارش که با عنوان «بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور ۱. نکات مهم و محورهای تصمیم‌گیری (ویرایش اول)» منتشر شده است آمده: «هدف از تبصره ۱۸ اجرای برنامه اشتغال گسترده و مولد با تاکید بر اشتغال جوانان، دانش‌آموختگان دانشگاهی، زنان و اشتغال حمایتی عنوان شده است. با این حال تاکنون برنامه‌ای تحت این عنوان توسط دولت ارایه نشده است و مشخص نیست که این منابع صرف برنامه‌های اشتغال‌زایی دولت مثل برنامه‌های اشتغال فراگیر خواهد شد یا برنامه‌های جدیدی برای اشتغال‌زایی به اجرا در خواهد آمد؟ به علاوه مشخص نیست شاخص ایجاد اشتغال اصولاً چیست؟ و چه مرجعی و براساس چه شاخصی این برنامه دولت را ارزیابی خواهد کرد؟»

اشغال‌زایی در حاله‌ای از ابهام موضوع دیگر در این رابطه ساز و کار عملی و ضمانت اجرایی ایجاد اشتغال با استفاده از منابع ذکر شده

تأثیر عمیق نسل جدید کارآفرین‌های چینی، تأثیری بر صنایع و مصرف‌کنندگان در تمامی دنیا

# موج نو

ترجمه: نسیم بنایی / منبع اصلی: اکونومیست

در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ حدود ۷۷ میلیارد دلار سرمایه روانه شرکت‌های چینی شده است. این رقم در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ برابر با ۱۲ میلیارد دلار بود. سال گذشته، چین در زمینه سرمایه‌گذاری دنیای فناوری، در دنیا پیشرو بود و به همین خاطر به آمریکا نزدیک شده است. ۸۹ تک‌شاخی (استارت‌آپ‌هایی با ارزش بالای ۱ میلیارد دلار) که در چین وجود دارند روی هم رفته ۳۵۰ میلیارد دلار ارزش دارند. به این ترتیب ارزش تک‌شاخ‌های چینی به تک‌شاخ‌های آمریکایی نزدیک می‌شود. در چین ۶۰۹ میلیارد زندگی می‌کنند در حالی که آمریکا تنها ۵۵۲ میلیارد دارد و به همین خاطر انتظار می‌رود چین به زودی در این زمینه از آمریکا پیشی بگیرد.

کای فو لی رئیس پیشین بخش چینی گوگل مصرانه می‌گوید: «ابتکارات و نوآوری‌ها، اینجا با سرعت بیشتری در حال پیشرفت است.» مبتکران جدید چینی که هنوز آن‌طور که باید جان نگرفته‌اند، از تکنولوژی‌های روز دنیا و همچنین دستکاری‌های ژنتیکی برای ابتکارات و نوآوری‌های خود استفاده می‌کنند. البته بسیاری از آنها به سمت بازارهای خارجی در حال حرکت هستند.

### توسعه چینی

سه دلیل عمده وجود دارد که توجیه می‌کند چرا کارآفرین‌های مصمم چینی می‌توانند کسب‌وکار خود را به سرعت توسعه ببخشند. نخستین مسئله به اقتصاد مربوط می‌شود؛ چین دومین اقتصاد بزرگ دنیاست و همین امر به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که حداقل در خانه خود بزرگ شوند و به موفقیت دست پیدا کنند. علاوه بر آن در این اقتصاد بزرگ، زبان برخلاف اروپا و آمریکا، یکدست‌تر است و به تسهیل روند کار کمک می‌کند. دومین مسئله به خریداران و مشتریان چینی مربوط می‌شود. این مشتریان مشتاقانه از تکنولوژی‌های جدید استقبال می‌کنند. نرخ نفوذ وسیله‌هایی مانند تلفن همراه در چین بسیار بالاست. سومین مسئله نیز به دولت‌های وابسته به صنعت مربوط می‌شود.

این جریان به تازه‌واردان این امکان را می‌دهد که کسب‌وکار خود را به راحتی راه بیندازند. دولت در چین هرچند توان مدیریت صنایع را به قدر کافی ندارد اما سعی می‌کند در زمینه سرمایه‌گذاری‌ها مدیریت خوبی داشته باشد. این جریان در نهایت به ابتکارات مثلاً در زمینه حمل‌ونقل کمک می‌کند. البته ناکارآمدی دولت در زمینه صنایع، مشکلاتی را نیز به همراه داشته است. برای مثال بخش لجستیک چین در سال ۲۰۱۶ دقیقاً ۱۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی بوده است. این رقم نشان می‌دهد که هزینه‌های چین در این زمینه از برزیل و هند نیز بیشتر است.

بسیاری از مبتکران چینی، استارت‌آپ‌های خود را نه در چین بلکه در بستر جهانی ایجاد می‌کنند. به همین خاطر است که آنها چشم‌اندازی جهانی برای کسب‌وکار خود می‌بینند. برخی از آنها سرمایه‌گذاران خارجی نیز دارند. این چشم‌بادامی‌ها به خوبی می‌دانند در سلیکون‌ولی چه خبر است و سعی دارند همین کار را در استارت‌آپ‌های خود انجام بدهند. با این حساب به زودی همه میلیارددرهای چینی به مبتکرانی تبدیل می‌شوند که با ابداعات و نوآوری‌های خود جهان را دگرگون کرده‌اند.

کارآفرینی و فعالیت در حوزه استارت‌آپ‌ها حسابی در دنیا طرفدار پیدا کرده اما ظاهراً در میان چینی‌ها طرفداران بیشتری دارد. چشم‌بادامی‌ها به دلایل مختلفی موفق شده‌اند استارت‌آپ‌های خود را به موفق‌ترین استارت‌آپ‌های دنیا تبدیل کنند.

«عصر نو، انقلاب نو. من سازنده قلب‌های رویایی هستم». این جمله با حروف بزرگ روی دیواری در هنگ‌کنگ حک شده است. پشت همان دیوارها، جماعتی از کارآفرین‌های چینی دور هم جمع شده‌اند. شرکت‌هایی مانند بیدو، علی‌بابا و تن‌سنت که سه غول اینترنتی چینی را تشکیل داده‌اند در این کنفرانس زبر سایه استارت‌آپ‌هایی مانند دی‌دی‌چاکسینگ قرار گرفته بودند. استارت‌آپ‌هایی مانند دی‌دی‌چاکسینگ که در حقیقت نمونه چینی اوپر هستند، این روزها حسابی سروصدا کرده‌اند. این استارت‌آپ‌ها در حقیقت موج جدیدی از شرکت‌های خلاق و جوان‌پسند چینی را تشکیل می‌دهند. تا همین چند سال پیش، ابتکارات چینی‌ها صرفاً تقلید و کپی‌کاری از خلاقیت‌های دیگران بود. اما این روزها جهان در اختیار کارآفرین‌های خلاق قرار گرفته است. سرمایه‌گذاران هم به آنها ایمان دارند و به همین خاطر پول و سرمایه خود را صرف همین افراد و ایده‌هایشان می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد



## تکنولوژی، شغل های خوب را حذف نمی کند

نویسنده: ژان تیرویل / \*برنده جایزه نوبل در سال 2014، مدرسه عالی اقتصاد شهر تولوز فرانسه

آینده کار چگونه خواهد بود؟ آیا گیگ ها جای حقوق بگیران را می گیرند و ربات ها کاری می کنند که آدم ها دیگر هیچ فعالیتی برای انجام دادن نداشته باشند؟ تکنولوژی تا اندازه زیادی مشاغل مستقل را آسان کرده و به صاحبان مشاغل کمک می کند تا با برقراری ارتباط مستقیم با مشتریان از آن ها پشتیبانی کند. از این مهم تر، تکنولوژی امکان ایجاد و بهبود شهرت با هزینه کم را برای مشاغل حقیقی و خصوصی فراهم کرده است. مشتریان پیش از ظهور تکنولوژی به شهرت یک کمپانی تاكسی یابی اعتماد می کردند یا یک ماشین لباسشویی را براساس برند کارخانه ای که آن را تولید کرده می خریدند اما امروز هر شغلی یک برند است. در اوپو، مسافران می توانند براساس رده بندی رانندگان وارد کنند و شهرت یک شرکت با توجه به مسئله نظارت همیشگی بر رفتار کارکنان در کمپانی از اهمیت کمتری نسبت به گذشته برخوردار است.

همانطور که اشاره کردم تکنولوژی هم چنین می تواند به استانداردسازی استخدام حقوق بگیران کمک کند. برای مثال دو اقتصاددانان به نام های جرج بیکر و توماس هوبارد توضیح دادند که چطور رایانه ها می توانند به حمل و نقل جاده ای در آمریکا کمک کنند. با نظارت و کنترل رفتار کارکنان آن ها یک مشکل خطرناک اخلاقی را حل خواهند کرد. داستان از این قرار است که رانندگان انگیزه کمتری برای مراقب از کامیون های شرکت در مقایسه با کامیون های خودشان دارند. بنابراین آن ها بیش از آنکه بخواهند تنها کار کنند، به شرکت هایی اضافه خواهند شد که ناوگان های جاده ای را می خردند و مدیریت می کنند. در این شرایط آن ها مجبور به سرمایه گذاری برای خرید کامیون شخصی نیستند چراکه این روش آن ها را نسبت به بحران هایی که ممکن است پس اندازشان را از بین ببرد آسیب پذیر می کند و از سوی دیگر اگر با کمپانی ها کار کنند، زمانی که کامیون خراب شده بیکار نخواهند شد.

به طور کلی مشاغل مرسوم و معمولی امتیازهای زیادی دارند. اول اینکه ممکن است یک نفر یا جمعی از شاغلان ظرفیت مورد نیاز برای راه اندازی یک کسب و کار را نداشته باشند یا ترجیح بدهند از استرس ها و مخاطرات راه اندازی یک کسب و کار دور بمانند. (در این مورد پزشکان یا دندان پزشکان برای کلینیک های درمانی کار می کنند مثال خوبی است). دوم اینکه صاحبان مشاغل ممکن نیست از کارکنانشان بخواهند که رییس دیگری داشته باشند، این مسئله زمانی که اطلاعات کار محرمانه است یا کارکنان باید وقت و توجه بیشتری را به کار اختصاص دهند، اهمیت بیشتری پیدا می کند و سومین امتیاز این است که شهرت شرکت ها براساس امتیازدهی ممکن است قابل اعتماد نباشد. دایان کایل، اقتصاددان در تحقیقی نشان داده است که مشاوره یک شخص حقیقی به سختی قابل کنترل است یا دست کم فوراً قابل کنترل نیست در حالیکه نظر یک مشاور سنتی کیفیت را تضمین کند. خلاصه اینکه من معتقدم استخدام دستمزد بگیران تحت تاثیر تکنولوژی از بین نخواهد رفت اما در نهایت کمتر از همیشه متداول خواهد بود.

و اما در مورد هوش مصنوعی چطور؟ مشاغلی که وظایف روتینی را انجام می دهند با ظهور ربات ها حذف خواهند شد مثل مشاغل مربوط به امور روزمره معاملات بانکی دیجیتالی خواهد شد، چک ها با پردازش های نوری قابل پیگیری است، مراکز تماس با استفاده از نرم افزارهایی ارتباط بین کارفرما و کارمند را کوتاه می کنند و حتی ربات ها جایگزین انسان ها خواهند شد. این تغییرات و تحولات پیامدهای جهانی در پی خواهد داشت. از جمله این پیامدها تهدید مشاغل کم دستمزد است که کشورهای نوظهور برای کاهش فقر بر توسعه آن ها متمرکز شدند. در کشورهای توسعه یافته تمایل به همکاری با کارکنانی که مهارت های دیجیتال دارند افزایش پیدا می کند. در آمریکا شکاف درآمد بین کسانی که در دانشگاه تحصیل کردند و افرادی که پس از دبیرستان تحصیل را رها کردند، در ۳۰ سال گذشته به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.

با این وجود هنوز مشخص نیست که کامپیوترها کدام یک از وظایف انسان ها را برعهده می گیرند و این مسئله چه آثاری در پی دارد. یک دستگاه خودپرداز بانکی بسیاری از وظایف یک کارمند بانک را انجام می دهد اما با وجود گسترش شبکه خودپرداز

استخدام در بانک ها افزایش پیدا کرد چراکه شغل های جدید با شرح وظایف تازه متولد شده بود. مهم ترین وظیفه ای که کامپیوترها قادر به انجام آن نیست رویایی با مشکلات پیش بینی نشده است چراکه رویدادهای نادر الزاما با قانون های تجربی و الگوها قابل تجزیه و تحلیل نیست. فرانک لویی و ریچارد موناکی یک خودروی بدون راننده را طراحی کردند که می تواند عبور یک توپ از مقابلش را تشخیص دهد، تویی که خطری برای خودرو ندارد بنابراین دلیلی برای ترمز کردن نیست درحالیکه انسان پیش بینی می کند که ممکن است کودکی این توپ را دنبال کند پس واکنش متفاوتی از خود نشان خواهد داد.

خودروهای بدون راننده تجربه کافی برای واکنش مناسب ندارند، هر چند ممکن است یادگیری رایانه (یکی از شاخه های هوش مصنوعی) روزی این مشکل را حل کند اما این مشکل نشان می دهد که هم چنان چه محدودیت هایی برای رایانه ها وجود دارد. آدم ها و کامپیوترها با چالش های متفاوتی دست و پنجه نرم می کنند. کامپیوترها در انجام وظایف قابل پیش بینی، منطقی و برنامه ریزی شده سریع و مطمئن اند و با کمک رشته یادگیری رایانه در هوش مصنوعی می توانند هر روز با وظایف غیرقابل پیش بینی بیشتری رو به رو شوند البته اگر داده لازم برای شناخت از ساختار یک مسئله در اختیار آن ها قرار بگیرد از سوی دیگر مغز انسان انعطاف بیشتری دارد. یک کودک پنج ساله می تواند مشکلات را بهتر از یک کامپیوتر رفع کند. با توجه به همه این ها در دنیای جدید کسانی موفق خواهند بود که با کسب دانش انتزاعی خودشان را با محیط سازگار کنند و اما افرادی که یادگیری دانش ساده آن ها را برای انجام وظایف روتین آماده کرده، بیشتر در خطر جایگزینی با کامپیوترها قرار دارند. به همین دلیل، آموزش عالی بسیار مهم است. اگر سیستمی وجود نداشته باشد که امکان فراگیری مهارت های ضروری برای افراد را فراهم کند، زمینه خانوادگی و تفاوت های آموزشی به نابرابری دامن می زند.

## توریسم صنعت راهی برای کمک به رونق اقتصاد

از سوی، اولویت بخشی به خانواده افراد فعال در صنایع و اختصاص تخفیفهایی ویژه به آنها می تواند در تقویت عرق سازمانی، پیوند بیشتر خانواده ها با بدنه سازمان و تعلق خاطر بیش از پیش آنها و... موثر باشد. از دیگر زنجیره هایی که می تواند در توریسم صنعت مورد عنایت قرار گیرد، ایجاد بخشی با عنوان «بازی جدی» در این مسیر است که این بازی می تواند اشکال مجازی یا واقعی داشته باشد. عاری از بحث بازی، بهره گیری از واقعیت مجازی، افزوده، رسانه های نوری و لیزری و... می تواند در کل فرآیندها به عنوان یک ابزار مناسب مورد بهره قرار گیرد. در بخش بازی جدی، طی یک برنامه ریزی می توان کودکان، علاقمندان کار و... را با واحد تولیدی مربوطه، عملکرد و فعالیت آن و... به یاری انواع بازیهای جدی از جمله گیمی فیکیشن آشنا کرد و یا حتی فرصتی برای کارآموزی از طریق شبیه سازی و... مهیا ساخت. بسته به توان و مقدرات هر واحد صنعتی، می توان به این تورها جنبه آموزشی بیشتری بخشید و توری را از بدو تولید تا آخرین زنجیره توزیع تعریف کرد ولو به صورت مجازی.

با گسترش این نگاه شاید بتوان به ویژه در اشکال مجازی، دامنه بازدید را به معادن و... نیز تعمیم داد. در این میان، نقش موثر ورود روابط عمومی های واحدها با تولید انواع فیلمها و انیمیشن ها، پوستر، اینفوگرافیک و... نیز می تواند به فرایند این ارتباط بین جامعه و واحدهای تولیدی تسهیل بخشد.

درک اهمیت توریسم صنعت در ابعاد درون و برون سازمانی می تواند راهگشایی اقتصادی و فرهنگی در شرایط رکود حاضر باشد.

با فرایند تولید در قالبهای بصری و حجمی (با استفاده از اینفوگرافیک حجمی و فیزیکال) وارد محیط کارخانه شده و در ایستگاه آخر با ورود به فروشگاه محصولات، تشویق به خرید محصول اصلی یا فرعی آن شوند.

مثلا در بازدید از یک کارخانه (با هر نوع محصولی به ویژه نزدیک به نیاز روز و عامه جامعه) در کنار فروش محصول اصلی، ماکت و مولاژ محصول (در محصولاتی مانند موتورسیکلت، خودرو و...)، انواع تی شرت یا البسه با تصویر محصولات کارخانه یا لوگو یا دیگر نشانه های تصویری آن، پوسترهای رنگی و جذاب مربوط به محصولات، لوازم التحریر منقش به تولیدات آن واحد و...، به فروش می رسد. نقش این کار در تقویت توریسم صنعت، پیوند بیشتر جامعه داخلی و بین المللی با صنایع ایران، کمک به شناسایی توانمندیها، مشکلات و سختیها و... و باور بهتر جامعه از شرایط موجود صنعت کشور است. این نوع تورها فرصت خوبی برای تشویق مردم به خرید تولیدات ملی است که خود می تواند یکی از اهداف تور تعریف شود.

همچنین تقویت این پیوند بین مدارس، دانشگاهها و بازار و... می تواند به جریان منطقی تر شدن زنجیره آموزش تا بازار کار منجر شود. انتظار می رود گرایش واحدهای صنعتی به توریسم صنعت، با حمایت دولت، بانکها و... همراه باشد تا روحی اقتصادی - فرهنگی جدیدی به صنایع کشور دمیده شود.

تقویت توریسم صنعت، در کنار تقویت برند، هویت سازمانی، ایجاد فرصتهای بازاریابی، تبلیغات و... می تواند واحدهای صنعتی را به جامعه و افکار عمومی نزدیک تر کند.

بسیاری از کشورها به منظور حمایت از صنایع خود، به ویژه صنایع استراتژیک، سنتی - بومی از «توریسم صنعت» بهره می گیرند.

بسیاری از کشورها به منظور حمایت از صنایع خود، به ویژه صنایع استراتژیک، سنتی - بومی و... خود، از «توریسم صنعت» بهره می گیرند. به عنوان مثال، در سفر به کشوری مانند مالزی، یکی از برنامه های تور، بازدید گردشگران خارجی از صنایعی همچون صنایع نساجی این کشور است که در پایان نیز، افراد از فروشگاههای به بازدیدشان پایان می دهند که آنها را ترغیب به خرید از محصول یا فرآورده ها و... آن مجموعه صنعتی می کند.

قراردادن صنایع در لیست بازدید گردشگران داخلی و خارجی و اضافه کردن فروشگاههای در پایان زنجیره تولید هر کارخانه و همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان گردشگری و میراث فرهنگی می تواند روحی فرهنگی - اقتصادی به تولید بخشیده و به ایجاد منبع درآمدی جدیدی برای واحدهای صنعتی به ویژه صنایع خاص و... شود.

این بازدیدها می تواند حتی جنبه مجازی یافته و ضمن بازدید مجازی از یک کارخانه، در انتهای چرخه بازدید امکان خرید الکترونیکی محصولات نیز فراهم شود.

واحدهای تولیدی می توانند در پیوندشان با جامعه داخلی و خارجی، اشکالی بصری، تاریخی و فرایند مدار به خود گیرند. به عنوان مثال، در ورودی یک کارخانه با هر قدمتی می توان به ارائه تاریخچه ای از آن در قالب اینفوگرافیک و... اقدام کرد. به این ترتیب، گردشگران پس از عبور از یک ورودی تاریخی، بصری و آشنایی



# جایگاه صنایع خلاق در اقتصاد کشورها



در عصر کنونی، خلاقیت قطعاً یک پارادایم در حال ظهور ما بین مباحث دانشمندان می‌باشد. دانشمندان از رشته‌های مختلف اعم از اقتصاد، فرهنگ، توسعه اقتصادی، نوآوری و رشته‌هایی همچون جامعه‌شناسی، جغرافیای اقتصادی، برنامه‌ریزی شهری در این مباحث درگیر شده‌اند. از مهم‌ترین آنها اقتصاد خلاق که با دانش اقتصاد و تکنولوژی‌های نوین مرتبط است و موضوع اصلی آن می‌تواند در سه شاخه اصلی مطالعاتی به نام‌های صنایع خلاق، طبقه خلاق و شهرهای خلاق دنبال شود. در این بین صنایع خلاق پدیده‌ای خاص در اقتصاد مدرن به شمار می‌رود و به مرور زمان در حال حرکت از حاشیه علم اقتصاد به جریان اصلی آن هستند.

علاقه به خلق چیزهایی که ارزش آنها صرفاً عینی نیستند چیزهایی که زیبا هستند، ارزش‌های فرهنگی را از طریق موسیقی، سرگرمی و هنرهای تجسمی تبادل می‌کنند و یا جایگاه اجتماعی را از طریق سبک و مد تبال می‌کنند- سابقه‌ای به قدمت خود جامعه بشری دارد. در جوامع، همیشه انسان‌های با استعدادی که اشتیاق خلق چیزهایی زیبا را دارند وجود داشته و محصولات و خدمات آنها دارای ارزشی هستند که احتمالاً به سختی می‌توان به صورت کمی ارزش گذاری شوند“. در قرن بیستم، کارهای فرهنگ باستانی- طراحی، ساخت، تزئین و اجرا- با فعالیت‌های اقتصادی مدرن مانند تبلیغات، طراحی، مد و رسانه های بصری، شروع به بهم تنیدگی کرده‌اند تا شکل جدیدی از فرهنگ بازرگانی را ایجاد کنند. در دهه اول قرن حاضر، چنین فعالیت‌هایی، با ترویج قابلیت‌های تکنولوژیک و قدرت زیاد دسترسی به تکنولوژی‌های دیجیتال تقویت شد. صنایعی مختلفی که مفهوم خلاقیت را با خود به یدک می‌کشند و در طبقات مختلفی نیز جای دارند، حداقل در یک مورد کاملاً مشترک هستند. این صنایع، سود خود را از مهارت خلاقانه نیروی کار، و نیز خلق حقوق مالکیت معنوی (قانون حقوق مالکیت، کاتالیستی است که فعالیت‌های خلاقانه را به صنایع خلاق تبدیل می‌کند. این قانون همان طوری که سایر قوانین از حقوق مالکانه کالاها، زمین و ساختمان‌ها و... حمایت می‌کند، از حقوق مالکانه خالقان ایده محافظت می‌کند. همچنین به مخترعین محصولات جدید اجازه انتفاع از

اشکال بازرگانی این مفاهیم نیازمند فهم سهم واقعی هستند. این فعالیت‌ها تنها اشکال سنتی هنر من جمله تئاتر، موسیقی و فیلم را شامل نمی‌شود، بلکه کسب و کارهای خدماتی مانند تبلیغات (که توانایی خلاقانه خود را اغلب به کسب و کارهای دیگر می‌فروشند)، فرایندهای تولیدی که منبع تغذیه تولیدات فرهنگی هستند و خرده فروشی کالاهای خلاقانه را نیز در بر می‌گیرد. از این رو بایستی گفت که صنایعی که ریشه در فرهنگ و خلاقیت دارند منبعی مهم و اثر بخش برای خلق ثروت هستند.

اصطلاح صنعت خلاق به وسیله دپارتمان انگلیسی فرهنگ، رسانه و ورزش در گزارش سند نقشه کشی صنایع خلاق ابداع شد و هدف از کاربست آن عبارت بود از: تعریف بخش فرهنگی برای دربرگرفتن فعالیت‌های چندرسانه‌ای، و پیگیری تغییرات ساختاری که به خاطر رشد و توسعه فناوری های نوین اتفاق می‌افتند. صنایع خلاق از منظر مفهوم شناسی، صنایعی را در بر می‌گیرد که که منشا خود را در استعداد، مهارت و خلاقیت‌هایی که پتانسیل تولید شغل و ثروت از طریق تولید و بهره‌برداری از دارایی فکری را دارند. صنایع خلاق در تعریفی دیگر، نشانه‌ای از تحول طبیعی صنعت فرهنگی است که دنباله‌گر تغییرات ساختاری ناشی از تایید فناوری‌های نوین و محصولات جدید در حوزه صنعت سرگرمی می‌باشد. ویزومیرسکی چهار معیار را برای صنایع خلاق تعریف می‌کند که عبارتند از:

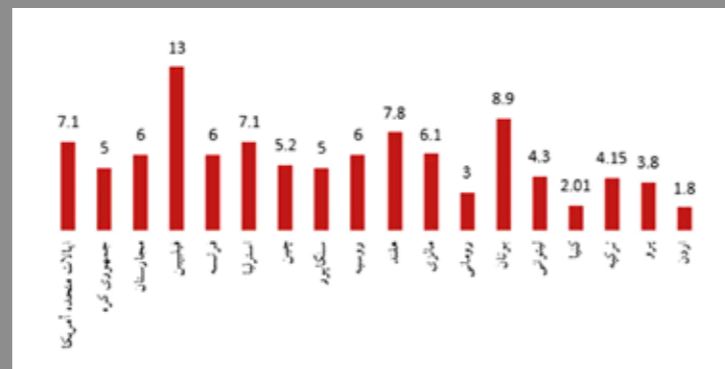
۱. محصولات و خدمات عرضه شده
۲. سازمان تولیدی
۳. فرآیند مرکزی تولید
۴. گروه‌های شغلی و کاری

به زعم کیوز، صنایع خلاق، به آن دسته از صنایع اطلاق می‌شود که به عرضه خدمات و کالاهایی می‌پردازد که به صورت گسترده با ارزش‌های فرهنگی، هنری و یا سرگرمی‌های ساده در ارتباط است و شامل نشر کتاب و مجله و هنرهای تجسمی (مجسمه و نقاشی)، هنرهای نمایشی (تئاتر، اپرا، رقص و کنسرت)، صداپردازی، سینما و سریال‌های تلویزیونی و حتی صنعت بازی، مدل و اسباب بازی می‌شود. محتوا و ارزش‌های نمادین عوامل مهمی در این تعاریف هستند و نهایتاً صنایع خلاق نقشی مهم در توسعه و حفظ

و نگهداری سبک‌های زندگی و هویت‌های فرهنگی بازی می‌کنند. همچنین، صنایع خلاق در دو گروه کاربردی‌تر و جزئی‌تر قرار می‌گیرند. اولین گروه شامل صنایع سنتی فرهنگی می‌شوند و شامل فعالیت‌های نشر، استریوهای مهندسی، معماری موسیقی، فیلم و هنرهای اجرا می‌شود و دومین گروه صنایع خلاق غیرسنتی می‌باشد که شامل تحقیق و توسعه، نرم افزار و خدمات کامپیوتری و تبلیغات می‌شوند.

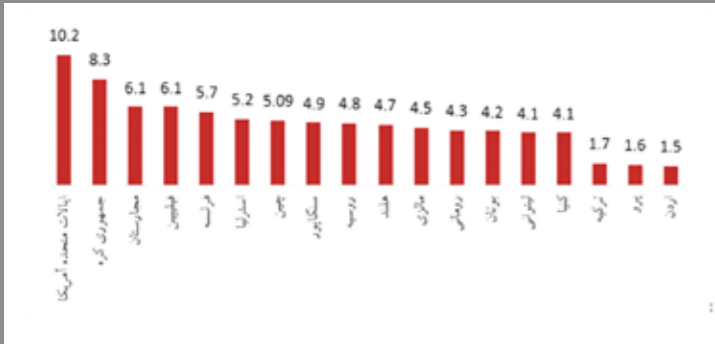
در دسته بندی دیگر، صنایع خلاق به سه دسته غالب تقسیم می‌شوند که عبارتند از: -هنری -۲ رسانه و نشر -۳ خدمات کسب و کاری خلاق. صنایع خلاق تأثیری مثبت بر نوآوری و نهایتاً رشد اشتغال دارند. طبق نتایج تحقیق اندرسون (۲۰۰۸)، سه دسته غالب صنایع خلاق - هنرها، رسانه و کار نشر، خدمات خلاق کسب و کار- حدود ۹ درصد از جمعیت کسب و کار را در هلند به خود اختصاص داده‌اند. همچنین نتایج این تحقیق نشان داده است که صنایع خلاق با وجود تفاوت نسبی در بین صنایع درون خود (فی المثل شرکت های فعال در حوزه هنری به صورت واضحی از نوآوری کمتری برخوردار هستند که این به احتمال قوی به خاطر ایدولوژی غالب آنهاست که بازار محور نیستند از طرف دیگر شرکت‌های فعال در صنایع خلاق حاضر در نواحی شهری از نوآوری بیشتری نسبت به فعالین همان صنعت در نواحی شهری برخوردار هستند.) به صورت نسبی نوآور هستند.

سهم صنایع خلاق در اقتصاد در عصر کنونی هر چقدر به سوی آینده پیش‌تر می‌رویم با گذشت زمان سهم مشاغل و فعالیت‌های خلاقانه و نوآورانه در جوانب مختلف زندگی بشری بیشتر می‌شود در این بین صنایع خلاق توانسته است از رشد چشم‌گیری برخوردار شده و سهم خود را در معادلات اقتصادی کشورها و در سطح اقتصاد بین‌المللی افزایش دهد و عناصر اقتصادی کشورها همچون نرخ اشتغال و بیکاری و تولید ناخالص داخلی و... را تحت تاثیر قرار دهد در نمودار زیر سهم صنایع خلاق را در اشتغال برخی از کشورها مشاهده می‌کنیم:



نمودار ۱: سهم صنایع خلاق در اشتغال برخی کشورها (World Intellectual Property Organization, 2017)

همانگونه که اشاره شد؛ رشد روز افزون صنایع خلاق در اقتصاد داخلی کشورها باعث شده است که این بخش، نقش غالبی را در بخش‌های مختلف اقتصادی ایفا کند در این بین طبق داده‌های آماری مشاهده می‌شود که هر چقدر میزان توسعه در کشورها بیشتر می‌شود سهم صنایع خلاق نیز در آنها افزایش پیدا می‌کند و از این رو کشورهای توسعه یافته اروپایی و آمریکای شمالی سهم بیشتری را در اقتصاد داخلی اشان به صنایع خلاق داده‌اند و در بین سایر کشورها نیز کشورهای آسیای شرقی در این حوزه پیشگام بوده‌اند. در نمودار زیر سهم صنایع خلاق از تولید ناخالص داخلی برخی کشورها ارائه شده است.



نمودار ۲: سهم صنایع خلاق از تولید ناخالص داخلی برخی کشورها (World Intellectual Property Organization, 2017)

با وجود پتانسیل‌های موجود در کشور، سهم ایران از بازار وسیع این صنایع در دنیا بسیار کم است؛ به گونه‌ای که در بسیاری از حوزه‌ها ایرانیان تنها مصرف‌کنندگان محصولات مبتنی بر صنایع خلاق هستند (خصوصاً در حوزه‌های فناوریانه این صنایع مانند پویانمایی و بازی‌های رایانه‌ای). با این وجود چندی است شور و شوق بسیاری در کارآفرینی و نوآوری در این صنایع در کشور مشاهده می‌شود به گونه‌ای که از یک سو بازی‌ها و پویانمایی‌های ایرانی به تدریج جای خود را میان مخاطبان می‌گشایند و از سوی دیگر نهادهای حمایت‌گری مانند ستاد توسعه فناوری‌های نرم و هویت‌ساز معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری، و مراکز حمایت از کارآفرینی در قالب مراکز نوآوری و مراکز شکوفایی یکی یکی شکل گرفته و مورد توجه قرار می‌گیرند.

# چگونه می‌توان اقتصاد یک کشور را اندازه‌گرفت؟



قانونی آن «بوس اوراق بهادار» است.

**نرخ بهره:** نرخ است که بابت جلوگیری از کاهش ارزش پول پرداختی در امروز و دریافتی در آینده (به دلیل ارزش زمانی پول و نرخ تورم) از وام‌گیرنده دریافت می‌شود. همچنین در شرایط متعارف بازار، به‌منظور جبران فرصت‌های سرمایه‌گذاری وام‌دهنده، ممکن است مبلغی به‌عنوان حداقل سود مورد انتظار وام‌دهنده به این نرخ اضافه شود.

**بدهی ملی:** که تحت عنوان بدهی عمومی نیز شناخته می‌شود به نوعی از قرض گفته می‌شود که توسط دولت مرکزی گرفته شده است. در دولت‌های فدرال، بدهی دولتی ممکن است به بدهی‌های ایالت‌ها، شهرها یا دولت‌های محلی نیز اطلاق شود. در مقابل این واژه، واژه «کسری بودجه» قرار دارد که به مقایسه وصول‌های یک حکومت در برابر مصارف سالانه آن می‌پردازد.

**نرخ تورم:** افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در طول یک زمان مشخص است. نرخ تورم برابر است با تغییر در یک شاخص قیمت که معمولاً شاخص قیمت مصرف‌کننده است.

**بیکاری:** بیکار به فردی گفته می‌شود که در سن کار (۱۵ تا ۶۵ سال) و جویای کار باشد اما شغل یا منبع درآمدی پیدا نکند. کودکان و افراد مسن از آن جهت که قادر به انجام کار نیستند، جزو جمعیت فعال به حساب نمی‌آیند. زنان خانه‌دار و دانشجویان اگر جویای کار نباشند و حتی کسانی که با وجود منبع درآمد کافی، مشغول به انجام کاری نیستند نیز جزو جمعیت فعال شمرده نمی‌شوند.

**تراز تجاری:** تراز تجاری تفاوت میان ارزش پولی واردات و صادرات خروجی در طی یک دوره معین در اقتصاد است. تراز تجاری در واقع رابطه بین واردات و صادرات کشورهاست. اگر صادرات بیشتر از واردات باشد مقدار مثبت به نام مازاد تجاری مشخص می‌شود. اگر واردات بیشتر از صادرات باشد مقدار منفی به نام کسری تجاری یا شکاف تجاری مشخص می‌شود.

- نرخ تورم - Inflation Rate
- بیکاری - Unemployment
- تراز تجاری - Trade Balance

**مخارج مصرفی:** خرید نهایی از کالاها و خدمات توسط افراد به منزله مصرف است و در حوزه مخارج مصرفی قرار می‌گیرد. انواع دیگر هزینه‌ها به‌عنوان مثال سرمایه‌گذاری ثابت، مصرف متوسط و هزینه‌های دولت، در دسته‌های جداگانه قرار داده می‌شود.

**نرخ ارز:** ارز هر وسیله‌ای است که به‌صورت اسکناس، حواله یا چک در مبادلات خارجی جهت پرداخت‌ها استفاده می‌شود و منظور از نرخ ارز خارجی عبارت است از مقداری از واحد پولی ملی که برای به دست آوردن واحد پول کشور دیگر باید پرداخت شود. همچنین می‌توان نرخ ارز را ارزش برابری یک واحد پول خارجی به پول داخلی دانست. به عبارت دیگر بهای خرید یا فروش یک واحد پول خارجی به پول رایج کشور را نرخ ارز می‌گویند.

**تولید ناخالص داخلی:** در بر گیرنده مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی است که در طی یک دوره معین معمولاً یک سال در یک کشور تولید می‌شود. در واقع منظور از کالاها و خدمات نهایی، کالا و خدماتی است که در انتهای زنجیر تولید قرار گرفته‌اند و خود آن‌ها برای تولید و خدمات دیگر خریداری نمی‌شوند. درآمد سرانه: عددی است که از تقسیم تولید ناخالص داخلی بر جمعیت یک کشور به دست می‌آید و چون تولید ناخالص داخلی دربرگیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک دوران معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می‌شود پس معنای ساده‌تر درآمد سرانه این است که به ازای هر نفر در یک کشور چه میزان درآمد وجود دارد. تولید ناخالص ملی: عبارت است از ارزش ریالی سالانه تمامی کالاها و خدمات نهایی تولیدشده به قیمت‌های جاری (بازار) در اقتصاد ملی.

**بازار سهام یا بورس:** مکانی است که در آن سهام شرکت‌های گوناگون تولیدی، خدماتی و سرمایه‌گذاری دادوستد می‌شود. مردم به بازار بورس بازار سهام هم می‌گویند. اما نام رسمی و

امروزه طیفی از حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی از جامعه‌شناسی (جامعه‌شناسی اقتصادی) و تاریخ (تاریخ اقتصادی) گرفته تا انسان‌شناسی (انسان‌شناسی اقتصادی) و جغرافیا (جغرافیای اقتصادی) به بررسی و تجزیه و تحلیل جنبه‌های مختلف اقتصادی حیات جمعی انسان‌ها می‌پردازند. با استفاده از مفاهیمی می‌توان بزرگی اقتصاد کشورها را اندازه گرفت. در میان تمام مسائل یک جامعه، اقتصاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی مطرح است. اقتصاد در تمام ابعاد یک جامعه از جمله سیاست، جامعه و فرهنگ از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا استقلال جامعه و قدرت مقاومت آن در مقابل حوادث طبیعی و اجتماعی، شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر و ثبات سیاسی آن، بستگی به حل مشکلات و رفع کمبودهای اقتصادی آن دارد.

امروزه طیفی از حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی از جامعه‌شناسی (جامعه‌شناسی اقتصادی) و تاریخ (تاریخ اقتصادی) گرفته تا انسان‌شناسی (انسان‌شناسی اقتصادی) و جغرافیا (جغرافیای اقتصادی) به بررسی و تجزیه و تحلیل جنبه‌های مختلف اقتصادی حیات جمعی انسان‌ها می‌پردازند. همه این حوزه‌ها نیازمند شناخت کمی از اقتصاد هستند. با استفاده از مفاهیم زیر می‌توان معیارها و شاخص‌هایی را برای شناخت و اندازه‌گیری اقتصاد به دست آورد:

- مخارج مصرفی Consumption Expense
- نرخ ارز - Currency Rate
- تولید ناخالص داخلی GDP - Gross Domestic Product
- درآمد سرانه - Per Capita Income
- تولید ناخالص ملی GNP - Gross National Product
- بازار سهام - Share Market
- نرخ بهره - Profit Rate
- بدهی ملی - National Debt

## چرا رویاهای بسیاری از کارآفرینان می‌میرند؟

را نداشتیم. هرگز رویای درآمد سالانه ۱۵۰ هزار دلار و مالک شدن یک کسب‌وکار سبک زندگی را نداشتیم. هرگز رویای بازنشستگی را در سر نمی‌پروراندم. من دوستان زیادی دارم که کارآفرین هستند و نکته شگفت‌انگیزی که وجود داشت این بود که یکی از این افراد به من می‌گفت رویایش این است که تمام روز در خانه بماند و کار نکند. من مطمئن هستم که افراد زیادی هستند که این آرزو را دارند؛ اما ظن من این است که حتی برای این افراد، اگر ما به اولین باری که آنها رویای کارآفرین شدن را داشتند برگردیم، این روشی نیست که این رویا شروع شد.

بنابراین، همه اینها این پرسش را مطرح می‌کنند که: چرا ما بازمی‌ایستیم؟ چرا رویاهایمان را رها می‌کنیم؟ آیا تاکنون توسط یک کارمند یا مشتری مورد بدرفتاری یا سوءاستفاده قرار گرفته‌اید؟ همین هفته اخیر برای من این اتفاق افتاد. آیا تاکنون ایده خوبی داشته‌اید که احساس کنید بازار طالب آن است تا برای فروش محصول یا خدمات خود بجنگید؟ استرس و فشاری که ما تحت تاثیر آن هستیم بی‌اندازه است. من افراد باهوش و جاه‌طلبی را دیده‌ام که رویاهایشان را تغییر می‌دهند و تصمیم می‌گیرند که یک کارآفرین سبک زندگی (lifestyle entrepreneur) باشند؛ به دلیل اینکه می‌خواهند از استرس فرار کنند یا چون درمی‌یابند کسب‌وکار انتخابی یک پورشه نیست در عوض یک فورد تاروس است. شرکتی که افراد می‌خواهند شرکتی است که در حال رشد باشد. اما بسیاری به‌جای دریافتن اینکه چگونه از یک میلیون دلار فروش به ۱۰ میلیون دلار فروش حرکت کنند، رویاهایشان را رها می‌کنند.

من مانند بسیاری از کارآفرینان دیگر، با فقر بزرگ شدم. پدر و مادرم از هم جدا شده بودند و مادرم با یک حقوق کارمندی و ۳۰۰ دلار ماهانه‌ای که پدرم می‌داد، سرپرستی من و خواهر کوچکم را برعهده داشت. ما در محله کوچکی زندگی می‌کردیم؛ خانه ما یک کولر آبی در آشپزخانه داشت که باید کل خانه را خنک می‌کرد. صاحبخانه ما هیچ چیزی را تعمیر نمی‌کرد. یک نقطه روی زمین آشپزخانه ما کاملاً خالی و تبدیل به سوراخی بزرگ شده بود. برای سال‌ها، تنها تعمیر آن یک تکه تخته بود که روی آن قرار گرفته بود. نمی‌توانم بگویم چند بار شست پایم به آن گیر کرد یا روی این تخته افتادم. وقتی اندکی بزرگ‌تر شدم، به خانه پدرم و همسرش (نامادری بدجنس) نقل مکان کردم، کسی که مدام ما را اذیت می‌کرد. دعا می‌کردم پدرم هیچ وقت از شهر خارج نشود؛ البته این کاری بود که او اغلب آخر هفته‌ها انجام می‌داد. وقتی این اتفاق می‌افتاد، نامادری‌ام ساعت‌ها مانند یک برده با من رفتار می‌کرد. من باید بخشی از خانه را تمیز می‌کردم تا تنها به من گفته شود که «دوباره تمیز کن». و دوباره و دوباره این کار را انجام می‌دادم چون به اندازه کافی تمیز نشده بود. چون «من» به اندازه کافی خوب نبودم. از کودکی آرزو داشتم یک کارآفرین بودم و آزادی ثروتمندان را داشتم. آرزوی تعطیلاتی که می‌توانستم داشته باشم و ماشین‌هایی که می‌توانستم سوار شوم را در سر می‌پروراندم. رویای یک امپراتوری را تصور می‌کردم که می‌توانم آن را بسازم و یک روز جهان را تغییر دهم. اما چیزهایی وجود داشت که هرگز رویای آنها



نویسنده: Shaun Buck  
مترجم: آنایتا جمشیدنژاد  
منبع: entrepreneur





## رنج اقتصاد ایران

بخش قابل توجهی از این مشتاقان مهاجرت را جمعیت جوان تحصیلکرده‌ای تشکیل می‌دهند که سال‌ها نظام آموزشی کشور برای پرورش آنها هزینه پرداخته و حالا آنها پیش از آنکه بازدهی مناسبی برای اقتصاد ملی داشته باشند، دقیقا قبل از فصل شکوفایی، مرزهای این کشور را ترک می‌کنند. چند هفته قبل گزارشی در یکی از رسانه‌های کشور منتشر شده بود که نشان می‌داد از برندگان چند دوره المپیادهای علمی کشور که جمعیت‌شان به ۱۵۰ نفر می‌رسید، به غیر از یک نفر ۱۴۹ نفر دیگر مهاجرت کرده‌اند. آیا این اتفاق را تنها می‌توان به‌عنوان یک مشکل عادی عنوان کرد؟

موضوع مهاجرت تنها یک بحث انسانی و محدود به حوزه‌های جامعه‌شناسی نیست. مهاجرت برای اقتصاد ایران خسارت‌های مالی به همراه دارد. به این نکته نیز باید توجه داشت که مهاجرت گسترده شهروندان چند اثر جانبی غیرقابل انکار دارد که برخی از آنها چنین‌اند:

اول: افراد باقی‌مانده و به‌خصوص نیروهای کارآموده دایما با خود در این کلنجار هستند در صورتی که مانند هم‌دوره‌ای‌ها یا همکارانشان مهاجرت می‌کردند، فرصت بهتری برای زندگی داشتند. محصول این فکر کاهش میزان علاقه و تمایل آنها به کار فعلی‌شان است و در نتیجه میزان بهره‌وری به‌شدت کاهش می‌یابد.

دوم: مهاجرت اساسا یک پدیده اقتصادی و اجتماعی نامطلوب است، چراکه فرد مهاجر اثرات غیرقابل انکاری در حلقه اطرافیان خود

دارد. به این معنا که نباید انتظار داشت در صورت مهاجرت یک عضو خانواده، دیگر اعضا هیچ واکنش احساسی و عاطفی نداشته باشند و بنابراین تا یک دوره بسیار مشخص زمانی، تمامی اعضای خانواده از نظر فکری و عاطفی درگیر فرد مهاجر می‌مانند و در نتیجه ذهن‌شان برای عمل به برنامه‌های کاری خلاقانه یا رو به جلو مهیا نیست.

سوم: فضای اقتصاد جهانی سراسر رقابت است. وقتی ما جوان نخبه‌ای را به کشورهای منطقه یا اروپایی می‌فرستیم، در واقع امکان تولید کالا، صنعت یا محصولی را به آن کشور داده‌ایم و دقیقا همان امکان را از خودمان سلب کرده‌ایم.

مهاجرت را تنها به نیروهای دانشگاهی خلاصه نکنید و تصور کنید که یک قالبیاف یا یک طراح نخبه ایرانی به آن سوی مرزها می‌رود، محصول این است که کشور هدف، حالا یک بافنده ماهر فرش پیدا کرده و می‌تواند تولید قابل عرضه داشته باشد و ما هم دیگر آن استعداد و امکان را نداریم. به معنایی در عرصه رقابت، بازی به نفع طرف‌های مقابل تغییر می‌کند. در مورد پسته و فرش هم این اتفاق رخ داده و کشورهای دیگر از وجودشان بهره‌مند شده‌اند.

در مورد ایران آمارهای دقیقی وجود ندارد به‌طوری که برخی برآوردها نشان می‌دهد نزدیک به ۵/۵ میلیون نفر از ایرانی‌ها در آن سوی مرزها زندگی می‌کنند و این یعنی کشور از مزیت همراهی و استفاده از توان آنها بی‌بهره است. آمار مرکز جهانی مهاجرت هم نشان

می‌دهد در سال ۲۰۱۵ معادل ۱/۴۰ درصد از کل جمعیت ایران خارج کشور زندگی می‌کنند. در سال ۱۳۸۸ وزارت علوم اعلام کرد از ابتدای انقلاب از میان ۱۲ هزار دانشجویی که با هزینه دولت به کشورهای مختلف رفته‌اند، ۴۰۰ نفر بازنگشته‌اند، همچنین ۶۰ هزار دانشجوی ایرانی در خارج از ایران تحصیل می‌کنند. براساس آمارهای رسمی نسبت خروج فارغ‌التحصیلان از ایران به تعداد کل این افراد ۱۵ درصد است. تعداد مهاجران ایرانی به آن سوی مرزها تا چهار دهه پیش تنها ۵۰ هزار نفر بوده است. مهاجرت نخبگان چنان رواج داشته است که در چند سال گذشته صندوق بین‌المللی پول، ایران را از این نظر در رتبه نخست جهان قرار داد.

به هر حال اعداد گویای این موضوع است که مهاجرت به بحثی جدی‌تر از همیشه در اقتصاد ایران تبدیل شده است. نیروهای نخبه‌ای مانند مرحوم مریم میرزاخانی، فیروز نادری و... همگی از دل همین جامعه و اقتصاد به کشورهای دیگر رفته‌اند. البته و صدالبته سوالی اساسی هم وجود دارد، اینکه آیا اگر این نخبگان در ایران باقی می‌مانند، احتمالا به این میزان بازدهی و اعتبار می‌رسیدند؟ به‌نظر می‌رسد ساختار حاکم بر اقتصاد ایران چنان نیست که بتواند این افراد صاحب آینده را به جایگاهی درخشان برساند. کما اینکه بسیاری از نخبگان دیگر هم در کشور ماندند ولی امروز اثری از آنها در اقتصاد نمی‌توان یافت یا اگر اثرگذار هم باشند، به اندازه نمونه‌های مهاجر نیستند. بخشی از مهاجران

جوانانی هستند که باید آنها را نیروهای متخصص، فعال و صاحب خلاقیت و دانش محسوب کرد که تنها برای دستیابی به شغل و زندگی بهتر راهی آن سوی مرزها شده‌اند. این گروه در صورتی که در ایران وضعیت کاری مناسبی پیدا کنند و امکان زیست مناسب داشته باشند، احتمالا دست به مهاجرت نمی‌زنند. بخشی از دلایل مهاجرت نخبگان کشور به آن سوی مرزها به موضوع زیست شهروندی مربوط است. این افراد علاقه دارند در آسایش و امنیت زندگی کنند و گاهی به‌دلیل برخی تصمیم‌گیری‌ها احساس امنیت در آنها از بین می‌رود. محصول این اتفاق پیش کشیده‌شدن گزینه مهاجرت برای جوانانی است که در هر جای دیگر دنیا هم می‌توانند شغل و زندگی داشته باشند. متأسفانه طی سال‌های اخیر ایران بیش از اندازه سیاسی و به معنایی سیاست‌زده شده‌است. این سیاست‌زدگی احساس آرامش و امنیت را به‌خطر می‌اندازد و موضوع مهاجرت را بازهم پیش می‌کشد. نکته قابل توجه اینجا است که مهاجران ایرانی در کشورهای دیگر به‌دلیل اینکه شهروند درجه دو تلقی می‌شوند، خود را از مناقشات داخلی که می‌تواند سیاسی یا اجتماعی خاص کشور مقصد باشد کنار می‌کشند و عملا زیست‌شان در فضایی به‌شدت آرام و فارغ از احوالات پیرامونی صورت می‌گیرد. اتفاقا این نوع رفتار برای آنها که از جوی سیاست‌زده به فضایی آرام رفته‌اند، مطلوبیت هم به‌همراه می‌آورد.

نسل‌های بعدی این ایرانیان مهاجر به‌دلیل اینکه هیچ اتصالی به فرهنگ ایرانی ندارند، عملا نشانی از هویت ملی‌شان را بروز نمی‌دهند و این‌گونه یک نسل نخبه از کشور دور می‌شود. برای درک بهتر این وضعیت بهتر است به آمارهای صندوق بین‌المللی پول توجه شود که نشان می‌دهد ایران در بین ۹۱ کشور جهان از نظر فرار مغزها رتبه اول را در اختیار دارد و سالانه تا ۱۸۰ هزار نفر با تحصیلات عالی از کشور خارج می‌شوند. طبق آمار صندوق بین‌المللی پول هم‌اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و پزشک ایرانی در آمریکا هستند. طبق آمار رسمی اداره گذرنامه، در سال ۸۷ روزانه ۱۵ کارشناس ارشد، ۴ دکترا و سالانه ۵۴۷۵ نفر لیسانسیه از کشور مهاجرت کردند. این اعداد تاییدکننده وضعیت نامطلوب ایران در مورد پدیده مهاجرت است. اما موضوع نگران‌کننده این است که آیا راهکاری برای نگه داشتن طیف مهاجران اقتصادی وجود دارد؟ حسرت بزرگ همین جاست که اقتصاد ایران پتانسیل‌های ذاتی بسیاری دارد که می‌توان با بهره‌گیری از آنها به اقتصادی قابل‌رشد رسید و در این صورت است که مقداری از بار مهاجرت کاسته می‌شود. به همین جهت وقتی در مورد موضوعات صرفا اقتصادی مانند بهبود محیط کسب‌وکار، کاهش حجم بوروکراسی حاکم بر اقتصاد، رفع قوانین مزاحم، بهبود وضعیت ساختارهای نظام مالیاتی، بانکی و ارزی، مبارزه با فساد، ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد، ایجاد شفافیت و در یک کلام بهینه‌سازی ساختار اقتصادی صحبت می‌شود، تنها اقتصاد نیست که نفع می‌برد و این جامعه است که از ثمرات زندگی بهتر شهروندان کشور بهره‌مند می‌شود.

یک نمونه ساده در نظام اقتصادی ایران موضوع استارت‌آپ‌ها است. تنها طی دوره‌ای کوتاه و به سبب ایجاد بسترهای اینترنتی و قانونی، موجی از امید در میان جوانان تحصیلکرده ایجاد شد و آنها از این فضا برای خلق بنگاه‌هایشان استفاده کردند. البته بماند که مدتی بعد فشارهای ملموس و ناملموس اقتصادی، همان عرصه را هم تنگ کرد ولی حداقل طی زمانی مشخص بخشی از نیروهایی که ممکن بود برای خلق فرصت شغلی مناسب از کشور مهاجرت کنند، در ایران باقی ماندند و بنگاه‌های خلاقیت‌محور را

تاسیس کردند. جان کلام اینکه جامعه و اقتصاد هر دو به یکدیگر اتصالی ناگسستگی دارند. بهبود این دو باید همزمان صورت گیرد و البته که اقتصاد اولویت‌های بیشتری دارد ولی باید دقت داشت که موضوعات به‌ظاهر اجتماعی مانند مهاجرت در میان مدت می‌تواند چه اثرات تخریبی عظیمی بر پیکره اقتصاد این سرزمین داشته باشد. با این نگاه موضوع بازسازی اقتصاد ایران هم به موضوعی ملی تبدیل می‌شود که دیگر در دایره تنگ اختلافات سیاسی و جناحی نمی‌گنجد. برای اینکه از رنج مهاجران کم کنیم، باید زودتر به فکر بازسازی اقتصاد این کشور باشیم.



مسعود خوانساری رئیس اتاق تهران

اخیرا خبری منتشر شده که نشان می‌دهد حدود ۱/۵ میلیون ایرانی در آستانه مهاجرت قرار گرفته‌اند. صرف‌نظر از اینکه این خبر تا چه اندازه به واقعیت نزدیک باشد، می‌توان بیان داشت که مهاجرت و به‌خصوص مهاجرت نخبگان در ایران به مساله‌ای جدی تبدیل شده است که باید در مورد آن فکر کرد.



از سوی بازوی پژوهشی مجلس بررسی شد

## سبک چینی حمایت از تولید



**کشور چین طی چهار دهه با رشد مستمر و بالا، به بزرگ‌ترین اقتصاد، تولیدکننده، تجارت‌کننده کالا، همچنین بزرگ‌ترین نگهدارنده ذخایر ارزی در جهان تبدیل شده است.**

سوال اساسی این است که دولت چین چگونه از سرمایه‌گذاری و تولید حمایت کرده و با چه سیاست‌هایی توانست به چنین پیشرفت عظیم اقتصادی دست پیدا کند. فرضیه‌ها و پاسخ‌های احتمالی زیادی برای این سوال مطرح می‌شود که مرکز پژوهش‌های مجلس نقش دو بازیگر و یک ویژگی مشخص در اقتصاد چین را در مسیر رشد اقتصادی این کشور بررسی کرده است.

خیزش سریع چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی در مدت زمانی نزدیک به چهار دهه، اغلب به‌عنوان یکی از موارد بزرگ موفقیت اقتصادی در دوران مدرن یاد می‌شود. خیزشی که این سوال را به وجود

شدن سریع، سرمایه‌گذاری‌های وسیعی انجام داد، بر این اساس در سال ۱۹۷۸ نزدیک به سه چهارم تولیدات صنعتی این کشور توسط بنگاه‌های دولتی (SOEs) که به‌صورت مرکزی کنترل می‌شدند مطابق با اهداف برنامه‌ریزی مرکزی تولید می‌شد. در این دوران بنگاه‌های خصوصی و بنگاه‌های با سرمایه خارجی عموماً ممنوع شدند و در واقع هدف اصلی دولت چین این بود که اقتصاد این کشور را نسبتاً خودکفا سازد، بنابراین تجارت خارجی معمولاً به دستیابی کالاهایی که امکان ساخت آنها در چین وجود نداشت محدود شد، با این حال بنگاه‌های دولتی دارای مشکلاتی بودند. به گزارش بازوی پژوهشی مجلس، بنگاه‌های دولتی در چین از مداخلات سیاسی (در سطح محلی و ملی) رنج می‌بردند، خطوط نامشخصی از کنترل داشتند (اغلب توسط یک یا تعداد بیشتری از وزارتخانه یا

می‌آورد که این کشور برای رسیدن به آن‌چه گام‌هایی برداشته و سوال بعدی این است که دولت چین چگونه از سرمایه‌گذاری و تولید در این کشور حمایت کرد و با چه سیاست‌هایی توانست به چنین پیشرفت عظیم اقتصادی دست پیدا کند. در این خصوص فرضیه‌ها و پاسخ‌های احتمالی بسیاری مطرح است، اما از مجموع عوامل اثرگذار آنچه دولت در ایجاد آنها نقش داشته می‌توان به دو بازیگر «بنگاه‌های بزرگ»، «بانک‌های عمومی (توسعه‌ای - سرمایه‌گذاری) و کنترل بازار پول» و یک ویژگی کاملاً مشخص «کنترل و هدایت سرمایه‌گذاری‌های تولیدی (اجتماعی‌سازی سرمایه‌گذاری)» اشاره کرد.

بر اساس گزارشی که مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرده، دولت مرکزی چین طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ برای حمایت از صنعتی

واحدهای اداری کنترل و مدیریت می‌شدند)، انگیزه‌های بازپرداخت ناچیزی داشتند (محدودیت بودجه‌های سفت و سختی نداشتند)، اهداف سیاسی و اجتماعی بر آنها تحمیل می‌شد (ایجاد فرصت‌های شغلی محلی و پرداخت‌های مالیاتی)، فاقد مدیران حرفه‌ای و ساختار حاکمیت شرکتی بودند و بنابراین انگیزه‌ها برای هدایت این شرکت‌ها در مسیر تجاری نسبتاً ضعیف بود. با این شرایط اقتصاد چین پس از اصلاحات اقتصادی به اقتصاد سوسیالیست بازاری معروف شد، اما می‌توان چین را نیز نوعی از سرمایه‌داری با ترکیبی از بنگاه‌های خصوصی و دولتی و هدایت آشکار دولت دانست که در آن دولت سعی می‌کند بازار را غالباً از طریق حمایت صنایع خاصی که انتظار موفقیت آنها را دارد، هدایت کند و در چنین اقتصادهایی همانند سلف آنها در کره جنوبی و ژاپن، تامین مالی بانکی نقش اصلی را ایفا می‌کند.

درواقع با شروع اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۷۸، دولت چین همانند کره جنوبی و ژاپن باور داشت که به کارگیری سیاست‌های صنعتی در اقتصاد که توسط تعدادی از گروه‌های تجاری بزرگ در اتصال با زنجیره‌های متعددی از بنگاه‌های کوچک و متوسط رهبری می‌شود، کم هزینه‌تر و کارآتر است و از این طریق می‌تواند فاصله اقتصادی خود با کشورهای پیشرفته را با سرعت بیشتری کاهش دهد. از سوی دیگر دولت چین صرفاً خواهان نرخ بالای سرمایه‌گذاری بود، بنابراین حجم بالای منابع و وام‌های سیستم بانکی را به بنگاه‌ها و طرح‌های بزرگ اختصاص داد. روش پیش گرفته موجب شد تا در سال ۱۹۹۳ بانک جهانی اذعان کند که مکانیسم دخالت در تخصیص اعتبار، عامل اصلی معجزه اقتصادی شرق آسیا بوده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت رشد بسیار بالایی که از سوی تعداد زیادی از اقتصادهای شرق آسیا در دوره پس از جنگ جهانی دوم (ژاپن، تایوان، کره جنوبی و چین) تجربه شد، به دست آمد. بنابراین دولت مرکزی چین به‌عنوان دولت توسعه‌گرا، گروه‌های تجاری بزرگ را به این دلیل رواج داد که آنها را همانند کره جنوبی و ژاپن ابزاری مناسب برای جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی خود می‌دانست.

در واقع دولت چین تا سال ۱۹۹۸ با تخصیص متمرکز اعتبارات با اجرای رژیم هدایت اعتبار و سپس با ترکیبی از طراحی نظام انگیزشی خاص به رفتار سودجویانه بانک‌ها و تخصیص متمرکز، خلق اعتبارات بانکی را در جهت طرح‌های توسعه‌ای و با اولویت‌های اجتماعی سوق داد که هیچ‌گاه در اولویت‌های مکانیزم قیمتی قرار نمی‌گرفتند که به کارگیری موفقیت‌آمیز این سیاست نیازمند قابلیت نهادی و سطح بالای حکمرانی است چنان که برخی دیگر از کشورها که همین سیاست را در همان مقطع در پیش گرفتند به توفیقی دست نیافتند) کاملاً دولتی به‌عنوان بانک‌های عمومی عمل کردند که سرمایه‌گذاران اصلی در اقتصاد چین محسوب می‌شدند. هدف بانک‌های دولتی سودآوری نبوده و آنها سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی (خلق اعتبار در جهت نفع عموم مردم) مانند طرح‌های زیرساختی کلیدی را دنبال می‌کردند.

از سوی دیگر پس از شروع اصلاحات اقتصادی چین از بنگاه‌های دولتی که از دوران کمونیستی برجا مانده بود، بهترین استفاده را کرد. در واقع دولت چین صرفاً خواهان نرخ بالای سرمایه‌گذاری بود و بنابراین در سال‌های اولیه اصلاحات اقتصادی این امر توسط بنگاه‌های دولتی و سپس با شکل گیری اقتصاد بازاری سوسیالیستی و ایجاد مالکیت خصوصی، به

تمامی بنگاه‌های بزرگ و طرح‌های عظیم اقتصادی تسری پیدا کرد. با این حال روش چینی‌ها ویژگی‌های مشترکی با همسایگانش یعنی کشورهای کره جنوبی و ژاپن داشت. در واقع اقتصاد چین را نیز می‌توان نوعی از اقتصاد سرمایه‌داری با ترکیبی از بنگاه‌های خصوصی و دولتی و هدایت آشکار دولت دانست که در آن دولت سعی می‌کند بازار را غالباً از طریق حمایت صنایع خاصی که انتظار موفقیت‌شان را دارد، هدایت کند و در چنین اقتصادهایی مانند کره و ژاپن تامین مالی بانکی نقش اصلی را ایفا می‌کند. مسیری که چین برای رشد اقتصادی طی کرد دو بازیگر و یک ویژگی کاملاً مشخص داشت. از «بانک‌های بزرگ عمومی (توسعه‌ای - سرمایه‌گذاری) و هدایت اعتبار» و «بنگاه‌های بزرگ» می‌توان به‌عنوان بازیگردان‌های اقتصادی یاد کرد و «اجتماعی‌سازی سرمایه‌گذاری» نیز ویژگی این کشور برای رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

### بازیگران رشد اقتصادی

از بانک‌های بزرگ و عمومی و هدایت اعتبار به‌عنوان بازیگر رشد اقتصادی یاد می‌شود. با توجه به ارزیابی‌های صورت گرفته می‌توان گفت در سال ۱۹۹۳ مطالعات صورت گرفته از سوی بانک جهانی نشان می‌دهد که مکانیزم دخالت در تخصیص اعتبار عامل اصلی معجزه اقتصادی در شرق آسیا بوده است. در واقع می‌توان گفت رشد بسیار بالایی که در تعداد زیادی از اقتصادهای شرق آسیا در دوره پس از جنگ دیده شد (ژاپن، کره جنوبی، تایوان و چین)، با اجرای رژیم هدایت اعتبار به دست آمد.

به عبارت دیگر از شروع اصلاحات اقتصادی تا سال ۱۹۹۸، برنامه هدایت اعتبار در چین مشابه سال‌های قبل از اصلاحات، به‌صورت اقتصاد برنامه‌ریزی شده مرکزی (تقریباً مشابه روش کره جنوبی) پیش رفت، اما بعد از آن (دریچه هدایت به سبک ژاپن) طراحی نظام انگیزشی خاص که بانک‌ها را به‌صورتی خودانگیزخته و اختیاری در مسیر مطلوب طراحی شده از سوی دولت قرار دهد جایگزین آن شد. چهار بانک بزرگ دولتی (سابق) و بعدها سه بانک سیاستی کاملاً دولتی، سرمایه‌گذاران اصلی در اقتصاد چین بودند. در واقع دولت چین با ترکیبی از تخصیص متمرکز اعتبارات و طراحی نظام انگیزشی خاص به رفتار سودجویانه بانک‌ها، خلق اعتبارات بانکی را در جهت طرح‌های توسعه‌ای و با اولویت‌های اجتماعی سوق داد که هیچ‌گاه در اولویت‌های مکانیزم قیمتی قرار نمی‌گرفتند که به کارگیری موفقیت‌آمیز این سیاست نیازمند قابلیت نهادی و سطح بالای حکمرانی است چنان که برخی دیگر از کشورها که همین سیاست را در همان مقطع در پیش گرفتند به توفیقی دست نیافتند. به‌کارگیری بنگاه‌های بزرگ یکی دیگر از بازیگران رشد اقتصادی چین محسوب می‌شود، بازیگری که به واسطه آن، این کشور توانست در راستای رشد اقتصادی گام بردارد. به‌طوری‌که با شروع اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۷۸، دولت چین همانند کره جنوبی و ژاپن به این باور رسید که به کارگیری سیاست‌های صنعتی در اقتصاد که از سوی تعدادی از گروه‌های تجاری بزرگ هدایت می‌شود، کم‌هزینه‌تر و کارآتر است و از این طریق می‌تواند از فاصله اقتصادی خود با کشورهای پیشرفته با سرعت بیشتری بکاهد.

بنابراین بیشترین منابع بانکی از سوی دولت به طرح‌ها و بنگاه‌های بزرگ اختصاص پیدا می‌کرد و تعداد زیادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز به زنجیره تولید از طریق بنگاه‌های بزرگ متصل بودند. به‌طوری‌که تعداد بنگاه‌های بزرگ چین در لیست فورچون ۵۰۰ جهانی از ۲۴ مورد در سال ۲۰۰۶ به ۱۱۰ مورد در سال ۲۰۱۶ افزایش داشته است. مطالعه موردی

## هوش مصنوعی به گسترش شکل جدیدی از کار کمک می‌کند انسان‌ها بر فراز ابرهای مجازی

انسانی آنها را انجام می‌دهند. فیس‌بوک نیز اخیراً اعلام کرده تعداد این نیروهای خود را از ۴ هزار و ۵۰۰ نفر به ۷ هزار و ۵۰۰ نفر افزایش خواهد داد. آینده از آن هوش مصنوعی است البته هوش مصنوعی با پیشرفت خود برخی از این شغل‌های دیجیتالی را حذف خواهد کرد اما باز هم انواع دیگری از شغل‌های دیجیتالی را به صورت هم‌زمان ایجاد خواهد کرد. شاید تکنولوژی با پیشرفت خود نیاز به محاسبه‌گری انسانی را حذف کند اما باز هم به داده‌ها و خلاقیت‌های انسانی برای ادامه حیات خود نیاز دارد. این روزها بحث خودروهای بدون راننده که به صورت مستقل رانندگی می‌کنند زیاد مطرح است اما حتی این خودروها نیز به طراحی الگوریتم‌هایی نیاز دارند که تنها انسان‌ها می‌توانند آنها را کنترل کنند. همیشه این انسان‌ها بوده‌اند که الگوریتم‌ها را طراحی کرده‌اند یا فضا را برای پیشرفت تکنولوژی فراهم آورده‌اند. یعنی تکنولوژی بدون حضور انسان‌ها نه مزیت است و نه محدودیت. هیچ خاصیتی نخواهد داشت. همان‌طور که پیشرفت فناوری صنعت چاپ به ایجاد شغل برای تصویرگران کمک کرد، پیشرفت و توسعه هوش مصنوعی نیز به ایجاد اشتغال برای افرادی که در این حوزه‌ها مشغول به کار هستند، کمک خواهد کرد. این بازی محدود به دیروز و امروز نخواهد بود بلکه در آینده نیز به همین شکل ادامه پیدا خواهد کرد.

می‌شوند. این هم تنها به خاطر هوش مصنوعی و پیشرفت‌های آن در حال رخ دادن است. بر اساس آمار بانک جهانی، بیش از ۵ میلیون نفر در حال حاضر در بازارهای آنلاین به صورت دورکاری مشغول کار هستند. برخی از آنها برای وبسایت‌ها کار می‌کنند و برخی نیز به صورت قراردادی محتوا یا مطالبی را تولید می‌کنند. برآوردها نشان می‌دهد درآمد این شرکت‌ها در سال ۲۰۱۶ حدود ۶ میلیارد دلار بوده‌است. برخی از افراد فعالیت‌های کوچکی انجام می‌دهند و مبالغی نیز در ازای آن فعالیت‌ها دریافت می‌کنند. بسیاری از شرکت‌های بزرگ حوزه فناوری، افرادی را برای کنترل این فضا، استخدام می‌کنند. گفته می‌شود گوگل در همین راستا ارتشی ۱۰ هزار نفری با عنوان «موش‌های صحرائی» دارد که خدمات سایر شرکت‌ها نظیر یوتیوب را نیز رصد می‌کنند و به صورت مستمر اطلاعاتی را در این باره دریافت می‌کنند. مایکروسافت نیز از طریق سیستم جهانی انسان‌ها، کاربران را کنترل می‌کند.

هر روز تعداد این شرکت‌ها و ارتش‌های سایبری در حال افزایش است. یکی از دلایل نیز افزایش تقاضا برای نظارت بر محتواهای اینترنتی است. برای مثال آلمانی‌ها اخیراً در قانونی در ارتباط با فضای مجازی، تأکید کرده‌اند که هر محتوای غیرقانونی باید از آنجا پاک شود. این نظارت‌ها به صورت ۲۴ ساعته صورت می‌گیرد و ارتش‌های

**پیشرفت تکنولوژی همیشه زمینه را برای نگرانی انسان‌ها فراهم کرده‌است. انسان‌ها در هر موقعیتی نگران هستند که ماشین‌ها شغلشان را از چنگشان بیرون بکشند. اما واقعیت این است که پیشرفت تکنولوژی و هوش مصنوعی اغلب به ایجاد اشتغال نیز کمک کرده‌است.**

منبع اصلی: اکونومیست

وقتی نخستین کتاب مصور در سال ۱۴۷۰ میلادی در شهر آلمانی اگزبورگ به چاپ رسید، کسانی که روی چوب تصویرگری می‌کردند دست به اعتراض زدند. آنها تصور می‌کردند کتاب‌های مصور، شغل آنها را تهدید می‌کند. اما واقعیت این بود که تقاضا برای شغل آنها بیشتر نیز شد. بالاخره یکی باید روی این همه کتاب، تصویرگری انجام می‌داد. بشر همیشه نگران بوده که مبادا شغلش تحت تأثیر تکنولوژی تغییر پیدا کند. خیلی از مواقع نیز می‌ترسیده که شغل خودش را به خاطر پیشرفت تکنولوژی از دست بدهد. اما حالا پیشرفت به مرحله هوش مصنوعی رسیده و متناسب با آن هیجانات نیز اوج گرفته‌است. اما باز هم تکنولوژی به جای این‌که شغل انسان‌ها را از چنگال آنها بریاید، برای آنها اشتغال ایجاد کرده‌است. برای نمونه هر روز افراد بیشتری درگیر دنیای دیجیتال و خدمات آنلاین

به هر شرکت و تعداد بسیاری از افراد وام دادند و در نتیجه یکی از بزرگ‌ترین حباب‌های اعتباری در تاریخ (شاید هم بزرگ‌ترین تاکنون) شروع شد. به عبارت دیگر در سال ۲۰۱۰، افزایش بدهی خصوصی (رشد اعتبار) در چین برابر با ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی اسمی آن کشور بود و این در حالی است که افزایش بدهی خصوصی در ژاپن و ایالات متحده آمریکا قبل از بحران‌های مالی آنها کمتر از چین بوده است. در واقع اوج افزایش بدهی خصوصی برای ژاپن که منجر به بحران مالی سال ۱۹۹۰ شد، برابر با ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی اسمی آن کشور بوده و همچنین اوج افزایش بدهی خصوصی در آمریکا در بحران سال ۲۰۰۸ تنها برابر با ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی اسمی آن کشور بوده است.

غیربازاری تخصیص منابع، فرصت‌های بسیاری را برای فساد به وجود می‌آورد. یکی از مشکلات اصلی دولت چین نیز مساله فساد است که دولت سعی می‌کند از طرق مختلف از جمله برخورد قاطعانه، آن را کاهش دهد.

### سه چالش اقتصادی

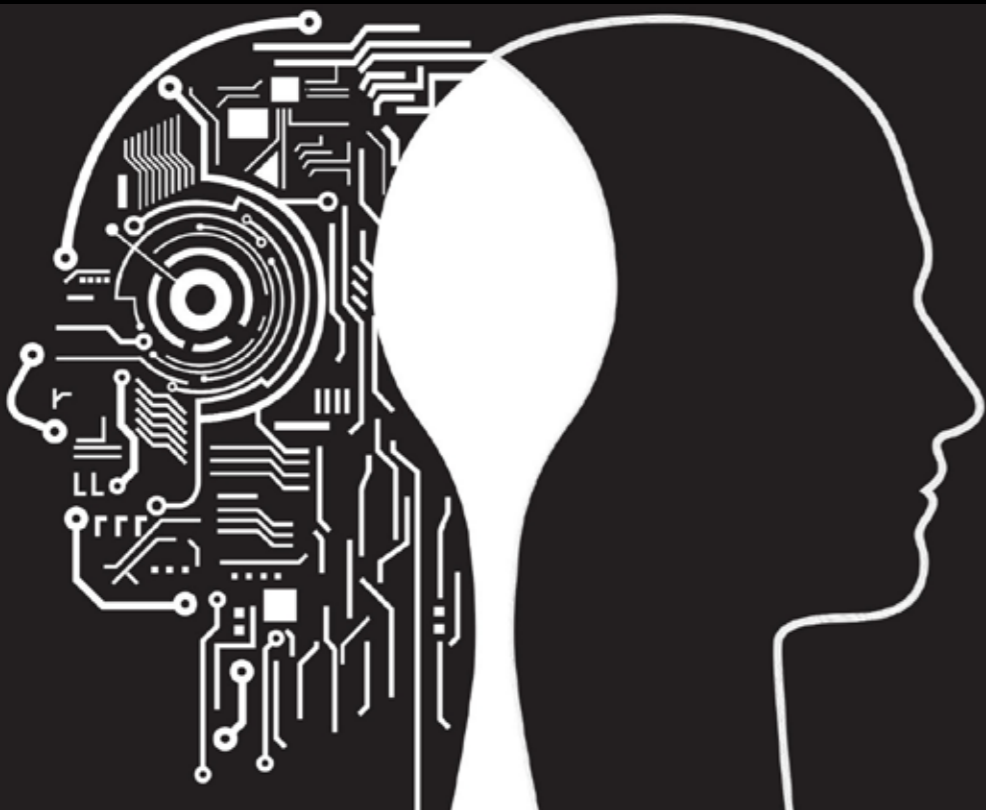
از سوی دیگر هرچند چین توانست با اجرای طرح‌هایی به اصلاحات اقتصادی دست پیدا کند، اما این کشور نیز با سه چالش اقتصادی مواجه است که در این خصوص می‌توان به «مطالبات غیرجاری، نفع شخصی و فساد و افزایش بدهی خصوصی و ایجاد حباب اعتباری» اشاره کرد. مشکل شناخته شده بخش بانکی چین، میزان بالای مطالبات غیرجاری آن است. هیچ یک از بانک‌های تجاری چین بدهی‌شان از سوی دولت تضمین نشده است. با این حال جدا از نقش کنترلی دولت در بخش بانکی، دولت چین کمک مالی فراوانی برای نهادهای مالی ایجاد کرده است. نفع شخصی و فساد یکی دیگر از چالش‌هایی است که دولت چین با آن دست به گریبان است، این موضوع بر کسی پوشیده نیست که سیاست صنعتی تحت هدایت دولتی از طریق کنترل بر روش‌های غیربازاری تخصیص منابع، فرصت‌های بسیاری را برای رانت و بنابراین فساد به وجود می‌آورد. وسعت فساد مرتبط با سیستم مداخله دولت چین در اقتصاد بسیار گسترده است و اندازه‌گیری آن نیز غیرممکن است. کانال‌های بی‌شماری برای نفع بردن مقامات وجود دارد. به‌طور مثال خریدهای بزرگ بنگاه‌های دولتی فرصت‌هایی برای رشوه دادن و هدایت قراردادهای مسیره‌های خاصی را ایجاد می‌کند. همچنین مقامات چینی می‌توانند سودهای شخصی از طریق وام‌های بانکی به دست آورند. بنابراین یک مشکل اصلی چین مانند سایر کشورهای در حال توسعه، رشد نسبتاً آهسته ظرفیت‌های فنی و استانداردهای اخلاقی نظارتی و سیستم حقوقی است. با این حال مبارزه با فساد از طریق افشای پرونده‌ها و فشار افکار عمومی در چین باعث شد که بسیاری از مقامات عالی‌رتبه چین محکوم به اعدام شوند. افزایش بدهی خصوصی و ایجاد حباب اعتباری یکی از چالش‌های پیش روی اقتصاد چین محسوب می‌شود، از آنجا که سیستم بانکی در چین همواره تحت سیاست‌های دولت عمل می‌کند، بنابراین بانک‌های چین به‌طور سرسام‌آوری

شرکت «هوآوی» نیز نشان داد که روسای بنگاه‌های بزرگ رابطه نزدیکی با روسای دولت و بانک‌های چین دارند و از این طریق به راحتی می‌توانند نیازها و هماهنگی‌های لازم را با سیاست‌های اقتصادی دولت داشته باشند. مزیت همکاری سوسیالیستی گسترده بنگاه‌های بزرگ چین باعث شده که یک بنگاه بزرگ چینی از تمامی مزیت‌های کشور مخصوصاً در جهت جهانی شدن استفاده کند.

### ویژگی رشد اقتصادی

یکی از ویژگی‌های بسیار مهمی که دولت چین از آن برخوردار است، «اجتماعی‌سازی سرمایه‌گذاری» از سوی سیستم بانکی است. سرمایه‌گذاری در اقتصاد، آثار جانبی مثبت وسیعی در سمت تقاضا و رونق بخش‌های اقتصادی دارد، اما این پیامد جانبی مثبت در محاسبات بازدهی خصوصی جایگاهی ندارد. بنابراین دولت چین به سرمایه‌گذاری اجتماعی روی آورد که در آن به جای توجه به بازدهی خصوصی سرمایه‌گذاری، به بازدهی اجتماعی آن (خلق اعتبار در جهت نفع عموم مردم) توجه می‌شود. دولت چین یک دولت کارآفرین است که ریسک سرمایه‌گذاری‌های پرخطر را بر عهده می‌گیرد و این امر به خلق فرصت‌هایی برای تولیدکنندگان منجر شده است. در واقع در تجربه توسعه و رشد اقتصادی چین، خوی سودجویی کارآفرینانه تا حد زیادی از بانک‌های سرمایه‌گذاری برمی‌خیزد. در واقع پول بانک‌هاست که در معرض خطر قرار دارد، نه کارآفرینان. در نسخه دولت توسعه‌ای، این بانک‌ها به دولت انتقال می‌یابند که در اثر آن، نمونه‌های مشخصی از «اجتماعی‌سازی سرمایه‌گذاری» رقم می‌خورد. نمونه بارز اجتماعی‌سازی سرمایه‌گذاری توسط بانک توسعه چین رقم خورده است. به‌طور مثال سرمایه‌گذاری انجام شده از سوی بانک توسعه چین عامل اصلی موفقیت آن کشور در تکنولوژی برق خورشیدی است.

بعد از سال ۲۰۱۰، بانک توسعه چین ۴۷ میلیارد دلار برای تأمین مالی ۱۵ تولیدکننده پیشتاز چینی در تکنولوژی‌های برق خورشیدی اختصاص داد. بانک توسعه چین نه تنها پذیرنده ریسک سرمایه‌گذاری است، بلکه فرصت‌های بی‌نظیری برای تولیدکنندگان از این طریق ایجاد کرده است. این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که سیاست صنعتی تحت هدایت دولتی از طریق کنترل بر روش‌های





## بنگاه‌های کوچک و متوسط در سنگاپور به سمت نوآوری سوق داده می‌شوند

### سنگاپور چگونه از شرکت‌های نوپا حمایت می‌کند؟

**گزارش بلومبرگ نشان می‌دهد که دولت سنگاپور در حال حمایت از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های کوچک و متوسط است تا ایده اقتصاد یکپارچه دیجیتال را اجرایی کند.**

ترجمه: محمد اشرفی  
منبع: بلومبرگ

جهانی نوآوری و فناوری‌های پیشرفته تبدیل شود. در همین راستا تاکنون میلیاردها دلار در این کشور صرف تحقیق و توسعه، آموزش مهارت‌های جدید به شهروندان و ایجاد یک جامعه بدون پول نقد شده است. بالاگرفتن می‌گوید تحقق هدف اقتصاد دیجیتال، برای حفظ سطح درآمد و اشتغال در بین طبقه متوسط سنگاپور بسیار حیاتی است. وی می‌افزاید: «اگر ما به این مسئله نپردازیم، در آینده شاهد از دست رفتن شغل‌ها و تحت فشار قرار گرفتن طبقه متوسط خواهیم بود. ما باید جامعه را با ابزارها و مهارت‌های جدید تجهیز کنیم و البته این کار را به‌گونه‌ای انجام دهیم که کسی جا نماند».

#### نگرانی‌های تجاری

اگرچه مخالفان و منتقدان جهانی شدن از جمله دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا معتقدند این فرآیند موجب کاهش اشتغال و درآمد طبقه متوسط خواهد شد، اما ویوین بالاگرفتنان که خود رئیس دستگاه دیپلماسی سنگاپور است، در این مورد نظر دیگری دارد. وی خاطر نشان می‌سازد: «برخلاف کشورهایی که برای حفظ مشاغل منسوخ و بلااستفاده تلاش می‌کنند، ما باید به حوزه‌هایی که در آن‌ها مشاغل جدید ایجاد می‌شود و نیز به روش‌های نوین توزیع ارزش و فرصت‌های شغلی توجه نموده و شهروندان خود را برای این امر آماده کنیم».

به گفته بالاگرفتنان، دولت سنگاپور در سال

۲۰۱۶ بودجه‌ای معادل ۱۹ میلیارد دلار این کشور (۱۴ میلیارد دلار آمریکا) را برای تحقیق و توسعه طی یک دوره پنج‌ساله تخصیص داده است. از طرفی به‌منظور تسریع روند خلق محصولات و خدمات جدید، دسترسی به پایگاه‌های داده باز نیز برای بخش خصوصی میسر خواهد شد.

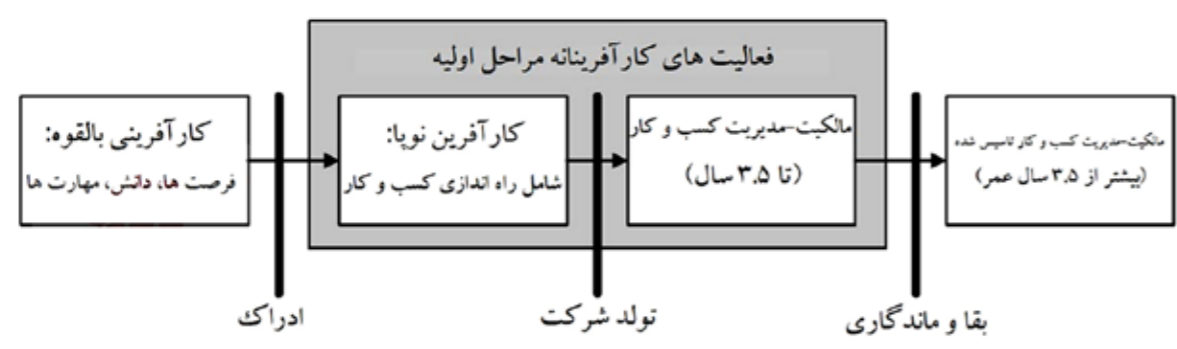
بالا بودن ضریب نفوذ اینترنت و تلفن همراه هوشمند در سنگاپور، تلاش‌های این دولت-شهر برای تبدیل شدن به یک اقتصاد دیجیتال را با موفقیت بیشتری همراه کرده و می‌تواند در ادامه موجب افزایش نرخ رشد اقتصادی آن شود. لی هسین لونگ نخست‌وزیر سنگاپور چندی پیش طی سخنرانی خود در تجمع مردمی روز ملی این کشور از هم‌وطنان خود خواست که فناوری را با آغوش باز بپذیرند. وی اذعان داشت کشورش هنوز هم راه درازی برای ساده‌سازی سامانه‌های پرداخت الکترونیک خود و تبدیل شدن به یک جامعه بدون پول نقد پیش رو دارد.

## کارآفرینی اجباری و فرصت‌محور و عوامل موثر بر آن

بوسما و استرنبرگ (۲۰۱۴) نیز در ادامه تحقیقات خود به این مهم تاکید می‌کنند که علاوه بر عوامل متعدد موجود می‌توان از بیکاری به عنوان یک علت ممکن برای هل دادن مردم به سوی کارآفرینی نام برد و در اصل، کارآفرینی اجباری با مشخصه‌های یکسانی از محیط منطقه‌ای تحت تاثیر قرار می‌گیرد که کارآفرینی فرصت‌محور و اقتصاد شهری و محلی نیز در اینجا به ایفای نقش می‌پردازند. آنها در سال‌های قبل نیز به بررسی این پدیده پرداخته بودند و در آن نیز به این مهم رسیده بودند که کارآفرینی اجباری و فرصت‌محور در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته بیشتر مطرح می‌شود و بسیاری از افراد در نمونه‌های تحقیقاتی احتمالاً دچار نوعی اغراق در بیان اینکه آنها بیشتر از اینکه درگیر فعالیت‌های کارآفرینی باشند در تعقیب یک فرصت هستند، شده‌اند زیرا در حقیقت آنها گزینه و انتخاب دیگری برای کار کردن و فعالیت نداشته‌اند. همچنین فرصت‌های کاری و به تبع آن هزینه‌های فرصت کارآفرینی، در کشورهای توسعه یافته بیشتر هستند که این به نوبه خود میزان کارآفرینی فرصت‌محور را کاهش می‌دهد.

آنها در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه بین کارآفرینی اجباری و توسعه اقتصادی در کشورهای با درآمد پایین بیشتر منفی به نظر می‌رسد در حالیکه رابطه بین کارآفرینی فرصت‌محور و توسعه اقتصادی در کشورهای با درآمد بالا مثبت می‌باشد.

کاهش یا افزایش نرخ اشتغال باعث ایجاد کارآفرینی اجباری و یا فرصت‌محور در سطح شهرها می‌شود به عبارتی به هر اندازه سطح اشتغال در یک جامعه کاهش بیاید مردم به کارآفرینی اجباری روی می‌آورند و بالعکس. در این زمینه تحقیقات مختلفی انجام شده است که موبد این مطالب می‌باشند، اکس و همکاران به تعریف این دو پدیده در حوزه کارآفرینی پرداخته و در تعریف کارآفرینی فرصت‌محور چنین می‌نویسند: «راه‌اندازی کسب و کار برای بهره‌برداری از یک فرصت درک شده در یک کسب و کار»، را کارآفرینی فرصت‌محور می‌نامند و در تعریف کارآفرینی اجباری نیز بیان می‌کنند که «راه‌اندازی کسب و کار به دلیل اینکه شما به داخل آن هل داده می‌شوید کارآفرینی اجباری تلقی می‌شود. همان‌طور که گفتیم، وقوع یک کاهش در رشد اشتغال منطقه‌ای، درگیری در انگیزش اجباری برای کارآفرین شدن را در مناطق شهری افزایش می‌دهد. اثرات مثبت نسبتاً روشنی از رشد اقتصاد منطقه‌ای برای ایجاد انگیزش فرصت‌محور در کارآفرینی پیدا شده‌اند که در مناطق شهری شناخته شده بالاتر می‌باشد؛ البته به زعم آتیو (۲۰۰۷) فرصت‌های مراحل اولیه فعالیت کارآفرینانه توانایی ترکیب هر نوع فعالیت‌های کارآفرینی شامل خوداشتغالی را دارد، که این نرخ می‌تواند شامل کارآفرینی رشد کم یا صفر شود. براساس داده‌های دیدبان جهانی کارآفرینی (GEM) نزدیک به ۵۰ درصد تمامی استارت‌آپ‌ها تلاش می‌کنند این انتظار را نداشته باشند که در طول ۵ سال اخیر بتوانند شغل جدیدی را ایجاد کنند.

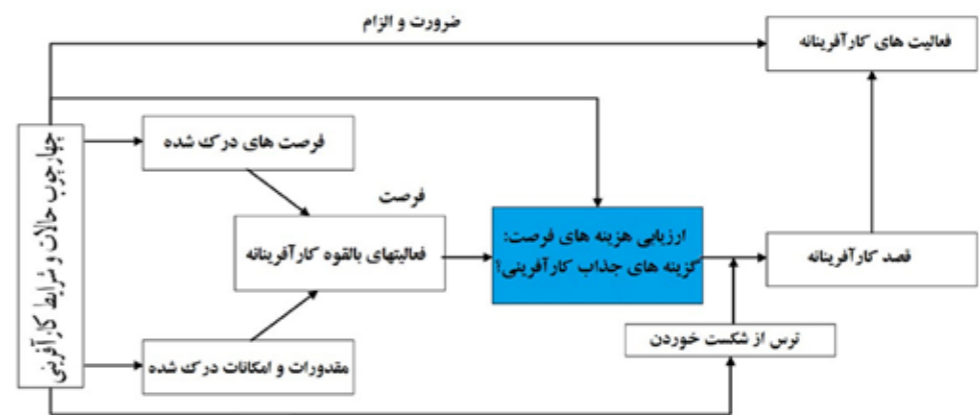


شکل ۱: مراحل رشد فعالیت‌های کارآفرینانه

بوسما و همکاران نیز به ارائه مدلی در این راستا می‌پردازند که طبق آن یک فرد کارآفرین دارای انگیزش مبتنی بر فرصت، در تبدیل شدن به یک کارآفرین با عوامل، موانع و شرایط مختلف همچون ترس از شکست، فرصت‌ها، مقدرات و امکانات و... روبرو شده و نهایتاً تصمیم خود را مبنی بر کارآفرینی می‌گیرد اما در کارآفرینی اجباری فرد به طور مستقیم و به جبر به درون کارآفرینی انداخته می‌شود به عبارتی فرد بدون توجه به بررسی عواقب کارآفرین شدن بالاچار کارآفرین می‌شود.

چهارچوب وضعیت‌های کارآفرینی منطقه‌ای و ملی، ادراکات کارآفرینی و الزامات فعالیت‌های کارآفرینی در شکل شماره (۲) نشان داده شده است:

محققان به این مهم تاکید می‌کنند که تفاوت بین کارآفرینی اجباری و فرصت‌محور در نوع انگیزش نهفته در آنها می‌باشد، به عبارتی هنگامی که کارآفرینی، از نوع فرصت‌محور می‌باشد، بیشتر جنبه انگیزشی به خود می‌گیرد، و این انگیزه‌ها بیشتر به افراد و مناطق وابسته‌اند، و به زعم آموروس و بوسما؛ کارآفرینی اجباری یا کارآفرینان اجباری (necessity) به افرادی اشاره دارد که به سمت شروع یک کسب و کار هل داده می‌شوند زیرا برای این افراد فرصت دیگری برای کار و فعالیت مطرح نمی‌شود و وجود ندارد در حالیکه آنان نیازمند یک منبع درآمدی هستند.



منبع: بوسما و همکاران (۲۰۰۸) مبتنی بر ونکوز (۲۰۰۶)

### شکل ۲: چهارچوب حالات و شرایط کارآفرینی

نتایج تجزیه و تحلیل چندسطحی بوسما و استمبرگ (۲۰۱۴) نشان می دهد که؛ در مناطق مشخص شده با رشد اقتصادی قابل مشاهده (به جای اقدامات منطقه ای شناسایی فرصتهای استارت آپ) و دارای تنوع در فعالیت های اقتصادی (بجای تخصص گرایی)؛ بیشتر کارآفرینان در مرحله اولیه دارای فرصت انگیزشی هستند.

در شاخص کارآفرینی نوپای اجباری ایران دارای رتبه ۶ با ۳۸٫۶۹ درصد بوده و پایین ترین رتبه متعلق به نروژ با ۳۳٫۵۴ درصد و بیشترین رتبه مربوط به بوسنی با ۵۰٫۸۳ درصد است. سرانجام در میان ۱۰ اقتصاد منبع محور ایران رتبه یک و اوگاندا با ۱۸٫۸۸ درصد دارای پایین ترین رتبه شاخص کارآفرینی نوپای اجباری در این نوع اقتصاد می باشند. و در شاخص کارآفرینی نوپای فرصت گرا در میان کشورها ایران حائز رتبه ۶۱ (با ۰٫۵۶ درصد) بوده است در حالی که بهترین رتبه مربوط به کشور دانمارک با ۹۱٫۰۶ درصد و بدترین رتبه متعلق به بوسنی (با ۴۸٫۴۵ درصد) است. همچنین در این شاخص، در میان ۱۰ کشور اقتصاد منبع محور ایران حائز رتبه ی ۸ و اوگاندا با ۸۰٫۸۴ درصد بیشترین و کامرون با ۵۹٫۲۳ درصد دارای پایین ترین رتبه می باشند (دفتر دیده بان جهانی کارآفرینی در ایران، ۱۳۹۵).

در ادامه اشاره ای مختصر به برخی از عواملی که موجب تحریک کارآفرینی در بستر شهرها می شود خواهیم کرد:

#### • وجود کسب و کارهای کوچک و متوسط

تاکنون برای اندازه گیری کارآفرینی شهری معیارهای مختلفی و متنوعی معرفی شده اند که هنوز توافقی قطعی در این باب صورت نگرفته است، ادوارد ال گلیسر (۲۰۰۷) در تحقیق خود از دو شاخص خوداشتغالی و متوسط اندازه شرکت برای اندازه گیری کارآفرینی شهرها استفاده کرده است. وی در این راستا بیان می دارد که شاید نرخ خوداشتغالی طبیعی ترین معیار فردی جهت اندازه گیری کارآفرینی باشد که شامل مردمی که خودشان هدایت شرکت و موسسه اشان را بر عهده دارند می شود. براساس سرشماری سال ۲۰۰۰ در آمریکا به میزان ۸۵ میلیون نفر خوداشتغال هستند. وی حضور شرکت های کوچک در صنایع تامین کننده را معیاری مهم در اندازه گیری می داند، و چیتنر ۱۹۶۱ نیز توصیه کرده است که نرخ خوداشتغالی به شدت با حضور شرکت های کوچک مرتبط است و نرخ خوداشتغالی قوی ترین ارتباط را با تامین کنندگان ورودی دارد. با اینحال باید متذکر شد که طبق یافته های بنیاد کافمن مسلما خوداشتغالی معیار ناقصی برای سنجش کارآفرینی می باشد که انبوهی از فعالیت های کارآفرینی را ارائه داده اما نمی تواند در تعیین میزان موفقیت کارآفرینان به

کار گرفته شود به عبارتی نرخ خوداشتغالی نشانگر آمار مالکیت کسب و کارهای محلی می باشد اما نمی تواند برای نشان دادن نوآوری های کارآفرینانه به کار برده شود. در هر حال این نرخ، در حال حاضر یک خروجی مرتبط و بهترین معیار آماری در دسترس، برای اندازه گیری فعالیت های کارآفرینانه براساس مکان است. در ادبیات موضوع نیز اغلب از میانگین اندازه تاسیس برای اندازه گیری کارآفرینی در شهرها استفاده شده است. از آنجایی که اکثرا کارآفرینی در ارتباط با کسب و کارهای کوچک است متوسط اندازه تاسیس ها را به عنوان پروکسی منطقی برای کارآفرینی شهرها به کار می گیرند گرچه آن ممکن است اطلاعات دیگری را مثل درجه رقابت در مناطق را نیز در بر بگیرد. در اندازه گیری کارآفرینی بر معیارهای هدایت کننده زیادی مانند: تولد کسب و کارهای کوچک در شهرها تمرکز شده، و تحقیقات جدید اهمیت کسب و کارهای جدید را در رشد اقتصادی نشان می دهد. نیاد کافمن نیز از معیارهای اندازه گیری فعالیت های کارآفرینانه به میانگین اندازه شرکت ها در مناطق اشاره کرده و نهایتا دو معیار اندازه گیری کارآفرینی، یعنی "اندازه شرکت ها و نرخ خود اشتغالی" را مورد تاکید قرار می دهد.

مطالعات متعدد نشان داده اند که در قرن ۲۱، SMEها منشا اصلی اشتغال مولد، تمهید محیط کارآفرینی، تسریع در خلاقیت و نوآوری و گشایش فرصت های نوین تجاری بوده اند. و این واحدها فضای مناسب برای اجرای ایده های کارآفرینان را فراهم می کنند. حضور نیروی کار مناسب، قوی ترین پیش بینی کننده تولد شرکت جدید و شرکت کوچک می باشد. طبق تحقیقات صورت گرفته به نظر می رسد کارکنان یک ورودی حیاتی، درون یک کسب و کار جدید باشند، اما در تحقیق گلیسر ارتباطی بین ترکیب کارگر و نرخ خود اشتغالی وجود ندارد. یک اقلیم شهری کارهای زیادی بوسیله غنای فرهنگی، تنوع اقتصادی، ارتباطات بین المللی، و مزیت های زیرساختی (آموزش و حمل و نقل) برای انجام دادن دارد که این ها در هر شهری در دسترس نمی باشند. جاکوب در کتاب (اقتصاد شهرها) استدلالی آورده که با گذشت حدود ۴۰ سال از نشر آن، هنوز با قاطعیت مورد قبول است: او بیان می دارد که شدت زیاد رقابت درون منطقه ای بین شرکت ها، نشانگر رشد بالای اقتصاد شهری است، او استدلال می کند که در نتیجه افزایش تعداد شرکت ها، ناشی از راه اندازی زیاد استارت آپ ها، رقابت افزایش خواهد یافت و در نتیجه اقتصاد منطقه ای به رشد دست خواهد یافت (خودش). اثرات خارجی مختلف بیشتر از سوی دیدگاه های ایستای مارشال رومر که بر تراکم درون صنعت (منطقه بندی اقتصادی) متمرکز است و اثرات خارجی جاکوب که دیدگاهی پویا در تمرکز بر تراکم درون صنعت دارد (اقتصاد شهر محور)، مورد تاکید است.

طبق تحقیقات صورت گرفته یک رابطه منفی قوی بین رشد اشتغال در مادرشهرها و میانگین اندازه شرکت ها وجود دارد، این رابطه منفی هم در محیط های شهری و هم در داخل محیط های شهری که بوسیله صنعت ایجاد شده اند دیده می شود. نتیجه اینکه هرچقدر کارآفرینی بیشتر تکرار می شود (سقوط اندازه شرکت ها)، اشتغال رشد سریعتری پیدا می کند و یک رابطه مثبت و قوی بین رشد اشتغال شهری و نرخ خود اشتغالی در نواحی مختلف شهری وجود دارد، گرچه این رابطه در سطح صنعتی به وضوح دیده نمی شود. ورود شرکت های جدید و خروج ناگزیر هر یک از آنها و گردش منابع شرکت ها اثرات قوی تری از رقابت شرکت های متصدی، بر نوآوری و بهره وری منطقه ای می گذارد. اکثر شرکت هایی که در نواحی وابسته به اقتصاد کل قرار گرفته اند از شرکت هایی که در نواحی احتمالی دیگر قرار گرفته اند کارآفرینانه تر هستند و ممکن است این استنباط بشود که هرچقدر در یک ناحیه متوسط اندازه شرکت ها؛ کوچکتر باشند به همان میزان کارآفرینی بیشتر باشد.

#### • میزان مالیات

از عوامل دیگر موثر بر کارآفرینی شهری می توان به عامل مالیات و سطوح آن اشاره کرد. در ایالات و محلات نیز سطوح مختلف مالیات بر درآمد و فروش و دارایی وجود دارد و سطوح کلی این مالیات ها و ساختار نرخ مالیاتی فاکتورهای مهمی اند که بر راه اندازی و رشد کسب و کارهای جدید تاثیر می گذارد. مطابق تحقیقات با پیشرفت سیستم مالیاتی، پرداخت مالیات مورد انتظار برای مشاغل دارای انحراف زیاد افزایش می یابد، بر این طبق، پیشرفت سیستم مالیاتی گرچه ممکن است عادلانه باشد اما آن به احتمال زیاد به عنوان مجازاتی برای کارآفرینان مطرح می شود. در واقع چون صاحبان کسب و کارهای کوچک می توانند راه های کم کردن مخارج شخصی، همانند مخارج کسب و کار را پیدا کنند نرخ بالای مالیات محلی می تواند به نرخ بالای خوداشتغالی منجر شود گرچه احتمالا اگر در صورت اندازه گیری کارآفرینی با معیارهای مختلف، نتایج مختلفی نیز بدست می آید. اهمیت متعادل نگه داشتن نرخ مالیاتی، برای کارآفرینان فرض مطمئنی است همانگونه که برای فعالیت های اقتصادی بسیار گسترده مهم است. همانگونه که ذکر شد کارآفرینی تحت تاثیر مالیات بر کسب و کارها بوده و نرخ بالای مالیات بر کسب و کار موجب کاهش جذابیت کارآفرینی شده و بالعکس نرخ کم مالیات بر کسب و کار، کارآفرینی را جذابتر می سازد. به زعم گولسبه (۲۰۰۰) نیز مالیات بر فروش محلی، آینده جذابی شبیه مالیات بر مصرف دارد که برخی از انگیزه های صرفه جویی و ذخیره را کاهش می دهد. گرچه در عصر اینترنت، مالیات بر فروش محلی می تواند مردم را از فروشگاه های محلی دلسرد کند که این ممکن است متعاقبا موجب کاهش میزان فعالیت های خرده فروشی کارآفرینانه در سطح محلی شود. برخی شواهد جدید نشان می دهد که معافیت های مالیاتی شرکت های خاص، در واقع توانایی جذب شرکت ها یا کارخانه ها به مکان های خاص و معین را دارد گرچه دو ایراد برای مشوقهای مالیاتی شرکت های خاص وجود دارد: اولاً آنها به جای دلایل کاملا اقتصادی، مساعد سیاسی شناخته شدن هستند، و ثانياً آنها ویژگی و مشخصه حاصل جمع صفر را دارند. بخاطر این دلایل ایالت ها و محلات باید از سیاست های مالیاتی کم برای شرکت های خاص استفاده کنند. قویترین اجماع درباره دوره های سیاستی مناسب در عرصه های نظارتی اتفاق افتاده که در آنجا سوده های قابل توجهی از اتخاذهای سریع و فرایند ساده سازی مصوبه های قانونی بوجود آمده است که دلایلی برای علاقه به محدودیت های مالیات تصاعدی در سطوح ایالتی و محلی وجود دارد و حتی سیستم قیمت گذاری ترافیکی نیز می تواند گامی

سازنده در تسریع حمل و نقل که از عوامل موثر کارآفرینی شهری هست، باشد.

#### • اقتصاد محلی

محلی سازی اقتصاد و توسعه اقتصاد محلی من جمله عواملی می باشد که می تواند بر توسعه و رشد شهرها و متعاقبا نرخ کارآفرینی تاثیر بگذارد. به زعم بوسما و استرنبرگ محلی سازی اقتصاد چهار تاثیر مثبت بر شرکت های جدید کارآفرین می گذارد که این موارد عبارتند از:

- کارآفرینان با حداقل توان بالقوه، موفق می شوند تا به ورودی های خاصی که برای تولید محصول جدید مورد نیاز است دسترسی پیدا کنند.
- رقابت قوی در یک خوشه با چندین شرکت در صنعتی یکسان ممکن است نتیجه کیفیت بالای شرکت ها و محصولات اشان باشد (بلکه در نرخ پایین تر بقاء استارت آپ ها.
- کارآفرینان ممکن است از مدل های ارائه شده به وسیله کارآفرینان دیگر در بسیاری از سایر صنایع و مکان های یکسان و در نتیجه اثرات ناشی از یادگیری های مرتبط، منافی به دست آورند.

• اقتصاد محلی ممکن است به ایجاد تقاضا برای محصولات جدید کارآفرینی که غالباً بازار محصولات جدیدش را واقعاً نمی شناسد کمک کند. ادوارد گلیسر (۲۰۱۳) در مطالعه خود بر شهرهای آمریکا به بررسی میزان خوداشتغالی به عنوان نشانه ای از کارآفرینی که در صنایع مختلف مشغول هستند پرداخت و سهم هریک از صنایع را در میزان اشتغال و خوداشتغالی را مشخص کرد که صنعت "مدن، خدمات رفاهی و ساخت و ساز" و صنعت "خدمات اطلاعاتی نیازمند مهارت بالا" هر کدام با اختصاص ۱۵٫۳۶ و ۱۹٫۵۶ درصد از کل افراد خوداشتغال در آمریکا بیشترین میزان خوداشتغالی را در بین صنایع مختلف به خود اختصاص داده اند به عبارتی ۳۴٫۹۲ درصد از افراد خوداشتغال در آمریکا در این صنایع مشغول به فعالیت بوده اند و این در حالی بود که میزان افراد مشغول به فعالیت در این صنایع روی هم رفته به ۲۰٫۸۲ درصد می رسید.

نکته قابل توجه در این نتایج سهم کم فعالیت های تولیدی با مهارت اندک و بالا در میزان خود اشتغالی بود که این دو با اینکه ۱۸٫۵۹ درصد افراد شاغل را در خود جای داده بودند تنها ۶٫۷ درصد خوداشتغالی را به خود اختصاص داده بودند. نکته دیگر موید این مطلب بود که تنها بالا بودن مهارت در افراد نمی تواند به خوداشتغالی ختم شود آنگونه که از تحقیق می توان استنباط کرد اینکه مهارت در چه صنعتی است خود از اهمیت بیشتری نسبت به خود مهارت برخوردار است به نحوی که نرخ خود اشتغالی در بین افراد ماهر در صنایع تولیدی تنها ۰٫۸۶ درصد بود در صورتیکه میزان خوداشتغالی در بین افراد ماهر در حوزه خدمات اطلاعاتی به ۸٫۲۵ درصد می رسید و حتی این میزان در بین افراد کم مهارت این حوزه به ۴٫۷۴ درصد می رسد که از میزان خوداشتغالی در افراد ماهر صنایع تولیدی بسیار بالاتر است.

منابع:

دفتر دیده بان جهانی کارآفرینی در ایران. (۱۳۹۵). گزارش برنامه پژوهشی ارزیابی شاخص های کارآفرینی در ایران بر اساس مدل دیده بان جهانی کارآفرینی. تهران: دیده بان جهانی کارآفرینی GEM.

همه می‌خواهند بدانند مسیر آینده کجاست؟ افق طلوع اقتصاد در انزوای ایران کجاست؟ در این مقاله به موقعیت امروز اقتصاد ایران و خاستگاه رشد آن اشاره شده است؛ با هم بخوانیم.

علی سرزعی، اقتصاددان

همه می‌دانند که اقتصاد ایران در دوره تحریم با افت نسبتاً شدیدی مواجه شد و انتظار می‌رفت که با رفع تحریم، اقتصاد بتواند به مسیر رشد خود بازگردد. کاهش شدید قیمت نفت در سال ۱۳۹۴ و ماندگاری قیمت نفت در ارقام پایین نشان از آن داشت که دیگر نمی‌توان به افزایش درآمدهای حاصل از صادرات منابع نفت و گاز امید بست. تنها روزنه امید در این بخش از محل افزایش صادرات نفت بود که در سال ۱۳۹۵ محقق شد و ایران توانست با بازپس‌گیری بازارهای نفتی خود رشد اقتصادی بالایی را در آن سال تجربه کند. سؤالی که پیوسته پیش روی اقتصاددانان قرار دارد آن است که آینده رشد اقتصادی ایران چگونه خواهد بود وقتی که نه امیدی به افزایش قیمت نفت هست و نه امیدی به افزایش ظرفیت تولید و صادرات نفت؟



## خاستگاه رشد اقتصادی آینده ایران کسب‌وکارهای نوین، سرآغاز رشد اقتصاد ایران

در چنین فضایی البته طبیعی است که نگاه‌ها متوجه سرمایه‌گذاری خارجی شود و مسئولان تصور کنند که سرمایه‌گذاری خارجی شاید بتواند راه‌گشای مسیر رشد اقتصادی ایران باشد. این تصور با توجه به چندین واقعیت منطقی به نظر می‌رسد اما به شرحی که گفته خواهد شد نگاه کافی و صددرصد درستی نیست. وقتی که اقتصاددانان می‌خواهند منابع رشد را در سطح کلان دسته‌بندی کنند معمولاً به پنج خاستگاه اشاره می‌کنند:

(۱) افزایش سرمایه‌گذاری

(۲) افزایش عرضه نیروی کار

(۳) افزایش سرمایه انسانی یعنی آموزش

(۴) ارتقای سطح تکنولوژی

(۵) افزایش بهره‌وری کل عوامل.

به عبارت دیگر گفته می‌شود که برای تولید در سطح کلان به سرمایه و نیروی کار نیاز است و آموزش موجب افزایش بهره‌وری نیروی کار و ارتقای سطح تکنولوژی موجب ارتقای بهره‌وری سرمایه خواهد شد و دیگر عوامل مؤثر در رشد در بهره‌وری کل عوامل طبقه‌بندی می‌شود. حال اگر با این چارچوب نظری به عملکرد رشد اقتصادی ایران در سه دهه گذشته نگاه کنیم متوجه می‌شویم که رشد اقتصادی محقق شده عمدتاً از محل افزایش سرمایه‌گذاری بوده که به مدد درآمد نفت میسر شده است. متأسفانه هرم جمعیتی و افزایش سال‌های تحصیلات نتوانسته تأثیر چندانی در رشد اقتصادی ایران داشته باشد. حال اگر تصور این باشد که در سال‌های آینده درآمد نفت پایین خواهد بود نمی‌توان امید داشت که اقتصاد ایران در آینده بتواند رشد اقتصادی را از نوعی که در گذشته تجربه می‌کرده دوباره تجربه کند. باید به خاطر داشت که سرمایه‌گذاری‌های موجود به شکل راه، پل، بیمارستان، دانشگاه و ماشین‌آلات نیز به تدریج دچار استهلاک می‌شود و سرمایه‌گذاری دولتی در آینده عمدتاً صرف جبران سرمایه‌گذاری‌های موجود خواهد شد و منابع چندانی برای سرمایه‌گذاری‌های جدید باقی نخواهد ماند. با این تحلیل عده‌ای به ضرورت سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان راهی برای برون‌رفت از این مشکل نگاه می‌کنند. به اعتقاد آنها سرمایه‌گذاری خارجی موجب می‌شود تا هم میزان سرمایه‌گذاری افزایش یابد و هم سطح تکنولوژی در کشور ارتقا پیدا کند و هر دو در رشد اقتصادی مؤثر خواهند بود. در ارزیابی این دیدگاه باید گفت که این نگرش درست است اما کافی نیست و به اعتقاد این‌جانب اقتصاد ایران می‌تواند رشد خود را از محل دیگری نیز تأمین کند. آن محل کجاست؟

قبل از اینکه پاسخ این سؤال را بدهم بد نیست به یک واقعیت جالب در اقتصاد آمریکا اشاره کنم. همه می‌دانند که عملکرد اقتصاد آمریکا در دهه ۹۰ میلادی بسیار ممتاز بود. برای اقتصاددانان این سؤال مطرح بود که خاستگاه رشد اقتصادی آمریکا در این مقطع چه بوده است؟ پاسخی که در ابتدا به ذهن می‌رسید این بود که تکنولوژی اطلاعات موجب این رشد شدید اقتصادی شد. اما این پاسخ که در نگاه اول بسیار درست و منطقی می‌نماید در یک نگاه عمیق‌تر دچار اشکال است زیرا به قول رابرت سولو - برنده جایزه نوبل و پدر نظریه‌های رشد - کامپیوترها روی میزها بود ولی در فرآیند تولید قرار نداشت. بنابراین کامپیوتر نمی‌توانست این رشد را ایجاد کند. پس خاستگاه رشد اقتصادی آمریکا در دهه ۹۰ چه بود؟ استیگلیتز پاسخ این سؤال را در کتاب درسی خود به نقل از یک گزارش از شرکت مکنزی آورده است. این گزارش می‌گوید که رشد اقتصادی آمریکا از جایی رخ داد که هیچ‌کس فکرش را نیز نمی‌کرد! فروشگاه‌های زنجیره‌ای والت‌مارت. این فروشگاه‌های زنجیره‌ای شیوه‌ای برای توزیع و

فروش در پیش گرفتند که موجب شد بهره‌وری به شدت افزایش یابد و این امر اثرات خود را در کل اقتصاد بزرگ آمریکا بر جای گذارد.

این نکته مهم چه درسی برای اقتصاد ایران دارد؟ آیا اقتصاد ایران از جایی که کمتر به آن توجه شده می‌تواند رشد کند؟ پاسخ این‌جانب مثبت است. اقتصاد ایران در آینده رشد خود را از جایی که کمتر کسی به آن فکر کرده بود کسب خواهد کرد و آن چیزی نیست جز عرصه اینترنت و فناوری‌های فضای مجازی. ایجاد دیجی کالا، اسنپ، تپسی، کاریپنو، مامان‌پز، چیلیوری و دیگر برنامه‌های آنلاین در ایران موجب شده تا همان سرمایه‌های موجود در اقتصاد به شکل بسیار کارآمدتری مورد استفاده قرار گیرد. در گذشته مسافرها و خودروها بودند اما وقتی اسنپ آمد موجب شد تا یک بازی برد-برد در اقتصاد شکل گیرد که هم مردم و هم صاحبان خودرو منتفع شدند. این برنامه اینترنتی بهره‌وری را به سهم خود افزایش داد. مهم‌تر از همه روحیه یأس و ناامیدی را که نسبت به اقتصاد ایران وجود داشت در هم شکست و کسانی را که دچار غرولندهای افراد مایوس مبنی بر بی‌عاقبت بودن اقتصاد بودند متحول کرد و نشان داد که می‌توان در همین اقتصاد نیز کار بزرگ کرد و از همین اقتصاد درآمد خوبی حاصل کرد. اینک جامعه جوان ایران دیگر امید خود را به بخش دولتی و سیاست‌های آن وابسته نکرده است بلکه دارد می‌آموزد که می‌توان با کارآفرینی شغل ایجاد کرد و به درآمد مقبولی دست یافت. بی‌تردید گسترش این روحیه موجب انفجار کارآفرینی در اقتصاد ایران خواهد شد و خواهد توانست متغیر بهره‌وری را در اقتصاد ایران افزایش دهد. یکی از سرکوفت‌هایی که پیوسته به ایران زده می‌شد این بود که کشورهایی مثل چین و کره جنوبی بخش مهمی از رشد خود را از محل افزایش بهره‌وری کسب کرده‌اند ولی ایران در گذشته قادر به این کار نبوده است. اینک می‌توان گفت که می‌توان امید داشت اقتصاد ایران در آینده از این محل رشد خوبی را تجربه کند. اهمیت این رشد در آن است که رشدی باکیفیت است و متکی به درآمد نفت نیست!

شاید اشاره به این واقعیت نیز بد نباشد که برخلاف آنچه عموم مردم تصور می‌کنند معجزه رشد اقتصادی چین عمدتاً محصول سرمایه‌گذاری خارجی نبوده است. سرمایه‌گذاری خارجی در چین قطعاً نقشی در رشد اقتصادی این کشور داشته اما عامل اصلی این امر نبوده است. علت رشد اقتصادی چین تحولاتی بود که درون این اقتصاد رخ داد و بهره‌وری را در آنجا بالا برد. شیوه‌های نظیر مسیرهای دوگانه (DUAL TRACK) موجب شد تا اقتصاد چین نخست رشد درون‌زایی را تجربه کند و بعد سرمایه‌گذاری خارجی در واکنش به این رشد درون‌زا متوجه این اقتصاد شد.

حال یک بار دیگر این سؤال را مطرح می‌کنیم که آیا امیدی به آینده اقتصاد ایران هست؟ پاسخ من مثبت است. اقتصاد ایران در اثر کارآفرینی‌هایی که جوانان‌های آن زده شده می‌تواند رشد درون‌زایی را تجربه کند که ناشی از افزایش بهره‌وری است و البته می‌توان انتظار داشت که سرمایه‌گذاری خارجی در واکنش به این رشد درون‌زا متوجه اقتصاد ایران شود. لذا می‌توان به آینده امیدوار بود و این امیدواری مبنای قابل دفاعی دارد.

# ملی کردن ها اثر مثبت نداشت

**بررسی عواقب ملی شدن بانکها و صنایع در گفت و گو با علی اصغر سعیدی**  
اگرچه دلیل ملی شدن ها زدودن رانت و وابستگی آنها، آن طور که ادعا می شود، به دربار و کشیدن پای امپریالیست ها به ایران بود، اما مطالعات بعدی نشان داد که در بیشتر صنایع بزرگ، خانواده سلطنتی و دربار حتی یک سهم هم نداشتند، یا سهامدار عمده نبود.



ملی کردن بانکها و صنایع که یکی از اقدامات انقلابی شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ است و در بدو روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی رخ داد، مساله ای مناقشه انگیز در تمام سال های پس از آن بوده است. رویکردی که در ابتدا با بیشترین حمایت های نظری و عملی مواجه بود و هرچه گذشت، اشتباه بودن و اثرات سوء اقتصادی آن بیشتر نمایان شد. علی اصغر سعیدی، جامعه شناس و پژوهشگر اقتصادی که مطالعات زیادی در رابطه با صاحبان صنایع ملی شده انجام داده است، معتقد است شرایط بعد از انقلاب به گونه ای بود که کمتر کسی یارای مخالفت با ملی شدن را داشت و اگر هم مانند برخی سران دولت موقت نقدی داشت، آن را در جلسات خصوصی بیان می کرد. در شورای انقلاب نیز تنها مرحوم هاشمی و آقای خامنه ای بودند که با ملی کردن صنایع به طور آشکار مخالفت کردند. سعیدی با اشاره به موقعیت خوب صنایع بزرگ کشور در آن دوره می گوید بخش عمده ای از صنایعی که ملی شده، صاحبانش نه درباری بودند و نه ارتباطی سازمانی با دربار داشتند اما موج ملی کردن یا دولتی سازی پس از انقلاب با فشار چپگرایان و مارکسیست ها دامن آنها را نیز گرفت.

**فرآیند ملی شدن در ایران در آستانه انقلاب و برای زدودن آثار رژیم قبل و به اصطلاح بازگرداندن اموال رانتی از درباریان و نزدیکان رژیم، به مردم صورت گرفت. این استدلال تا چه اندازه درست و قابل قبول بود؟**

ظاهراً دلایلی که برای ملی کردن ها ذکر می شد همین ها بود. طبق قانون حفاظت از صنایع، اکثر صنایع مشمول بند ب ماده اول این قانون شدند. اینها صنایع و معادن بزرگی بودند که ادعا می شد صاحبان آنها از طریق روابط غیرقانونی با رژیم گذشته و استفاده نامشروع از امکانات به ثروت های کلان رسیده اند و دولت مدیریت آنها را در اختیار گرفته بود. اما مساله ملی شدن بانکها و صنایع پیچیده تر از این است و قضاوت در مورد آن نیازمند تحقیق مفصلی است. دلایل و علل بسیاری را می توان ذکر کرد مثلاً نقش برخی افراد و کنش های روزمره شان در آن ایام بسیار مهم است. اما ممکن است خود این افراد بگویند که آنها هم تحت تاثیر علل و جریانات دیگری بوده اند. با همین استدلال ها دولت موقت و شورای انقلاب مجبور شد صنایع بزرگ و بانکها را ملی کند. اساساً حربه وابستگی به رژیم گذشته هم برای تثبیت قدرت به کار گرفته می شد و نیروهای چپ هم از این شعار برای متزلزل کردن دولت موقت و رادیکال کردن تصمیمات شورای انقلاب استفاده می کردند. البته اگرچه دلیل ملی شدن ها زدودن رانت و وابستگی آنها، آن طور که ادعا می شد، به دربار و کشاندن پای امپریالیست ها به ایران بود، اما مطالعات بعدی نشان داد که در بیشتر صنایع بزرگ، خانواده سلطنتی و دربار حتی یک سهم هم نداشتند یا سهامدار عمده نبودند، مانند گروه صنعتی بهشهر، صنعتی پارس، گروه صنعتی ملی، ایران ناسیونال، پارس الکتریک، گروه صنعتی مینو، شرکت ارج، آزمایش و دهها کارخانه و شرکت دیگر. برخی نیروهای انقلابی نیز غیر از وابستگی این صنایع به دربار معتقد بودند این صنایع وابسته هستند و پای امپریالیسم آمریکا را به ایران باز کرده اند. اصطلاحاتی مانند صنایع مونتاز، صنایع مصرفی و... بسیار به کار می رفت تا نشان دهد که صاحبان این صنایع هیچ کار بزرگی نکرده و گویا یک شبه به این مرحله رسیده اند. استدلال دیگری هم که مورد تأیید یکی



## مدیرعامل بزرگترین شرکت های سال 2017 چرا برکنار شدند؟

فوربز منتشر کرد

**مارک فیلدز (Ford)**  
فیلدز ۲۵ سال در شرکت فورد کار کرده است، قبل از اینکه در سال ۲۰۱۴ مدیرعامل این شرکت شود. در سه سال گذشته فروش رشد کرده است. اما سهم بازار ضعیف شده و سهام فورد هم ۴۰ درصد کاهش داشته است.

بیل فورد، رییس اجرایی می گوید اعتماد به رهبری فیلدز از بین رفته است و شرکت به حرکت سریعتری نیاز دارد تا بتواند با تکنولوژی های جدید مانند خودروهای الکتریکی و خودران همگام شود. فورد در ماه می سال جاری، فیلدز را اخراج کرد و به جایش جیم هکت را نشانید. هکت رییس سابق واحد تحرک هوشمند است که در اشکال جدید حمل و نقل مانند راندگی خودران متمرکز است.

### جف املت (GE)

بعد از اینکه در سال ۲۰۰۱، جک ولش از GE رفت، املت جایگزین او شد. طی ۱۵ سال او تغییرات استراتژیک بزرگی انجام داد و هزینه ها را کاهش داد. در بخش خودروهای بیمارستانی، سرویس موتور جت و نفت و گاز متمرکز شد.

اما پس از بحران مالی، فروش لغو شد و این وضعیت تا سال ۲۰۱۵ هم ادامه پیدا کرد. از ماه ژوئن سال جاری که شرکت از خروج املت صحبت کرد، سهام آن تقریباً ۲۵ درصد کاهش یافت. شرکت، جان فلانری پیشکوست را جایگزین املت کرد.

### تراویس کالانیک (Uber)

بعد از اینکه او بر در سال ۲۰۰۹ تاسیس شد، کالانیک آن را توسعه داد. زمانی که او داشت او بر را شهرهای تازه راه اندازی می کرد، به طور مستمر با تاکسی ران ها و دولت های محلی با چالش مواجه بود. او مبارزات سیاسی برای نفوذ در افکار عمومی را آغاز کرد. کالانیک کار می کرد تا او بر رشد کند به چشم انداز ۶۸ میلیارد دلاری برسد.

اما در ماه فوریه، سوزان فاولر، مهندس سابق او بر در وبلاگ خود درباره فرهنگ جنسیتی در این شرکت نوشت. به مرور مشکلات بیشتری گریبان گیر او بر شد. گوگل از او بر شکایت کرد. وزارت دادگستری آمریکا هم استفاده او بر از نرم افزاری برای جلوگیری از اجرای قانون را تحت بررسی قرار داد. کالانیک تحت فشار سرمایه گذاران در ماه ژوئن کنار گذاشته شد. در ماه آگوست، دارای خسرو شاهی، مدیرعامل سابق Expedia، جایگزین کالانیک شد.

سال ۲۰۱۷، مدیرعامل چند شرکت بزرگ اخراج یا از سمت خود استعفا دادند. بخوانید تا بدانید این مدیرعامل ها چه کسانی بودند.

فرهنگ سمی سازمانی، اختلال صنعت خودرو، تغییر چشمگیر در سلیقه مصرف کنندگان، از جمله دلایلی است که باعث شده مدیرعامل های برجسته سال ۲۰۱۷ شغل های خود را ترک کنند. اینجا برخی از قابل توجه ترین مدیرعامل ها آورده شده اند.

### اورسلا برنز (Xerox)

بعد از رشد پروژه های مسکن عمومی در شرق منهتن در سال ۱۹۸۰، برنز کار خود به عنوان کارآموز در شرکت Xerox آغاز کرد. او ۲۹ سال بعد مدیراجرایی شد و اولین زن سیاه پوستی بود که یک شرکت S&P ۵۰۰ را مدیریت کرد. تحت نظارت او از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱، درآمد شرکت ۵۰ درصد رشد کرد و به ۲۳ میلیارد دلار رسید. اما درآمد تا پایان سال ۲۰۱۵ به ۱۸ میلیارد دلار کاهش یافت. سال بعد، Xerox کسب و کار خود را به دو شرکت با دو مدیراجرایی به نام های جف جاکوبسون و آشوک وموری تقسیم کرد. برنز، در تابستان امسال درباره استعفای خود گفت: من نمی دانم که چرا مردم در برابر کسی که کاری را هشت یا ده سال انجام داده و حالا می خواهد آن را تغییر دهد، شوکه می شوند.

او سمت مدیرعاملی را ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۶ ترک کرد و امروز هیچ زن سیاه پوستی در ۵۰۰ شرکت برتر ایالات متحده وجود ندارد.

برنز معتقد است که جوامع، مدارس و شرکت های آمریکایی می تواند به زنان رنگین پوست کمک کنند تا بتوانند پست های بالای شغلی را به دست آورند. او همچنین شرکت Xerox را به خاطر توانمند ساختن او در رسیدن به ریاست سازمان تشکر می کند. او گفت: ما باید افراد Xerox تبریک بگوییم و به آنها مدال بدهیم.

### میکی درکسلر (J. Crew)

قبل از J. Crew، درکسلر یک شغل نوزده ساله در Gap داشت. او پس از رکود فروش در Gap اخراج شد و در سال ۲۰۰۲ هم به J. Crew پیوست. درکسلر بهترین ارائه عمومی اولیه را در سال ۲۰۰۶ داشت، اما شرکت این اواخر با مشکل مواجه شده است. شرکت با انقلاب خرده فروشی آنلاین تطبیق پیدا نکرده است.

درکسلر در ماه می گفت: من هرگز سرعت تغییرات را چنان چه امروز حاکم است، پیش بینی نکرده بودم. اگر می توانستم به ۱۰ سال قبل برگردم، شاید بعضی اقدامات را زودتر انجام می دادم. درکسلر اعلام کرده که در ماه آینده کناره گیری می کند. سخنگوی شرکت هم گفته است که برنامه ریزی برای جانشینی او از یک سال گذشته آغاز شده است.

دو تن از اقتصاددانان هم بود مدیریت این صنایع بود.بیشتر چپگراها می‌گفتند بهترین مدیریت توسط خود کارگران انجام می‌شود. بنابراین، نیروهای انقلابی چه مارکسیست‌ها و چه چپگرایان مسلمان سفت و سخت هر استدلالی می‌آوردند تا صنایع و بانک‌ها را ملی کنند. در آن روزها هر اقدامی صورت می‌گرفت تا ملی کردن صنایع عملی شود. استفاده از برخی از کالاها که تحت لیسانس ساخته می‌شد نوعی عمل ضدانقلابی دانسته می‌شد چه آن کالا پودر بیچه یا شیر نستله باشد یا لباس‌های ساخته‌شده از الیاف مصنوعی یا خمیردندان کلگیت یا تیغ ژیلت. یکی از مدیران شرکت‌های ملی‌شده تعریف می‌کرد که به او گفته بودند که در کشوری که انقلاب شده پفک نمکی نباید خورد و او می‌گفت من از کار خودم شرم‌منده بودم. تولید بسیاری کالاها متوقف شد مانند تولید برخی کفش‌ها که این‌طور تلقی می‌شد که مصرف امپریالیستی است. به هر حال با طرح این شعارها این کار بالاخره انجام شد و در سال‌های بعد پیگیری شد و ادامه هم پیدا کرد. از نظر نیروهای انقلابی وجود هر نوع رابطه‌ای بین صاحبان صنایع و رژیم گذشته مذموم بود.

**وقتی ملی‌کردن‌ها اجرا شد چه عکس‌العملی از سوی نیروهای انقلابی صورت گرفت؟**

وقتی خبر ملی کردن صنایع منتشر شد تمامی رسانه‌ها از این خبر خوشحال شدند. مثلاً روزنامه کیهان که در آن موقع بسیاری روشنفکران و نویسندگان نامدار با آن همکاری می‌کردند در یادداشت روزش نوشت که « ملی کردن صنایع گامی در جهت حاکمیت مستضعفین، حرکت آرام ولی پرحلاکت و انقلابی شورای انقلاب و دولت موقت است که هر روز با رو کردن برگی از ثمرات انقلاب اسلامی ماهیت خود را برای توده‌ها نشان می‌دهد». همچنین نظر این روزنامه این بود که رژیم پهلوی عملاً امکان رشد سرمایه‌های ملی را برای امور تولیدی از بین برد و راه را برای سلطه سرمایه‌های خارجی بر ایران هموار کرد و نوشت که وجود اخوان‌ها، رضایی‌ها، برخوردارها، لاجوردی‌ها و خسروشاهی‌ها نمایانگر محرومیت خلق ایران به وسیله این خیانتکاران به ملت است.البته مطالعات بعدی نادرستی بسیاری از این گفته‌ها را نشان داد به ویژه در مورد خانواده لاجوردی‌ها، برادران برخوردار، خانواده ایروانی، خانواده‌های خسروشاهی، خانواده ارجمند و بسیاری از صاحبان صنایع که کارخانه‌هایشان ملی شد. بعد از اعلام ملی شدن صنایع مسوولان هم از این مساله حمایت کردند. مثلاً مهندس بازرگان در مصاحبه‌ای گفت صناعیی هستند که صاحبان شکم‌گنده دارند که اینها اگر شکم‌شان با زحمت خودشان گنده شده بود اشکالی نداشت ولی شکم اینها با زحمت دیگران پر شده است. ملاحظه می‌کنید که جو انقلاب چنان علیه صنایع بزرگ بخش خصوصی سنگین

بود که کسی نمی‌توانست از مالکیت خصوصی دفاع کند حتی مهندس بازرگان برخلاف میلش مجبور شد موضع‌گیری کند. برای اینکه ماها تحت فشار بود و تمام کسانی که او را متهم به محافظه‌کاری و حرکت آهسته می‌کردند او را یک انقلابی می‌دانستند. البته عده‌ای هم مانند نیروهای مارکسیست و نیروهای مسلمان روزنامه امت به این هم راضی نبودند و ملی کردن همه صنایع را درخواست می‌کردند و در مورد شرکت‌های ملی‌شده نیز تردید داشتند کاری صورت گرفته باشد و مرتباً درخواست می‌کردند عمال کارفرما باید از کارخانه‌ها بروند.منظور اینها تمامی مدیران حرفه‌ای بودند که قبلاً در این کارخانه‌ها کار می‌کردند. این حربه که صاحبان صنایع بزرگ وابسته به دربار بودند استدلال کارسازی بود که بعدها هم به کار برده شد. بعدها در زمان دولت مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی نیز مطرح شد و واکنشی به دعوت از کارآفرینانی بود که اموال‌شان مصادره شده بود. یعنی می‌گفتند اگر آنها برگردند نظام شاهنشاهی نیز برمی‌گردد چون آنها را وابسته به هم می‌دانستند. این استدلال هیچ مبنای منطقی و جامعه‌شناختی نداشت چون مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که صاحبان صنایع بزرگ اگرچه از اقشار مسلط جامعه بودند اما تعلق طبقاتی به شاه نداشتند.

**آیا ملی کردن‌ها، چه در حوزه نظام بانکی، چه صنایع، مراتع و معادن در کنار خیل موافقان، مخالفان صریحی هم داشت؟ استدلال مخالفت آنها چه بود و چرا نتوانستند انقلابیون را برای عدم مصادره قانع کنند؟**

البته از نظر فقهی و شرعی موضع‌گیری‌هایی شده بود که در فضای رادیکال و انقلابی این صداها به گوش کسی نمی‌رسید.بعد‌از‌اعلام ملی کردن صنایع امام خمینی ضمن حمایت از این برنامه اضافه کردند که اسلام مالکیت را به‌طور مالکیت مشروع تثبیت کرده‌است.ایشان حتی گفتند اینجامملکت اسلامی است، کمونیستی نیست که دولت هرچه بخواهد بکند، مملکت اسلامی است و مالکیت را به رسمیت می‌شناسد. این‌طور نیست که هر کس کارخانه داشته باشد از او بگیرند. این مساله جای امیدواری داشت اما کار از کار گذشته بود. آقای مهندس سحابی در خاطراتش می‌گوید رهبری و مرحوم هاشمی‌رفسنجانی تنها کسانی بودند که در شورای انقلاب مخالف ملی شدن صنایع بودند. عده‌ای هم مخالف بودند اما نظرشان را به صراحت نمی‌گفتند.

**نظر تجار و بازاریانی که طرفدار انقلاب بودند و در نهادها همکاری می‌کردند چه بود؟**

البته آنها به طور صریح موضع‌گیری نکردند. عده‌ای حتی معتقدند ملی شدن صنایع بزرگ از سوی آنها انجام شده و آنها بودند که فهرستی از صاحبان صنایع تهیه کردند تا اموال‌شان مصادره

داده بودند که برخی از بانک‌ها که سهامدار خارجی دارند ملی نشوند تا تکلیف بدهی‌شان روشن شود اما مقامات سراسیمه این نوع بانک‌ها را ملی کردند و بدهی‌شان به گردن دولت افتاد. بعد هم آنها مبلغ سهامشان را از طریق دادگاه لاهه وصول کردند. البته این در مورد صنایع ملی‌شده هم رخ داد و تقریباً همه سهامداران خارجی مطالبات‌شان را وصول کردند. در مورد راه‌حل آلترناتیو هم برخی صاحبان سرمایه معتقد بودند که دولت اجازه بدهد تا مدیریت در دست آنها باشد و تنها مالکیت دولتی شود. این پیشنهاد هم پذیرفته نشد.البته این پیشنهاد خوبی بود و آنها در عمل این کار را بعد از تصویب اصل واگذاری بخشی از سهام کارخانجات به کارگران و بعد به عموم مردم که از اواخر دهه ۱۳۴۰ شروع شده بود تجربه کرده و بخشی از مالکیت را واگذار کرده بودند و حاضر بودند بقیه سهام‌شان را هم واگذار کنند. در حقیقت آنها کارخانه‌ها را مانند فرزندشان بزرگ کرده بودند و حاضر بودند به هر وسیله‌ای که شده نظارت خودشان را ادامه دهند. حاج برخوردار به مهندس بازرگان گفته بود تنها مدیریت صنایع را به ما بدهید و صد ضربه شلاق هم به ما بزنید. مهندس بازرگان پرسیده بود صد ضربه شلاق برای چی؟ برخوردار گفته بود برای اینکه یادمان باشد دیگر در اینجا سرمایه‌گذاری نکنیم و کار و شغل ایجاد نکنیم. اکبر لاجوردیان به ایشان گفته بود جرم ما این بود که شغل درست کردیم. به هر حال تجربه دیگر کشورها هم نشان داد که راه‌های بهتری وجود داشته است. مثلاً بعد از ملی کردن‌ها نیز دولت می‌توانست کارخانه‌ها را به بنیادها واگذار نکند اما قسمت زیادی از این کارخانه‌ها به بنیاد مستضعفان واگذار شد و بخش دیگری هم به تدریج به سایر بنیادها و کمیته‌ها واگذار شد در حالی که مثلاً در نیکاراگوئه اموال «آناستاسیو سوموزا» نخست از سوی برخی نهادهای موازی دولت نگهداری شد و بعد از مدتی همگی تحت نظارت دولت درآمد. منظورم این است که هم ملی کردن‌ها اجتناب‌پذیر بود و هم به وجودآمدن بخش جدیدی در اقتصاد ایران که در حال حاضر یکی از معضلات اقتصاد است.

**آثار و عواقب ملی کردن در اقتصاد و جامعه ایران به طور کلی چه بود و در چه چارچوبی قابل تعریف است؟**

همان‌طور که اشاره شد ملی کردن صنایع بزرگ لزوماً به دولتی شدن صرف صنایع منتهی نشد بلکه بخش جدیدی در اقتصاد ایران ایجاد کرد. بنیادها، بخش خصولتی، حتی قدرت گرفتن صندوق‌های بانزئستگی و تامین اجتماعی در بازار سرمایه ریشه در این ملی کردن‌ها دارد. عواقب دیگر ملی کردن‌ها کاهش ظرفیت تولید بود، کاهش کارایی کارخانه‌ها و صنایع بود که تقریباً تا حالا ادامه دارد و شما عواقب آن را در تعطیلی این صنایع می‌بینید. پیامد دیگر فاصله گرفتن از ورود فناوری‌های مدرن بود که چون صنایع بزرگ همه دولتی شدند ارتباط با بازار جهانی قطع شد و تا مدت‌ها شرکت‌های طرف قرارداد ملی شدن‌ها را به رسمیت نمی‌شناختند. به ویژه انتقال فناوری قطع شد. ما تقریباً در برخی صنایع شروع به انتقال فناوری و مهارت‌های بالا کرده بودیم و به مرز استقلال نسبی نزدیک شده بودیم. مثلاً فناوری تولید پلی‌الکریل و پلی‌استر را از شرکت دوپان گرفته بودیم و در حالی که ترکیه یک کارخانه پنج هزار تنی پلی‌استر داشت ما کارخانه ۵۰ هزارتنی پلی‌الکریل و پلی‌استر داشتیم. امکان اینکه محصولات گروه صنعتی بهشهر به تمام خاورمیانه و حتی اروپا صادر شود و نمایندگی‌هایی در سراسر خاورمیانه داشته باشد فراهم بود. مشارکت‌های بسیاری از طرف شرکت‌های بزرگ جهانی مثل نستله، لانکوم، اورال، شرکت‌های داروسازی با طرف‌های بخش خصوصی در جریان بود و اجرای آنها اقتصاد ایران را به قدرتی در منطقه تبدیل می‌کرد. جایگاه ایران به مراتب از کره جنوبی و ترکیه بهتر بود. یکی دیگر از پیامدهای ملی کردن‌ها این بود که برخی بنیادها که به بهانه کار رفاهی تاسیس شده بودند وارد کار تجارت و صنعت شدند و نابسامانی در حوزه رفاه را ایجاد کردند.

**کدام دست از عواقب ملی کردن بر دیگری می‌چربید؟ آثار منفی یا مثبت؟**

من تقریباً اثر مثبتی در ملی کردن‌ها نمی‌بینم. البته چند کارخانه بودند که وضع خوبی نداشتند اما سازمان گسترش می‌توانست طبق وظیفه‌اش آنها را نوسازی

کند. استراتژی صنعتی ما در دهه اول انقلاب، بعد از ملی کردن‌ها، استراتژی حفظ موقعیت موجود صنایع بود و هیچ تحولی در صنایع رخ نداد. به علاوه، تغییر مدیریت‌ها باعث وخامت در صنایع دولتی از جمله سازمان گسترش و نوسازی نیز شد و تنها نابسامانی محدود به صنایع ملی شده نبود. یکی دیگر از آثار منفی ملی کردن صنایع تاثیر آن بر قانون اساسی بود. قانون حفاظت و توسعه صنایع پنج ماه قبل از قانون اساسی آبان ۱۳۵۸ تصویب شد و عملاً روی قانون اساسی تاثیر گذاشت.

**تجربه کنونی ما از فرآیند ملی کردن چه درسی به ما می‌دهد؟ آیا به سطحی رسیده که اکنون با هر گونه ملی کردن مخالفت شود یا هنوز هم در مواقعی این کار توصیه می‌شود؟**

هنوز ما از شرایط سال ۱۳۵۷ فاصله زیادی داریم و شاید بسیار عقب هم رفته باشیم، البته از لحاظ تحمل یک بخش خصوصی که مالک صنایع بزرگ باشد. ادعاهایی به نفع بخش خصوصی می‌شود اما شرایط بسیار متفاوت است و راه زیادی داریم تا برخی انحصارات را از بین ببریم و شرایط را برای رشد سرمایه خصوصی آماده کنیم. گروه‌های تجاری مختلفی به وجود آمده‌اند که منافع خاص خودشان را دارند. حتی این گروه‌ها از شعارهایی که علیه نتولیبرالیسم می‌دهند سود می‌برند.





**خودروسازی کره جنوبی در شرایطی تقریباً همزمان با صنعت خودرو ایران فعالیت خود را آغاز کرد که کره‌ای‌ها حالا یکی از غول‌های دنیای خودرو به‌شمار می‌روند و توانسته‌اند علاوه بر جلب رضایت مشتریان داخلی، به بسیاری از بازارهای مهم و استراتژیک دنیا نیز نفوذ کنند.**

با این شرایط، این پرسش پیش می‌آید که چرا خودروسازی کره توانست طی کمتر از نیم قرن به چنین جایگاه رفیع و قدرتمندی در جهان خودرو برسد، اما خودروسازی ایران به‌نوعی هنوز در الفبای این صنعت مانده است. برای پاسخ به این پرسش، سراغ تحقیق و پژوهشی خودرویی در این زمینه می‌رویم که در آن به روند خودروساز شدن کره و مسیری که این کشور در راستای مواردی مانند داخلی‌سازی، قدرت طراحی، تعرفه‌گذاری منطقی و صادرات، برای رسیدن به جایگاه فعلی طی کرده، پرداخته شده است.

### تفاوت سیاست‌های تعرفه‌ای در خودروسازی ایران و کره

اولین پرسشی که در این پژوهش، مطرح شده، این است که صنعت خودرو کره جنوبی با چه شرایطی و از کجا آغاز به کار کرد؟ بر این اساس، کره‌ای‌ها در ۱۰ سال ابتدایی آغاز به کار در صنعت خودرو، اقدام به تاسیس ۵ شرکت به اصطلاح مونتاژکار کردند، آن هم در شرایطی که بازار این کشور، کوچک بود و محدودیت‌های زیادی (به‌خصوص به لحاظ نقدینگی جامعه) برای فروش خودرو وجود داشت. البته بعدها دولت‌های مختلف اقدام به اصلاحات ساختاری در خودروسازی این کشور کردند که در نهایت سبب ایجاد شرکت‌های جدید و حتی ادغام در این صنعت شد. هرچند در حال حاضر نیز ۵ شرکت بزرگ خودروساز در کره وجود دارد، اما ماهیت این خودروسازها طی نیم قرن گذشته کاملاً تغییر کرده است؛ به‌طوری که برخی ادغام و برخی دیگر نیز حذف شده‌اند. اما یکی از سیاست‌های ابتدایی کره در سال‌های اولیه شکل‌گیری خودروسازی در این کشور، محافظت سرسختانه از بازار داخلی در برابر واردات بود.

بر این اساس، کره‌ای‌ها به‌طور مقطعی ابتدا ممنوعیت واردات را لحاظ و سپس از حربه تعرفه برای محافظت از بازار خودرو و به‌عبارت بهتر، شرکت‌های خودروساز نوپای خود استفاده کردند. طبق این سیاست، واردات خودرو به کره برای مدت ۲۵ سال (از سال ۱۹۶۲ میلادی تا ۱۹۸۷) ممنوع بود و همچنین تا سال ۱۹۹۹ نیز خودروهای ژاپنی حق ورود به به بازار این کشور را نداشتند. پس از رفع ممنوعیت اما کره‌ای‌ها تعرفه‌ای ۶۰ درصدی را برای واردات خودرو به این کشور در نظر گرفته و طی ۱۰ سال، این رقم را به‌صورت پلکانی کاهش داده و به ۸ درصد رساندند. البته این موضوع نیز سبب نشد سهم خودروهای وارداتی در بازار کره به شدت افزایش یابد؛ به‌نحوی که موانع غیر تعرفه‌ای مانند انواع و اقسام مالیات، استانداردهای سختگیرانه ایمنی و زیست محیطی، محدودیت در ایجاد شبکه فروش و مسائلی از این دست، سبب شد سهم واردات در بازار خودرو این کشور، از ۳ درصد تجاوز نکند.

در نهایت اما با امضای قراردادهای تجارت آزاد میان کره و اتحادیه اروپا و آمریکا، واردات به این کشور تسهیل و سهم واردات افزایش یافت؛ به‌نحوی که در سال ۲۰۱۳، این سهم به ۱۰ درصد رسید. سیاست تعرفه‌ای کره در خودروسازی اما در حالی یکی از عوامل موفقیت این کشور در صنعت خودرو به‌شمار می‌رود که خودروسازی ایران هنوز هم با تعرفه بالای واردات مواجه است. البته در ایران نیز برنامه‌های مختلفی برای تعرفه واردات خودرو در مقاطع مختلف لحاظ و حتی قرار شد با کاهش پلکانی به حداقل برسد، با این حال به‌دلیل آماده نبودن خودروسازان داخلی برای رقابت با خارجی‌ها، برنامه‌های موردنظر عملی نشد. در حال حاضر نیز ایران در جمع کشورهایی است که تعرفه بالایی را برای واردات خودرو در نظر گرفته و این موضوع خود به تنهایی نشان‌دهنده یکی از تفاوت‌های مهم میان خودروسازی ایران و صنعت خودرو کره است. به‌عبارت بهتر، کره‌ای‌ها با توجه به افزایش قدرت رقابت‌پذیری خودروسازان خود، رفته‌رفته واردات را تسهیل کردند، چون مطمئن بودند صنعت خودرو این کشور

در پژوهشی خودرویی بررسی شد

## نقطه جدایی خودروسازی کره از ایران

پیشروی و صادرات را تقویت کنند، این در حالی است که عکس این اتفاق در خودروسازی کشور رخ داده و تامین نیاز داخل، اولویت خودروسازان ایرانی است. از طرفی، دولت نیز نه به لحاظ سیاست‌های اقتصادی (به‌خصوص در مساله نرخ ارز) و نه از جنبه تمهیدات تنبیهی و تشویقی، خودروسازان را به سمت صادرات سوق نداده و حتی با حمایت‌های گاه و بیگاهش نگذاشته این صنعت روی پای خود ایستاده و در عرصه رقابت، کاری از پیش ببرد.



با وجود واردات محصولات خارجی نیز می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و حتی به رقابت با آنها بپردازد. این در حالی است که این اطمینان خاطر هنوز در مورد خودروسازی ایران به‌وجود نیامده و از همین رو فعلاً دیوار تعرفه واردات خودرو به کشور بلند است. البته در صنعت خودرو کره اتفاق مهم دیگری نیز رخ داد و آن، جایگزینی واردات همراه با توسعه صادرات بود.

طبق این سیاست، خودروسازان کره‌ای از رقابت با خودروهای وارداتی به‌نوعی معاف و همزمان، صادرات با ابزارهای انگیزشی گوناگون، جایگزین این رقابت شد. به‌عبارت بهتر، خودروسازان کره‌ای ماموریت یافتند در بازارهای جهانی

این حال در بیشتر موارد، دانش فنی مورد نیاز را از طریق قراردادهای تحت لیسانس تامین می‌کرد و نه پذیرش سرمایه‌گذاری منتج به سهامداری. هرچند خودروسازی ایران نیز تا همین یکی دو دهه پیش به‌نوعی به‌دنبال توسعه مستقل بود، با این حال به‌دلیل ضعف‌های ساختاری و دور ماندن از دانش فنی و تکنولوژی روز دنیا، چاره‌ای جز همکاری مشترک با خارجی‌ها نداشت. از همین رو، صنعت خودرو ایران تا به امروز چند مدل همکاری مختلف را (از مونتاژ گرفته تا جوینت ونچر) تجربه کرده است. بدون شک اگر خودروسازان ایرانی نیز از جنبه توانمندی فنی و دانش طراحی و قدرت رقابت، در شرایط مناسبی قرار داشتند، می‌توانستند به‌صورت مستقل بدون نیاز به خارجی‌ها، فعالیت کرده و ضمن تامین نیاز داخل، به یکی از بازیگران اصلی در بازارهای جهانی خودرو نیز تبدیل شوند. با این حال، ضعف‌های بزرگ فنی و دور ماندن از تکنولوژی روز، خودروسازی ایران را به جایی رسانده که نه‌تنها آینده‌اش با مشارکت‌های خارجی ترسیم شده، بلکه تصمیم‌سازان به‌دنبال واگذاری اختیارات مدیریتی آن به بزرگان صنعت خودرو دنیا نیز هستند.

### نقطه قوت و ضعف خودروسازی ایران و کره

اما سیاست مهم دیگر کره‌ای‌ها در صنعت خودرو، به داخلی‌سازی مربوط می‌شود، سیاستی که سبب شد خودروسازان این کشور به سرعت مسیر ساخت داخل قطعات را پیش ببرند. بر این اساس، دولت کره با وجود ممنوعیت واردات خودرو کامل، ورود قطعات و مجموعه‌ها به این کشور را آزاد و بدون تعرفه اعلام کرد، با این حال به‌واسطه در نظر گرفتن سیاست‌های کلی به‌خصوص در حوزه ارزی، خودروسازان داخلی را به سمت داخلی‌سازی سوق داد. این در شرایطی است که در خودروسازی ایران اگرچه شاهد روندی رو به رشد در ساخت داخل بوده‌ایم، با این حال به‌دلیل بالا بودن هزینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری ضعیف قطعه‌سازان طی سال‌های گذشته، در حال حاضر واردات قطعه به صرفه تر از تولید شده است. شرایط به شکلی پیش رفته که گاهی حتی قطعه‌سازان نیز روی به واردات آورده‌اند و از همین رو سرمایه‌گذاری و تحقیق و توسعه برای ساخت قطعات به‌روزتر و باکیفیت‌تر، عملاً در محاق رفته است. هرچند دولت ایران برای واردات قطعه به کشور تعرفه لحاظ کرده تا از این راه به ساخت داخل قطعات کمک کند، با این حال تاثیر این موضوع بیشتر خود را در قیمت تمام شده خودروهای مونتاژی نشان داده و سبب نشده قطعه‌سازان داخلی در راستای ساخت قطعات به روز و با کیفیت، چندان ارتقا یابند.

همزمان با این اتفاق (رویکرد داخلی‌سازی) اما دولت کره خودروسازان این کشور را ملزم کرد تا به سمت طراحی خودرو بروند و نتیجه این الزام، تولید محصولی به نام پونی بود که بعدها به بازار آمریکا نیز صادر شد. این اتفاق (دستیابی به قدرت طراحی) یکی از مولفه‌های اصلی در رشد و توسعه خودروسازی کره به‌شمار می‌رود و این در حالی است که اتفاقاً یکی از نقاط ضعف اصلی صنعت خودرو ایران به همین حوزه (طراحی) مربوط می‌شود. این نقطه ضعف سبب شده خودروسازان داخلی همچنان بخش اعظم تولیدات خود را به محصولات قدیمی اختصاص داده و همچنین نتوانند چندان به بازارهای صادراتی راه پیدا کنند. البته در حال حاضر اقداماتی در راستای دستیابی به قدرت طراحی در خودروسازی کشور انجام شده و طبق آن قرار است این صنعت صاحب پلت فرمی اختصاصی شود. هرچند اصل این اتفاق را باید به فال نیک گرفت، اما زمانی به یک موفقیت دنباله دار تبدیل خواهد شد که مانند خودروسازی کره، صنعت خودرو ایران نیز بتواند به قدرت طراحی دست پیدا کرده و اولین قدم مهم را برای پیوستن به جمع بازیگران اصلی خودروسازی جهان بردارد.

### استقلال و وابستگی در صنعت خودرو

اما سیاست دیگری که کره‌ای‌ها در خودروسازی به کار بردند، « توسعه مستقل » بود. بر این اساس، کره‌ای‌ها اجازه نمی‌دادند خودروسازان جهانی اختیار شرکت‌های خودروساز این کشور را در دست بگیرند و از همین رو سهم خارجی‌ها در این صنعت، بین ۱۰ تا ۱۵ درصد بود. البته این سیاست دائمی نبود، چه آنکه پس از بحران مالی آسیایی‌ها در ۱۹۹۷، سهم برخی خودروسازان کره‌ای به‌دلیل ورشکستگی، به خارجی‌ها فروخته شد. در سال‌های قبل از توسعه یافتگی صنعت خودرو در کره، این کشور به فناوری خارجی وابسته بود، با



## تحويل اوراق مناقصه انجام امور اداری و سفارتخانه ها



خدمات بار و پست سریع هوایی  
۰۵۱ - ۳۸ ۴۶ ۱۰۰۱  
www.sepidbal.com

دفترچه  
فنی  
محصولات



## شرکت ایمن روانساز صنعت

تولید کننده انواع روانسازهای موتور و صنعتی



WWW.XEROL.IR

INFO@XEROL.IR

۰۲۱-۸۸۴۴۳۳۳ (۱۰ خط)

@XEROLCLUB

XEROL.IR





## طراح و تولیدکننده مبدل های الکترونیکی انرژی الکتریکی Power Conversion Systems

انواع منابع تغذیه تجهیزات مخابراتی، اینورتر خورشیدی، کانورتر بادی سیستم های ذخیره ساز انرژی، درایورهای الکترونیکی، خودروهای برقی، بهبود کیفیت توان و ...  
پیمانکار رتبه یک سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در شبکه های مخابراتی و ارتباطات

[www.nianelectronic.com](http://www.nianelectronic.com)



- ۱ برترین شرکت خصوصی فناوری و نوآوری کشور منتخب پنجمین دوره جایزه ملی مدیریت فناوری و نوآوری در سال ۱۳۹۶
- ۲ منتخب وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات (فاوا)، با دریافت افتخار آمیز رتبه یک توسعه کسب و کارهای نوآورانه سال ۹۵ / واحد نمونه صادراتی سال ۹۳ / واحد نمونه تولید و پشتیبانی و کار آفرین نمونه سال ۹۲
- ۳ تندیس زرین دوازدهمین جشنواره ملی فن آفرینی شیخ بهایی در سال ۹۵
- ۴ تندیس طلایی رعایت حقوق مصرف کنندگان برای شش سال متوالی از سال ۹۰ تا کنون
- ۵ گواهینامه صلاحیت پیمانکاری پایه یک رشته ارتباطات از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور از سال ۹۴
- ۶ برترین واحد تحقیق و توسعه کشور منتخب وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال ۹۳ و ۹۵
- ۷ واحد صنعتی نمونه کشور منتخب وزارت صنعت، معدن و تجارت

## طراحی و تولید اینورترهای خورشیدی و مجری نیروگاه های تجدیدپذیر

